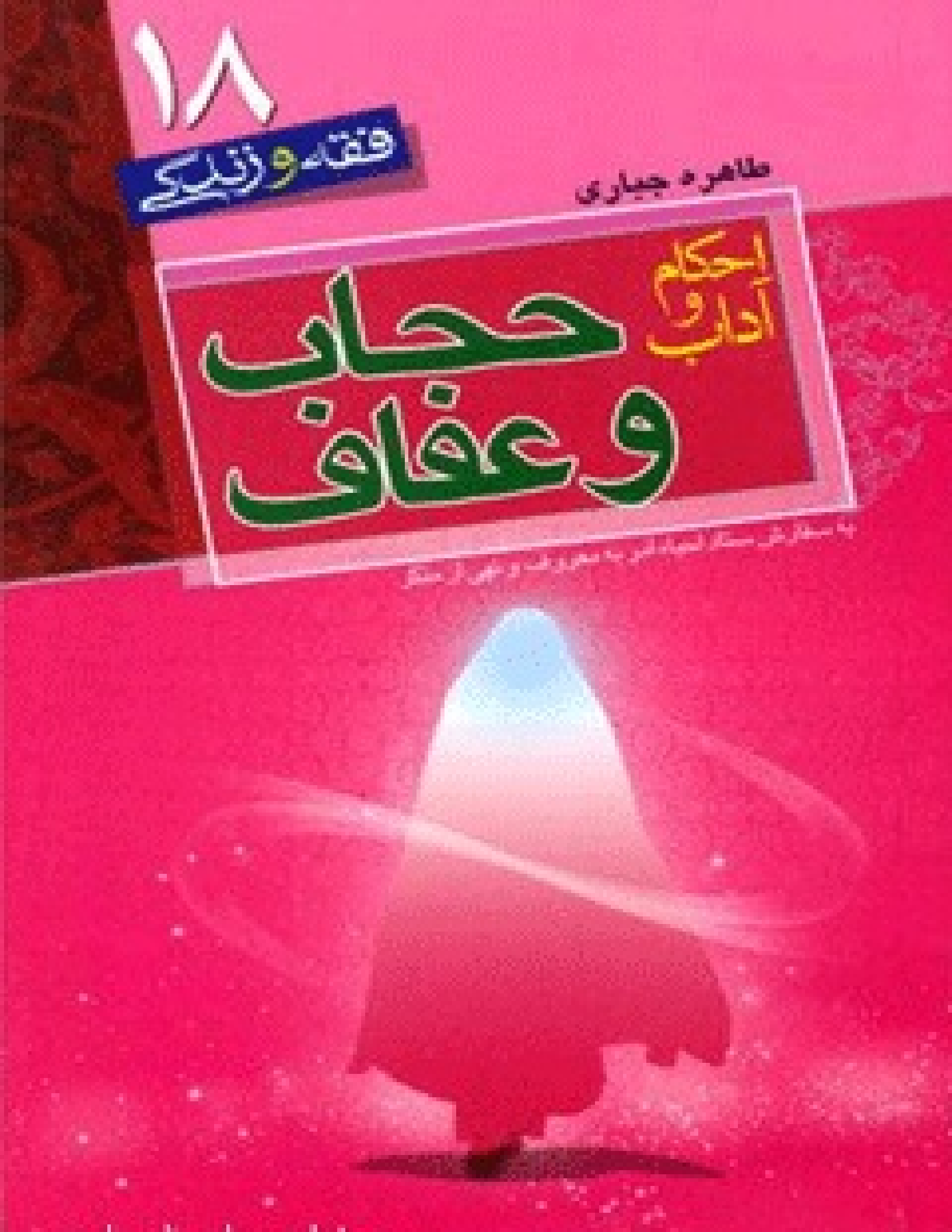
۱۸

فقه و زندگی

مظاهره جباری

احکام و آداب حجاب و عفاف

به سفارش مرکز تحقیقات اسلامی با معاونت امور زنان و خانواده





www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

احکام و آداب حجاب و عفاف

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : احکام و آداب حجاب و عفاف/طاهره جباری
مشخصات نشر : قم: نورالسجاد، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری : ۲۰۲ص.۱۹×۱۱س.م
وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)
شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۷۷۱۵

سخن ناشر

از دیدگاه اسلام، همان گونه که دین راهنمای اندیشه و اخلاق و عبادات ا ست، راهنمای انتخاب ها و بایدها و نبایدها در همه شؤون زندگی است. طرح پروهشی- فرهنگی "فقه و زندگی " با این عقیده شکل گرفت که اسلام پاسخ گوی نیازهای بشر در همه عرصه های زندگی است. رفتار و اعمال روزمره هر انسان صدها حکم واجب و مستحب و شرایط حقوقی و اخلاقی دارد که دانستن آن در سلامت روابط اجتماعی و تکامل اخلاقی و معنوی انسان اثر می گذارد، همچنین صدها حرام و مکروه دارد که انجام آن فضای زندگی فردی و اجتماعی را تیره و تار می سازد.
از آنجا که بسیاری از مشکلات اجتماعی، ناشی از ندانستن احکام الهی و عمل نکردن به قوانین فقهی است، اگر دولت ها و ملّت ها احکام و دستورهای حیات بخش الهی را بشناسند و به آن عمل کنند زندگی هر روز شیرین و شیرین تر می شود و زمینه برای رشد معنوی و سعادت جاودانی فراهم می گردد.
نویسنده محترم این اثر، همچون سایر نویسندگان مجموعه کتب فقه و زندگی، با بهره گیری از قرآن، سنت، فقه اهل بیت، اخلاق اسلامی و اصول مسلم عقلی سعی کرده که وظیفه و تکلیف الهی و دینی بانوان محترم را، در رابطه با پوشش و حجاب تبیین کرده و آنها را برای عمل به واجبات و مستحبات الهی راغب و نزدیک تر و از مکروهات و محرمات دور نماید؛ که جا دارد از قلم شیوا و تلاش محققانه ایشان تشکر و قدردانی شود.
همچنین از تمام مسئولان و دست اندرکاران، به ویژه حجج اسلام محمود مهدی پور و محمدحسین فلاح زاده که نظارت علمی این مجموعه را به عهده دارند، و "دبیر ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر"، جناب حجة الاسلام و المسلمین حاح سید احمد زرگر و تشکل های مردمی ستاد، که با را هنمایی و حمایت های مالی ما را در چاپ و نشر این مجموعه یاری می دهند، تشکر و قدردانی می شود.
ا مید است که دیدگاه های علمی و تجربی خویش را برای تکمیل
و اصلاح این مجموعه، به نشانی: قم، خ معلم، 16 متری عباس آباد، جنب مدرسه شهیدین، انتشارات نورالسجاد ه ارسال کنید و ما را در ارائه بیشتر و بهتر خدمات فرهنگی یاری فرمایید.
والله ولی التوفیق
قم- انتشارات نورالسجاد ه

مقدمه مولف

پوشش زن در برابر مرد بیگانه از مسائل مهم اسلامی است که قرآن کریم با صراحت بر وجوب آن تاکید نموده ا ست. پوشش مناسب، پرهیز از نگاه حرام و عدم جواز خلوت، لازمه حفظ حریم میان مردان و زنان نامحرم است.
زن با رعایت حجاب اسلامی، علاوه بر این که روح خود را برای تزکیه، پالایش و قرب الهی آماده می نماید، زمینه رشد معنوی مردان و گسترش امنیت اجتماعی را فراهم می سازد. حفظ حریم میان مردان و زنان، روح و روان و اخلاق آنان را سامان دهی کرده، بر تحکیم نظام خانواده می افزاید. حال اگر کسانی با نگرش دینی- اسلامی یا با دید جامعه شناسانه و روان شناسانه به چنین تاثیرات مطلوب، به ویژه تامین امنیّت اجتماعی پی ببرند برای اندیشه ها و رفتارهایشان دست به گزینش می زنند تا به کمال انسانی دست یابند. از این رو به پوشش و عفاف نیز به عنوان یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، که مصونیت اخلاقی و خانوادگی و سعادت دنیا و آخرت را درپی دارد، می نگرند.
پوششی که اسلام آن را به عنوان یک حکم شرعی اعلام کرده، یک عمل ظاهری نیست، بلکه بر پایه های محکم عقیدتی استوار است. این پایه ها عبارتند از: 1. ایمان به خدا و جهان آخرت: ایمان به خدای علیم و حکیم، علاوه بر ایجاد آرامش روحی و روانی، این اطمینان را در انسان به وجود می آورد که احکام و دستورات الهی، بدون نقص و دارای آثار مطلوبی است. بنابراین، احکام الهی را با تمام وجود پذیرفته و به آن ها عمل می نماید.
2. تقوا و پرهیزکاری: این عامل، اعتقاد قلبی انسان را به شکلی که مطلوب خداوند متعال است، درعمل او ظاهر می سازد. کسی که درمان بیماری دل را تقوا بداند و آن را به کام جان خود بریزد، در برابر معبود سرا پا تسلیم و رضا می گردد و حفظ حریم را محدودیت نمی داند.
3.آگاهی کامل: وقتی زن برای این پرسش درونی خود که "چرا باید پوشیده باشم؟ " پاسخ قانع کننده پیدا کند، بی تردید با جان و دل این مسئولیت بزرگ فردی و اجتماعی را می پذیرد و دوام آن را تضمین می نماید. به طور کلّی، شناخت کافی درباره آثار حیات بخش رعایت حجاب، باعث می شود که زن نه تنها از رعایت آن احساس سنگینی نکند، بلکه بی بند و باری و پوشش

نامناسب را برای روح و جسم خود و خانواده و اجتماع باری سنگین و غیر

قابل تحمل بداند.
بر این اساس و با توجه به آیات شریفه (إِنَّ الَّذِین ءامَنُوأ وعَمِلُواْ الصلِحتِ إِنَّا لَا نُضِیعُ اجرَ مَن أحسَنَ عَمَلاً 1)؛ ما اجر کسانی را که عملشان نیکوست، ضایع نمی کنیم و (إِنَّا لَا نُضِیعُ أجرَ المصلِحِینَ)2؛ ما اجر نیکوکاران را از بین نمی بریم، دست کم در میان پیروان دین مقدس اسلام، پدیده بی حجابی و بدحجابی بروز و ظهور نخواهد داشت، چرا که زنان پوشش اسلامی را عملی صالح و نیکو قلمداد می کنند که به وسیله آن می توانند عشق درونی و ایمان قلبی شان را به معبودشان بر سر هر کوی و برزن فریاد بزنند. و از آن جا که خداوند فرمود: (واَلعقبَةُ لِلمُتَّقِینَ)3 فرجام نیک از آنِ پاکان پرهیزکار است. کسی که رفتارش مطابق دستورات الهی نیست، نباید انتظار داشته باشد که دیگران تقوا و ایمان قلبی او را باور کنند. او باید بداند که لاجرم این گونه اعمال به فرموده امام جعفر صادقهباعث سیاهی قلب ل و و خارج شدن نور ایمان از دلش خواهد شد.4
اگر در قرآن کریم همواره ایمان و عمل صالح در کنار هم
1. کهف (18)، آیه 30
2. ا عر اف (7)، آیه ی 170
3. قصص (28)، آیه ی 83
4. کافی، ج2، ص 271

ذکر شده، بدان معناست که خداوند دوست دارد زیبایی قلبی و درونی انسان ها به شکل عملی زیباتر جلوه گر شود تا او بتواند بانک (فَتَبَارَکَ اَللَّهُ أحسَنُ الخلِقِینَ)1 سرداده و به خلقت بشر در برابر مخلوقات دیگرش افتخار نماید.
تلاش این نوشتار برآن است تا به اختصار، فلسفه، ضرورت
و احکام پوشش و نگاه را از دیدگاه قرآن و روایات و فتاوای مراجع عظام تقلید بیان نماید، باشد که به لطف پروردگار این شناخت تبدیل به ایمان قلبی گردیده، عمل صالح به بار آورد تا در پرتو آن، زنان چو مردان جامعه مصداق آیه شریفه ی (یاَیتُهَا اَلنَّفس المُطمَّئنهُ اَرجِعیِ إِلَی رَبِّکِ رَاضِیَةً مَّرضِیَّةً) 2 شوند و در بهشت با اولیای خدا همنشین گردند.
چنان که به یاری حق روشن خواهد شد، حجاب مصداق بارز دستورهای حیات بخش خدا و رسولش است که بنابر بیان آیه شریفه (یایها اَلَّذِینَ ءامَنُول اَستَجِیبواْ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاکُم لِمَایُحیِیکُم واعلَمُواْ أنَّ اللَّهَ یَحُولُ بَین المَرءِ وَ!قَلِبِه وأَنَّهُ إِلَیهِ تحشَرُون)
" ای اهل ایمان وقتی که خدا و رسولش شما را به آن چه
حیات بخش است دعوت می کنند، اجابت کنید و بدانید که
خداوند بین فرد و قلبش واقع است و به سوی او محشور

خواهید شد. " اجابت آن ضروری است.
1. مو منون (23)، آ یه 14
2. فجر (89)، آیات 27 و 28 گفتنی است احکامی که در ادامه خواهد آمد مطابق با فتوای حضرت امام قدس سره رهبر معظم انقلاب جمع آوری گردیده و در مواردی که مراجع عالیقدر دیگر نظرشان با این دو بزرگوار یکی بوده، مقابل آن مسئله با کلمه "همه " به این مطلب اشاره شده و در غیر این صورت نظر مخالف بیان گردیده است.
به دلیل این که توجه اصلی این کتاب، زن و کرامت اوست؟ ناگزیر برای ایجاد بستری مناسب، دیدگاه های مختلف درباره زن را به اجمال طرح نموده، در صدر سخن از کلام حضرت امام قدس سره و رهبر معظم انقلاب و شهید مطهری یاری می جوییم، باشد که انفاس قدسیه این بزرگواران بر ثاثیر کلام بیافزاید.
طاهره جباری

فصل اول : جایگاه زن و آزادی او

1. نگاه غرب به زن، از دیروز تا امروز

در امپراتوری روم که پایه تمدن امروزی ا روپاست، زن ها را به بالاترین مقام و به آرایش ها می آراستند و احترامشان می کردند. برای اشباع یکی از خاکی ترین و مادی ترین خصلت های بشری در مرد و این بزرگ ترین توهین و تحقیر نسبت به انسان و نسبت به جنس زن است ! 1
زمانی که اروپایی ها تازه صنایع را به وجود آورده بودند و سرمایه داران غربی کارخانجات فراوان تاسیس کرده بودند احتیاج به نیروی کار ارزان، بی توقع و کم دردسر داشتند و لذا زمزمه آزادی زن را بلند کردند؛ برای این که زن را از داخل خانواده به داخل کارخانه ها بکشانند و به عنوان یک کارگر ارزان از او استفاده نموده، جیب های خودشان را پر کنند. امروز آن چه به نام آزادی زن در غرب مطرح است، ادامه همان داستان
1. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، 4/ 10/ 70
و ماجراست. در گذشته تاریخ هم به زن ظلم شده، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه گیر مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است که زن را وسیله التذاذ مرد معرفی کرد ه اند و اسمش را آزادی زن گذاشته اند. در حالی که در واقع آزادی مردان هرزه برای تمتع از زن است. غربی ها در عرصه هنر هم به زن ظلم کردند؛ اگر امروز در آثار هنری، داستان ها، رمان ها، نقاشی ها و انواع کارهای هنری نگاه کنید، خواهید دید با چه دیدی به زن می نگرند. آیا جنبه های مثبت و ارزش های والایی که در زن وجود دارد، مورد توجه قرار می گیرد؟ آیا عواطف رقیق و خوی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته است، خوی مادری، روحیه نگهداری از فرزند و تربیت فرزند مورد توجه است یا جنبه های شهوت رانی و به تعبیر آن ها "عشقی "؟ که البته این تعبیر غلط و نادرستی است، حقیقت مسئله شهوت است نه عشق. آن ها خواستند زن را این طور پرورش و عادت بدهند. آن ها زن را به عنوان یک موجود مصرف کننده دست و دل باز و کارگر کم توقع و کم طلب و ارزان تلقی می کنند، لکن اسلام این ها را برای زن ارزش نمی داند. 1
در اروپا و غرب، جنس مرد اجازه پیدا می کند به هر شکلی
از جنس زن التذاذ ببرد و این در فرهنگ روم قدیم به اشکال مختلف وجود داشته است. اگر دیده می شود، در جامعه غربی
1. سخنرا نی رهبر معظم انقلاب، 25/ 9/81

نسبت به زن به نوی از انحاء بعضی از تکریم ها می شود و ستاره های سینما و هنرپیشه ها و زن های زیبا را در مسابقات زیبایی مثلاً احترام می

کنند؛ این از آن نوع تکریم در مقام اهانت و اهانت به شکل تکریم است. 1 اروپایی ها چون دیر از خواب بیدار شده اند، می خواهند عقب افتادگی از لحاظ زمان را با هیاهو و جنجال های دورغین جبران کنند؛ زیرا تا اواسط دهه های دوم این قرن در هیچ جای اروپا هیچ زنی حق رأی و تصرف در مال خود را نداشت.2
شگفت آور این که در غرب با همه ادعاها در مورد تکریم زن و با همه تشریفات دروغین و ظاهری که به عنوان تکریم انجام می گیرد، ارتباط زن و شوهرها در داخل خانه ها تاسف بار است، مثل روابط زن و شوهر که در خانواده های بسیار ارتجاعی و متعصب ما وجود دارد؛ مثل کتک زدن، سیاه کردن بدن زن، کشتن زن به خاطر چیزهای کوچک که معمول است. ا ین ها موجب تاسف است.3

1. همان، 15/2/71
2. همان، 26/10/68
3. همان، 15/2/71

2. زن در نظام شاهنشاهی

از حرمسراهای پادشاهان خبرهایی شنیده اید. این حرمسراداری یعنی چه 3 حرمسراداری همان اهانت یک مرد
است که چون قدرت دارد، به خودش حق می دهد هزار نفر زن را در حرمسرای خود نگه دارد. اگر همه ملت هم این قدرت را داشتند، می خواستند به قدر خودشان هزار، چهارصد یا دویست زن داشته باشند. این حاکی از چه نگرشی نسبت به زن است. 1 زن در جامعه خودباخته نظام پلید پادشاهی حقیقتاً از همه جوانب مظلوم بود. اگر زن می خواست وارد مقوله علم بشود، باید قید دین و تقوا و عفاف را می زد، در میدان سیاست و در زمینه های اجتماعی هم همین طور. البته به این بستگی داشت که خودِ این زن جوهر و استعدادش چگونه باشد. اگر خیلی سست عنصر بود، تا آن اعماق می لغزید، اگر خویشتن دار بود تا حدودی می توانست خودش را حفظ کند، با توجه به این که دائماً با فشارهای روز افزون از سوی محیط اجتماعی روبه رو بود.2
در رژیم گذشته با این که جمع کثیری از زن ها بی سواد بودند و از مسائل سیاسی، اجتماعی دور نگه داشته شده بودند و اصلاً نمی دانستند که زن می تواند در سرنوشت کشور دخالت داشته باشد، از لحاظ ظاهری شبیه زنان اروپایی، گاهی هم روی دست آن ها زده بودند، وقتی آدم با آن ها روبه رو می شد خیال می کرد این زن الان از یک کشور اروپایی وارد ایران شده است. ولی هرگاه با وی دو کلمه صحبت می کرد، معلوم می شد
1. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، 10/4/ 70
2.همان 27/10/68 یک خانم بی سواد یا کم سواد است؟ ضعف شخصیت، او را وادار کرده تا برای خود شخصیتی کاذب درست کند. جلوه گری می کرد تا چشم ها را به سوی خود جلب کند. این، برای زن انحطاط بود. این پیشرفت نبود که زن را با آرایش و با مد یا جلوه گری و لباس و طلا و زیور آلات سرگرم نموده، از او به عنوان یک ابزار و وسیله در راه رسیدن به مقاصد گوناگون استفاده کنند و نگذارند در میدان سیاست، اخلاق و تربیت وارد شود، آیا جنایتی از این بزرگ تر نسبت به زن ممکن است؟ ا
زن ها را در این دوره های اخیر منحط کردند. نیروی بانوان ما را به عقب راندند، بانوان ما را منحط کردند؟ خیانت کردند بر ملت ما. بانوان ما را ملعبه کردند؟ بانوان ما را مثل عروسک ها کردند. بانوان ما جنگ جو بودند، این ها خواستند ننگ جو باشند! و خدا نخواست. این ها اهانت به مقام زن کردند. این ها می خواستند زن را مثل شیء، مثل یک چیز، مثل یک متاع به

این دست و آن دست بگردانند.2
1.سخنرانی رهبر معظم انقلاب، 27/10/68.
2.صحیفه ی نور، ج 6، ص 300

3. جایگاه زن در اسلام و انقلاب اسلامی

اسلام در وقتی که ظهور کرد (در جزیره العرب)، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند، اسلام آن ها را سربلند و سرافراز کرد، اسلام آن ها را با مردان مساوی کرد.
عنایتی که اسلام به بانوان دارد، بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. مردان بر ملت ها حق دارند و زن ها حق بیشتر دارند. زن ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می کنند. قرآن کریم انسان ساز است، و زن ها نیز انسان ساز. وظیفه زن ها انسان سازی است. اگر زن های انسان ساز از ملت ها گرفته بشود، ملت ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد، منحط خواهند شد. زن ها هستند که ملت ها را تقویت می کنند، شجاع می کنند. بانوان از صدر اسلام با مردان در جنگ ها هم شرکت داشته اند. مقام زن مقام والاست، عالی رتبه هستند. بانوان در اسلام بلندپایه هستند. ما می بینیم و دیدیم که زن ها، (بانوان محترمات) همدوش مردان بلکه جلو (تر از) مردان در صفِ قتال ایستادند. بچه های خودشان را از دست دادند، جوانان خودشان را از دست دادند و شجاعانه مقاومت کردند. ما می خواهیم زن در مقام والای انسانیت خودش باشد نه ملعَبه باشد؟ نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست اراذل باشد. 1
بانوان محترم ایران ثابت کردند که در دژ محکم عفت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرومند و دختران عفیف و متعهد به این کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ گاه در آن راه هایی که قدرتهای بزرگ برای تباه کردن این کشور پیش پای آن ها گذاشته بود، نخواهند رفت.2
1. صحیفه نور، ج 6، ص.300.
2. همان، ج 4 1، ص 355 و 356 و 357. هدف از آفرینش هر فرد انسان، همان هدف از آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضائلی که یک انسان و یک فرد می تواند به آن فضائل آراسته شود. لذا فرقی بین زن و مرد نیست. نشانه اش هم در درجه اول فاطمه زهراعلیهاالسلام است که در قله بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و دیگر زنان بزرگ تاریخ در درجه بعد از ایشان، همان گونه که می بینیم آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان این فرصت و این قدرت را یافت تا خود را به این اوج برساند. پس فرقی بین زن و مرد نباید باشد. شاید به همین جهت است که خدای متعال در قرآن کریم آن جا که راجع به نمونه انسان های خوب و نمونه انسان های بد مثال می زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می کند که در یک مورد همسر فرعون و در مورد دیگر همسر نوح و لوط (وضَرَبَ اَللَّهُ مَثَلاَ الَّذِینَ ءامَنُواْ امرَأَتَ فِرعَونَ)1 در

مقابل وقتی می خواهد در مورد انسان بد و نگون بخت و انسانی که در جهت غلط حرکت می کند نمونه ارائه بدهد، به همسر نوح و لوط مثال می زند. شاید جای سوال باشد که چرا زن و مرد، هر دو را نمی آورد. اسلام می خواهد در مقابل این برداشت و روش غلط و فهم نادرست که در طول تاریخ از مسئله زن وجود داشته، بایستد. شما از تعلیمات انبیا که بگذرید در همه برداشت های بشری و در همه
1. تحر یم (66)، آیه 11.

تحلیل ها و تفکراتی که بشر داشته جایگاه زن و مرد یک جایگاه نادرست است و نسبت زن و مرد یک نسبت غلط است. حتی در تمدن های بزرگ مثل ایران و روم. ادعای ما نسبت به مسئله زن در عالم این است و آن چیزی را که در تمدن های مادی نسبت به زن عمل می شود و امروز وجود دارد به هیچ وجه قبول نداریم و آن را به صرفه و صلاح زن و صرفه و صلاح کل جامعه نمی د ا نیم. 1
تبلیغات استکباری و صهیونیستی ما را متهم می کنند که به رشد علمی و فرهنگی زنان اهمیت نمی دهیم؛ آن ها می دانند که این اتهام دروغ است ولی تکرار می کنند؛ ما برای زن ارزش واقعی انسانی قائلیم، ما میان زن و مرد تفاوتی قائل نیستم. معتقدیم زن و مرد هر دو انسانند و میدان تکامل در برابرآن ها باز است؛ راه حضور سیاسی هم باز است. در انقلاب هم ما مشاهده کردیم نقش زن ها از مردها اگر بیشتر نبود کمتر هم نبود. در جنگ هم همین طور بود.2
نقش زنان در انقلاب ثابت کرد که زن در سایه ایمان و آگاهی و به دور از منجلاب فسادی که دنیای غرب برای او درست کرده، می تواند نقش اول را در تولات جهانی ایفا کند. ثابت کرد که افتخار و عظمت زن در چیزهایی که دست های آلوده صهیونیسم برای او در دنیای منحط کنونی
1.سخنرانی رهبر معظم انقلاب،26/10/68.
2.همان، 15/9/68 فراهم آورده نیست، بلکه در سایه طهارت و عفت و احساس مسئولیت است که زن می تواند همگام با مرد و در مواردی جلوتر از او گام بردارد.1
امروز سرگرم شدن به زر و زیور برای زن انقلابی مسلمان ا یرانی عیب است. امروز سر و سینه و دست را از زیور آلات پر کردن و زیور و آرایش و مد و لباس را بت خود قرار دادن، برای زن انقلابی مسلمان ایرانی ننگ است. آن زنی که در پی این گونه چیزهاست، از ارزش پایینی برخوردار است، طلا برای زن ارزش آفرین نیست، بی ا عتنایی به طلا ارزش آفرین است. مد برای زن ارزش آفرین نیست، بی اعتنایی نسبت به مدهای دام گونه ساخته و پرداخته دشمنان، برای زنان ارزش است.2 البته تجمل در

حد معقول را اسلام هم رد نکرده،ا ما در حد غیرمعقول به شکل مسابقه، چشم و هم چشمی، رقابت و وابسته کردن زن به تجملات، خلاف آن هدفی ا ست که ا سلام برای زن ها در نظر دارد.3

1. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، 23/4/68
2. همان، 27/10/67
3. همان،15/12/81

4. نسخه شفابخش

زن مسلمان باید در راه فرزانگی، علم و خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند و در میدان جهاد و مبارزه پیش قدم باشد، نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم ارزش بی اعتنا باشد. عفّت چو عصمت و طهارتش در حدّی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به خودی خود دفع کند. در محیط خانه، دل آرام شوهر و فرزندانش باشد. مایه آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد. در دامن پر مهر و عطوفت و با سخنان پر نکته و مهرآمیزش فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند. انسان های بی عقده، خوش روحیه و سالم از لحاظ روحی و اعصاب در دامان او پرورش پیدا کنند. مردان و زنان و شحصیت های جامعه را به وجود بیاورد. مادر از هر سازنده ای، سازنده تر و با ارزش تر است.
بزرگترین دانشمندان ممکن است ابزار بسیار فوق پیچیده الکترونیکی یا موشک های قاره پیما و وسایل تسخیر فضا را به وجود آورند، ولی هیچ کدام از این ها اهمیت این را ندارد که کسی یک انسان والا را بسازد. چنین کاری فقط از مادر ساخته است. این، آن الگوی زن اسلامی است. دنیای استکباری سرشار از جاهلیت، اشتباه می کند که خیال می کند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان بیاراید تا چشم های هرزه به او نگاه کنند و از او تمتع بگیرند و او را تحسین کنند. زن را به عنوان یک انسان والا نگاه کنید تا معلوم شود تکامل و حق آزادی او چیست؟ زن را به عنوان موجودی که می تواند خمیرمایه اصلاح جامعه برای پرورش انسان های والا بشود، نگاه کنید تا معلوم شود زن کیست و آزادی او چگونه است؟ زن را به عنوان عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید، اگر چه خانواده از زن و مرد تشکیل می شود و هر دو در تشکیل و موجودیت خانواده مؤثرند؟ اما آسایش فضای خانواده و آرامش و سکونی که در فضای خانواده وجود دارد، به برکت زن و طبیعت زنانه است؟ با این چشم به زن نگاه کنید تا معلوم شود زن چگونه کمال پیدا می کند و حقوق زن در چیست؟1
اسلام می خواهد رشد فکری، علمی، اجتماعی، سیاسی و بالاتر از همه رشد فضیلتی و معنوی زنان به حد اعلا برسد و وجودشان برای خانواده بشری و جامعه بشری به عنوان یک عضو، حد اعلای فایده و ثمره را داشته باشد و لذا همه تعالیم اسلام از جمله مسئله حجاب بر این اساس استوار است.2 غربی ها فشار و تکیه بیشتر را گذاشتند روی آن مسئله ا ی که درست نقطه مقابل مسائل ارزشی واقعی است و در اسلام به آن اهتمام شده و لذاست که ما در باب حجاب این همه تاکید داریم و به نظر ما بحث

هایی که در باب پوشش زن می شود خوب است که انجام بگیرد.2
1. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، 25/9/71. 2.همان، 26/10/68
2. همان،4/10/70

فصل دوم : کلیات

مفهوم پوشش و حجاب

معنای لغوی حجاب: کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب؛ بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش (پوششی که مانع از دیدن شیء پوشانده شده می شود) است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوشش حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. حجاب به این معنا در قرآن هفت بار به کار رفته است.1

معنای اصطلاحی حجاب: استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه "سِتر" که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها که در بحث "نماز" و "نکاح " این موضوع

1. اعر اف (7)/46؛ اسر اء (17)/45؛ مر یم (19)/17؛ احزا ب (33)/53؛ ص (38)/ 32؛ فصّلت (41)/ 5؛ شوری (42)/ 51. را مطرح کرده اند کلمه ستر را به کار برد ه اند، نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلَمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می بردیم. زیرا چنان که گفتیم، معنی شایع لغت حجاب پرده است؛ و اگر در مورد پولشش به کار برده می شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوششی که اسلام برای زنان مقرر کرده، بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران قدیم و هند، چنین چیزهایی وجود داشته است. ولی در اسلام وجود ند ا رد.

پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپر د ا زد.1

1. مسئله حجاب، ص 77 و 79

مفهوم عفاف

عفاف از ریشه عفّت است. عفت، یعنی پدید آمدن حالتی برای نفس، که بوسیله آن از فزونخواهی شهوت جلوگیری شود؛ عفّت، یعنی خویشتن داری از آن چه حلال و زیبا نیست.
مفهوم اصطلاحی: عفاف در اصطلاح یعنی آن حالت نفسانی و رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان. عفاف و پاکدامنی یعنی تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، یعنی جزو آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می گیرند، بی اختیار می شوند و محکوم این غریزه خود هستند، نبودن. 1 1. تعلیم و تربیت در اسلام، ص 152

رابطه عفاف با حجاب و پوشش

عفّت نمی تواند یک امر صرفاً درونی باشد و هیچ علامت بیرونی نداشته باشد. بخشی از تفاوت در نشانه های خویشتن داری زن و مرد از تفاوت در خلقت آن ها سرچشمه می گیرد و یکی از نشانه های عفاف پوشش است. عفاف بدون رعایت پوشش قابل تصور نیست، نمی توان به زن یا مردی عفیف گفت در حالی که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می شود؟ گرچه تفاوت در رفتارهای انسانی و حیوانی، ریشه در تفاوت خلقت و فطرت، گرایش ها و منش ها دارد. در اسلام از نشانه های برجسته عفاف می توان به پوشش اسلامی (حجاب) اشاره نمود. وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی کنند به او تعرّض کنند.

حیا و عفاف از ویژگی های درونی انسان است و حجاب به

1. تعلیم و تربیت در اسلام، ص 152 شکل و قالب و نوع و چگونگی پوشش بر می گردد و زن بدون عفّت و پوشش به زباله دان شهوت مردان بی اصول بَدَل می گر د د.

نباید بگذارند عفّت زن- که مهمترین عنصر براق شخصیت

زن است- مورد بی اعتنایی قرار گیرد. عفّت در زن، وسیله ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتّی در چشم خود مردان شهوتران و بی بند و بار است. عفّت زن، مایه احترام و شخصیت اوست و مسئله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگه داشته شود.

"امروز یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، بخصوص در کشور ایالات متّحده امریکا، همین است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفت زن تعدّی و تجاوز می کنند. آمارهای رسمی آمریکا واقعاً وحشت انگیز است. در هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف در کشور امریکا صورت می گیرد! ببینید چقدر مسئله عفّت مهم است و وقتی بی اعتنایی کردند، قضیه به کجا می رسد. هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف! برخلاف تمایل زن، مرد زورگو، ظالم، بی بندوبار و بی عفّت بتواند به حریم عفّت زن تعدّی و تجاوز کند. اسلام این ها را ملاحظه می کند. مسئله حجاب که این همه مورد توجّه اسلام است، به خاطر این هاست. " 1

آثار به جامانده از انسان ها چو تمدن های کهن نشانگر این است که پوشش به اسلام اختصاص ندارد و پیشینه تاریخی و دیرینه دارد. از سه هزار سال قبل از میلاد در تصاویری که نقاشی شده؛ دختران تمام بدن و پسران نیمه پایین بدنشان پوشیده است. چهارده قرن پیش در نقوش برجسته، فرعون و زن و دخترش پوشیده هستند.
نقش برجسته های مربوط به چهارده قرن پیش از میلاد در مصر، ملکه را با پوشش نمایش داده است. نقش برجسته های موجود در موزه های بریتانیا، برلین و ناپل، نشان دهنده پوشش زنان آن دوره می باشد. زنان در این مجسمه ها از پوشش کامل برخوردارند که بعضی مربوط به سه هزار سال قبل از میلاد هستند. در یونان، روم، مصر و ایران باستان زنان شهرنشین و ثروتمند، خود را می پوشاندند و از نظرها دور نگه می داشتند. در یونان زن در بیرون خانه بدن و صورت خود را می پوشاند. زنان آشوری به حجاب بدن و صورت و سر عادت داشتند. در روم شرقی حجاب شدیدتری رواج داشت و در روسیه تا هنگام سلطنت "پطر کبیر" حجاب معمول بود.
2. برگرفته از تاریخ تمدن، ج 4 و 6 و 12 و حجاب درادیان الهی.

پوشش در ادیان الهی

1. پوشش در آیین زرتشت

مرکز بعثت زرتشت ایران بوده و زنان ایران زمین از زمان مادها- که نخستین ساکنان این دیار بودند- پوشش کاملی شامل پیراهن بلند و چین دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنل بلند بر روی لباس ها داشتند و تا زمان بعثت پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله)ادامه داشته است. با توجه به متون تاریخی در زمان زرتشت اگر چه زن با آزادی در محیط بیرون از خانه رفت و آمد می کرده و همپای مردان به کار می پرداخته، ولی این امور با حجاب و پرهیز شدید از اختلاط های فسادانگیز همراه بوده است. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان باشد ببینند. در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورتی از زن دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد...

2. پوشش در آیین یهود

در تورات و کتاب فقهی "تِلمود" به صراحت وجوب پوشش سر از نامحرمان، نهی از تشبه زن به مرد و مرد به زن در پوشش، منع لمس و تماس و اختلاط زن و مرد، پرهیز از آرایش و ناز و غمزه و به صدا درآوردن خلخال های پا که موجب عذاب الهی می گردد، بیان شده است و در صورت عدم رعایت این فرامین، مرد حق داشت بدون پردا خت مهریه زنش را طلاق دهد.

3. پوشش در آیین مسیح

مسیحیت، نه تنها احکام سخت یهود را استمرار بخشیده، بلکه در برخی موارد آن را تشدید نموده و در برخی از آیات انجیل کوشش شده عفاف درون را پشتوانه حجاب بیرونی قرار دهد و در مورد لزوم عفت و آراستگی زن بوسیله حیا و پرهیز از آرایش و زیورآلات، داشتن وقار و دوری از نگاه نامحرم و وجوب پوشاندن موی سر به ویژه در مراسم عبادی آیاتی بیان شده است. کتاب های مصور مسیحیان و ارامنه بیانگر اهتمام زنان مسیحی و ارمنی به حجاب و عفاف است.

4. پوشش در ایران باستان

در ایران در دوره مادها و هخامنشیان و اشکانیان، زنان علاوه بر لباس های بلند و گشاد و آستین دار روی آن چادری هم به سر می کرده اند و لباس بیرون از منزلشان از تجملات و تزیینات خاص دور بوده است و از اختلاط با نامحرمان به شدت پرهیز می کرده اند. آن چه در ایران ساسانی بوده است، تنها پوشیدگی زن نبوده، بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده است.

5. پوشش در سایر ملل

حجاب زنان از عادات قدیم تمدن های بشری بوده است و منشا پیدایش حجاب حفظ حرمت زنان محترمه و ثروتمند بوده و بعداً صورت عفاف به خود گرفته است.
زنان یونانی صورت و اندامشان را تا روی پا می پوشاندند. زن های فنیقی دارای پوشش های قرمز رنگ بودند در لابه لای قدیمی ترین کتاب های یونانی سخن از حجاب به چشم می خورد. در بعضی شهرها صورتشان را با پارچه می پوشاندند و دو منفذ جلو چشمشان قرار می دادند. در بعضی شهرها موقع رفتن به بازار واجب بوده که زنان صورت هایشان را بپوشانند. در هند نیز حجاب سخت و شدیدی نظیر حجاب ایرانیان باستان حکمفرما بوده است.
بنابراین، در عهد باستان در میان همه ادیان و اقوام یونانی، رومی، آلمانی و خاور نزدیک و... پوشش زن به طور کامل رعایت می شده و از نیمه دوم قرن هجدهم آثاری مبنی بر کم شدن تدریجی حجاب به چشم می خورد.

6. پوشش زنان عرب

زنان عرب پیش از اسلام پوشش مناسبی ندا شتند؛ از این رو همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله)از پیروی آن الگو منع شدند. آیات سوره احزاب 1 بیانگر این نکته مهم است. از بررسی های تاریخی نتیجه
1. احزا ب (33)/ 32 و 33 می گیریم که اصل پوشش، پیش از اسلام رواج داشته است و اسلام فقط حد و مرز آن را مشخص کرده است، به عبارت دیگر، اسلام این رسم یا عادت را که در برخی جوامع به گونه ای شدید و یا ضعیف بوده است، به حد اعتدال و حدود شرعی رسانده و آن را اصلاح و تعدیل کرده است و جزء فرائض دین قرار داده است تا ناهنجاری های اجتماعی و خانوادگی را که نتیجه افراط ها و تفریط ها در این زمینه بوده است، برطرف سازد. 1
1. برگرفته از تاریخ تمدن، ج 4 و 6 و 12 و حجاب در ادیان الهی

7. پوشش مسلمانان پیش از نزول آیه حجاب

به نظر می رسد حکم حجاب در سال ششم هجرت تشریع گردید. صاحب تفسیرکشّاف، وضع زنان را در پیش از نزول آیات حجاب چنین شرح می دهد:
"زنان، گریبان هایشان گشاد و باز بود، گردن و سینه و
اطراف سینه هاشان دیده می شد و داخل روسری ها را
معمولاً ز پشت سر برمی گرداندند (همان طور که الان بین
مردان عرب متداول است) و قسمت های گردن و بناگوش و
سینه دیده می شد. "2
باید خاطر نشان کرد که پیش از نزول این آیات، زنان مثل مردان با سرِ باز در معرض اجتماع رفت و آمد نمی کردند، اقامه
نماز و حضور زنان در مسجد به طور حتم با پوشش همراه بود، گرچه نحوه آن با آمدن آیات قرآن تغییر کرد و صورت جدیدتر و کامل تری به خود گرفت. از این رو نمی توان گفت که زنان قبل از نزول آیات فوق، هنگام نماز پوششی نداشتند، یا در اماکن مقدس و معنوی با همان وضع و شرایطی که در داخل خانه حاضر می شدند حضور یافته، به سخنان پیامبر(صلی الله علیه و آله)در کنار مردان در مساجد گوش فرا می دادند. بنابراین آن چه در جامعه رواج داشت و قرآن به مبارزه با آن برخاست، پدیده بدحجابی بود، نه بی حجابی.

کشف حجاب در ایران

گرچه حافظه مردم، هفدهم دیماه 1314 را آغاز کشف حجاب می داند؛ اما تغییر شکل لباس زنان در ایران از حرمسرای ناصرالدین شاه پس از سفر او به اروپا آغاز شد. او دستور داد زن ها، به تقلید از "بالرین "های روسی، لباس های کوتاه با شلوارهای نازک چسبان بپوشند. این مدل لباس پوشیدن، به زودی به زنان اعیان و پس از آن به سایرخانم ها سرایت کرد. بدین ترتیب لباس های تا پشت پا به سر زانو رسید. بعد از مشروطه نیز به نام آزادی خواهی برای زن، حجاب را بزرگ ترین مانع ترقی او خواندند و به طور مبالغه آمیزی آن را تبلیغ نمودند. به این ترتیب نسخه کشف حجاب برا ی زن ایرانی، پس از زنان ترکیه و افغانستان پیچیده شد.
استعمار در پی شکست طرح حضور مستقیم در کشورهای اسلامی، راه تهاجم به فرهنگ غنی و انسان ساز اسلام و مقابله با گسترش تعالیم مقدس آن را درپیش گرفت و مبارزه ای جدّی و پی گیر را با مظاهر اسلام و هرچه که رنگ و صبغه دین و دین باوری داشت، آغاز نمود. "امان الله خان " در افغانستان ماموریت یافت با فرهنگ اسلامی مبارزه و راه را برای ترویج و گسترش جلوه های مبتذل فرهنگ غرب هموار کند. در ترکیه این مأموریت استعماری به "مصطفی کمال پاشا" معروف به "آتاترک " سپرده شد و او با عزمی جزم ضمن مقابله مستقیم با اسلام، کشورش را متحوّل نمود؛ "رضاخان " نیز در ایران مامور اسلام زدایی و آماده سازی زمینه ها و شرایط ترویج و رونق فرهنگ مبتذل غرب شد.
با مطرح شدن کشف حجاب و از سر برداشتن چادر که نشانه عفاف و پاکی زن مسلمان به حساب می آمد، مخالفت مردم متدّین آغاز شد. مخالفت ها و مبارزات مردم با دستگیری و کشتار مردم و روحانیون سرکوب گردید و بدین ترتیب زمینه های مناسب برای علنی نمودن منع حجاب آماده شد. و این گونه حجاب و نجابت زن ایرانی به وسیله رضاشاه برداشته شد و غیرت و شرف مردان منکوب و ناموسشان در معرض دید و تماشای دیگران قرار گرفت.

ضرورت حفظ حریم میان زن و مرد

اشاره

حکم پوشش از احکام ضروری اسلام است و هیچ مسلمانی نمی تواند در آن تردید کند؛ زیرا در قرآن و روایات به آن تصریح شده است. به همین جهت، فقهای شیعه وسنی به اتّفاق به وجوب آن فتوا داده اند. همان طور که نماز و روزه به دورانی خاص اختصاص ندارد، دستور پوشش نیز مختص به زمان خاصی نیست.
قرآن کریم درباره ضرورت پوشش اسلامی می فرماید: (ذَلِکَ أدنی أن یُعرَفنَ فَلَا یُؤذَین)؛ 1 این کار برای این که (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است. در آیه دیگر زنان بهشتی را به مروارید تشبیه می نماید که به سبب ارزشمندی در صدف پیچیده شده است. (کَأَمثل اللّؤلُو المَکنُونِ)2 وبار دیگر می فرماید: زنان بهشتی در سراپرده های خود مستورند (حُورمَّقصُورَتٌ فِی الخِیَامِ).3 در روایات نیز زن، ریحانه یا گل ظریف معرفی گردیده است "اَلمرأة رِیحانَةٌ".4 بنابراین، خالق این گل برای حفظ آن از آسیب حوادث، حجاب را واجب نموده است. "حقیقت آن است که

1. احز اب (33)، آیه59
2. وا قعه (56)، آ یه23
3. الر حمن (55)، آ یه72
4. وسائل الشیعة، ج 14، ص 120

حرکات و سکنات انسان نیز زبان دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن و سخن گفتن، زن معنادار است و به زبان بی زبانی می گوید: دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن وگاهی بر عکس، با پوشش و وقارش اعلام می دارد: که دست تعرّض از این حریم کوتاه است. "1
از طرف دیگر رعایت حجاب و پوشش، آثار ارزنده ای را به بار می آورد که ضرورت آن را دو چندان می نماید. برخی از آن آثار عبارتند از:

1. آرامش روانی

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی، از هوس سیر نمی شود. و از طرفی تقاضای نامحدود، خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه با نوعی احساس محرومیت همراه است. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری های روانی می گردد؛ از این رو اسلام برای تعدیل و رام کردن این غریزه تدابیری اندیشیده است و در این زمینه هم برای زنان و هم برای مردان، تکلیف معین کرده است. وظیفه مشترک برای هر دو،

1. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص 163

مربوط به نگاه کردن است خلاصه این دستور این است که چشم چرانی، نگاه های خیره و مملو از شهوت و به قصد لذت به یکدیگر ممنوع است. وظیفه خاص زنان هم این است که بدن خود را از مردان بیگانه بپوشانند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند. به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فرا هم سازند. بدیهی است که انجام این دستورها باعث آرامش روحی و روانی زنان ومردان خواهد شد.

2. استحکام پیوند خانوادگی

خانواده با اهمیت ترین نهاد اجتماع است، پس زن و مرد باید در انجام اموری که این بنا را مستحکم تر می کند، تا سر حدّ توان تلاش نمایند و عواملی را که باعث سست شدن بنیاد این نهاد مقدس می گردد، از آن دور نمایند.
عوامل استحکام خانواده عبارتند از:
الف) اختصاص دلربایی و دلباختگی به محیط خانه و خانواده در شکل ازدواج مشروع: فلسفه حجاب در اسلام این است که این مهم تحقق یابد و هر یک از زن و مرد تنها عامل خوشبختی خود را همسر قانونی خود بداند.
ب) ایجاد پاک ترین و صمیمی ترین عواطف بین زوجین و برقرار ساختن یگانگی و اتحاد کامل در کانون
خانواده: در کنار همه عوامل تاثیرگذار، تامین این هدف وقتی ممکن است که مرد چشم به زنی غیر از همسرش نداشته باشد و زن نیز در صدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد، و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر چارچوب خانواده حتی قبل از ازدواج هم رعایت گردد.
عوامل سستی بنیان خانواده عبارتند از:
الف) انجام اعمالی که باعث جلب توجّه افرادی غیر از همسر می شود.
ب) معاشرت های آزاد و بی بند و بار همسران که ازدواج را به تکلیفی محدودیت آور و مزاحم برای کامیابی آزاد از غیر همسر قانونی تبدیل می سازد.
قرآن کریم همسران را "لباس " یکدیگر می داند: (هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُم وأنتُم لِبَاس لَّهُنَّ 1)؛ زنانتان لباس شمایند و شما لباس زنانتان هستید. لباس از همه چیز به تن انسان نزدیک ترو محرم تر است و در عین حال، تن را از نگاه دیگران می پوشاند.
"زن و شوهر نیز به یکدیگر نزدیکند و هر یک از آن دو موجب حفظ عفّت دیگری است، آن چنان که لباس انسان را از برهنگی و بی عفّتی حفظ می کند. "2
و به همان ترتیب که لباس هر کس مایه وقار و آراستگی
1. بقره(2)، 187
2. المیزان، ج 3، ذیل آیه 187 سوره بقره،

اوست، همسر انسان نیز باید وقار و آراستگی را در اجتماع برای او فراهم سازد. 1 بی قیدی نسبت به تعهدات خانوادگی مانع ایفای نقش مکملی زن

و مرد می گردد و به تعبیر قرآن این لباس ها دیگر مایه حفظ عفت و وقار و رشد شخصیت نمی باشند. حجاب از لوازم سامان یافتن بنیان خانواده است و بی حجابی با آن تعارض آشکار دارد، زیرا بی بند و باری در پوشش، بی بند و باری در تحریک و احساس نیاز را در پی دارد و تامین نیازهای شعله ور، بنیاد خانواده را نشانه می رود.

3. امنیت اجتماعی

حجاب بر خلاف نظر منتقدان آن باعث انجام صحیح مسئولیت های اجتماعی است. اسلام نه تنها بیرون رفتن زن، تحصیل علم و فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی او را منع نمی کند؟ بلکه آیات قرآن، احادیث اهل بیت و سیره عملی حضرت فاطمه علیهاالسلام و حضرت زینب علیهاالسلام و زنان بز رگ تاریخ اسلام این مطلب را اثبات می نماید. اسلام برای پیشگیری از آلوده شدن محیط کار و اجتماع به لذّت جویی هایی که مختص به محیط خانواده است، حجاب را واجب نمود. چرا که عدم امنیت، رکود فعالیت زنان و مردان را به بار می آورد. حفرت امام خمینی قدس سره در این باره می فرمایند:

"اکثر شما خانم ها آن زمان را یاد ندارید و شاید در بین شما 1. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص 72 بسیار کم باشد که آن زمان اسفبار را یاد داشته باشد. در آن زمان به اسم دین که می خواهیم نیمی از جمعیت ایران را فعّال کنیم، دست به یک جنایت زدند و آن جنایت کشف حجاب بود که به جای این که نیمی از جمعیت ایران را فعال کند آن نیم دیگر را که مردان بودند هم از فعالیت انداخت. عروسک هایی که درست کردند، آن هایی که در ادارات بودند، سایر افراد را هم از کارهای خودشان بازداشتند و آن هایی که در خیابان ها رها بودند، جوان های ما را به فساد کشاندند وآن ها را از فعّالیت انداختند. 1"

"ای زن! آگاه باش، دنیا خراب آبادی است که هر نقطه آن به مین های شیطان و نگاه های آلوده، نا امن گشته است. اما فرشته های باحجاب در محفل انس و یاد خدا در امنیتی بی نظیر به سر می برند که دیگران از طعم آن بی خبرند".2

1. صحیفه نور، ج 17، ص 359
2. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، ص 16

4. ارزش و احترام زن

در طول تاریخ یکی از راه هایی که زن برای حفظ مقام و ارزش خود از آن استفاده کرده، حفظ حریم در برابر مرد نامحرم بوده است. این همان روشی است که اسلام بر آن تاکید کرده است. زن هر اندازه با وقار و عفیف تر ظاهر شود، از احترام و ارزش بالاتری در نزد مردان برخوردار می شود.

دیدگاه روان شناسان و جامعه شناسان

1. حجاب و رشد شخصیت

مجموعه صفات و ویژگی های جسمی، روانی و رفتاری که هر انسان را از انسان های دیگر متمایز می سازد، "شخصیت " نام دارد. بر این اساس، هر کس شخصیتی دارد که خود را با آن معرفی می کند و دیگران نیز او را با همان ویژگی ها می شناسند. انسانی که پیوسته نگران زیبایی خود است و بیشتر در جهت معرفی پیکر خود می کوشد، زندگی اش تحت فرمان و اراده اش نیست، او چنان زندگی می کند که دیگران می پسندند، نه آن گونه که خود می خواهد. چنین فردی در حس هویّت یابی خود، دچار شکست شده است و قادر نیست هویّتش را به کمال برساند.
زن هم مانند مرد یک انسان است و باید در بعد انسانی رشد و تکامل یابد. کسی که با نمایش زیبایی خود و گزینش پوششی ویژه، در اندیشه جلب نظر دیگران به سر می برد، در حقیقت
می خواهد با تکیه بر جذابیت های ظاهری خویش و نه اصالت ها و ارزش های متعالی خود جایی در جامعه بیابد. در واقع او از این طریق اعلام می دارد، آن چه برایش اصل است و اهمیّت دارد، "زن بودن " است، نه انسانیت، اندیشه، لیاقت و کارآیی اش. چنین فردی قبل از همه، اسیر خویش است و به مغازه داری شبیه است که پیوسته در اندیشه تزیین ظاهر اجناس خود و تغییر دکور فروشگاهش به سر می برد و فرصت پرداختن به آرزوهای بزرگتر را نمی یابد. 1
1. برگرفته از: روان شناسی شخصیت؛ یوسف کریمی، فلسفه حجاب؛ علی محمدی و روا ن شناسی حرمت خود؛ ناتانیل براندل، ترجمه هاشمی جمال.

2. حجاب و احساس ارزش و حرمت

روان شناسان، میزان ارزش و احترامی که هر انسانی برای خود قائل است را "حرمت خود" می نامند و آن را اساسی ترین عامل رشد و کمال ا نسان، قلمداد می کنند. انسان با رفتار و گفتارش نشان می دهد که تا چه حد برای خود ارزش و احترام قائل است. بر اساس نتیجه این قضاوت است که فرد خود را توانا، مهم، موفق و با ارزش و یا ضعیف، ناموفق و بی ارزش می داند.
هر چقدر فرد خود را با ارزش تر بداند، در راه رسیدن به یک زندگی عاطفی متعادل توانمندتر خواهد بود. انسانی که همواره از آشکار شدن ناتوانیش هراسناک است، در نمایش هیجانات و عواطفش ابتکار عمل ندارد و دیگران برای او تصمیم می گیرند، بی تردید خود را ارزشمند نمی داند. 1
خلاقیت نیز با سطح حرمتِ خود رابطه ای کاملاً مستقیم دارد. در جامعه ای که برهنگی تمام شریان های آن را پر کرده و زن و مرد همواره در حال مقایسه داشته ها و نداشته های خویش هستند، انسان ها در تشویش مستمر و دلهره همیشگی فرو می روند زیرا رقابت و مقایسه در میدانی رخ می نماید که ظرفیت رقابت ندارد و بدین سبب، آدمی به تنوعّ طلبی حریصانه کشیده می شود. بی تردید تا وقتی این اندیشه فضای ذهن آدمی را اشغال کرده است، فرصتی برای بروز خلّاقیت و ابتکار باقی نمی ماند. ذهنِ مشغول به تصاحب دل و جلب نظر دیگران هرگز اندیشه علمی را بر نمی تابد و نمی تواند یافته ای تازه عرضه کند. او در پی آن است که در وضعیت موجود پسندیده شود نه آن که با ابتکار و خلاقیت وضعیت را تغییر دهد و طرحی نو در اندازد. از سوی دیگر، از آن جا که با تمام وجودخود را بی ارزش می پندارد، برای جبران این کمبود از طریق عرضه پیگر آراسته خود، آسان ترین راه را برای مقبولیت در نزد دیگران، برمی گزیند. چنین فردی هم ارزشمندی را از کف داده و هم برای جبران آن به بیراهه رفته است. در حالی که زن با احساس
1. با استفاده از مجله روان شناسی، شماره 2، بررسی حرمت خود در نوجوانان؛ سید حسن سلیمی؛ مسئله حجاب و نظام حقوق زن در اسلام؛ مرتضی مطهری.

ارزشمندی، خود را از دسترس بیگانگان دور نگه می دارد تا آن جا که مرد، نیازمندانه به آستان وی روی آورد. او باور دارد که راه رسیدن به احساس ارزشمندی پایدار، کسب صفات با ارزش و پابرجا است. از همین رو است

که ویل دورانت می گو ید:
زنان دریافته اند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است.
اگر زنان این مفهوم را به طور کامل درک کنند، بی تردید به پوشیدگی و مخفی ساختن پیکر خویش بیشتر گرایش نشان می دهند چرا که راه احساس ارزشمندی، در دسترس و مقبول بودن لحظه به لحظه نیست.
راسل می گوید:
از لحاظ هنری، مایه تاسف است که بتوان به آسانی به زنان دست یافت.
ویل دورانت نیز می گوید: آن چه می جوییم و نمی یابیم، عزیز و گران بها می گردد.
"ویلیام جیمز" به صراحت توصیه می کند: زنان عزت و احترام شان به این است که به دنبال مردان نروند، خود را مبتذل نکنند و خود را از دسترس مردان، دور نگه دارند.
پس حجاب پدیدآورنده و تثبیت کننده احساس ارزشمندی و احترام برای زنان و محدودیت و محرومیت برای مردان است؛ چون راه چشم را که نافذترین کانال حسی مردان است نمی توان سدّ کرد. به زنان گفته می شود: پوشیده بیرون بیایید ولی در واقع مخاطب اصلی مرد است که به او گفته می شود: بهره برداری آزاد جنسی در همه جا ممنوع است. 1
1. همان، با استفاده از مجله شماره 2.

3. حجاب و تامین نیازهای خانواده

خانواده کانون عشق و امید و تحقّق آرزوهای آدمی و مرکز تولّد و پرورش نسل بشر است به گونه ای که هیچ جامعه ای نمی تواند بدون خانواده پایدار بماند. غریزه جنسی یکی از علل مهم ازدواج و به وجود آمدن خانواده است اما برای پایداری آن کافی نیست. بعد از ازدواج به تدریج، اهداف جدیدی شکل می گیرد خواسته های غریزی اندک اندک جای خود را به نیازهای روانی، امنیتی، عاطفی و شناختی می دهد و دیگر سرمایه عشق ورزی به تنهایی برای تامین اهداف خانواده کافی نیست. نخستین شرط تامین نیازهای جدید، آن است که زن و شوهر از تمایلات و هویّت فردی دست برداشته، برای ایجاد هویتی جمعی، تلاش نمایند. چنان چه هر یک فقط خواهش خویش را دنبال کند، یعنی زن در جهت تجمل و خودنمایی و مورد پسند واقع شدن در اجتماع و جلب توجّه مردان بیگانه گام بردارد، در دغدغه مقبولیت خویش فرو رود و نقش مادری را به فراموشی سپارد و از سوی دیگر مرد در اندیشه رسیدن به تمکین های نوتر و پر رونق تر به سر برد و نقش پدری را فراموش کند، بنیان خانواده بر باد می رود. بی تردید پرداختن به اموری چون توجّه به لباس، بدن، روی، موی و انگشت نما شدن و مشخص تر معرفی کردن خود و فراموش کردن اهداف خانواده و نیازهای برتر، پایه های خانواده را متزلزل می سازد.

4. حجاب و مسئولیت اجتماعی

هر کس در برابر خود و دیگران مسئول است. توفیق در انجام مسئولیت، نیازمند استعداد و توانمندی کافی است. پوشش مناسب زن در اجتماع توانمندی او را در ایفای نقش اجتماعیش بالا می برد، چرا که هم خود او بدون دغدغه دل ربایی و جلب نظر دیگران به انجام وظیفه می پردازد، هم محیط را برای ایفای نقش مردان، آلوده نمی سازد.

فلسفه حجاب

"در مسئله پوشش، روح سخن آن است که آیا بهره بردن مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد حق دارد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر استفاده را ببرد؟ اسلام که به روح مسائل می نگرد به این سوال جواب منفی می دهد، مردان فقط در محیط خانوادگی و در چارچوب قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کام جوئی کنند، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است. برای زنان نیز کامیاب ساختن مردان در خارج از کانون خانوادگی به هر صورت و به هر شکل، ممنوع می باشد چون آن کسی که در این مسئله بهره مند می گردد مرد است نه زن، لا اقل مرد از زن بیش تر بهره می برد.
بنابراین، حجاب در اسلام از یک مسئله کلی و اساسی ریشه می گیرد و آن این است که اسلام می خو اهد انواع لذّت جویی های جنسی، چه از طریق نگاه چه لمس و چه نوع دیگر به محیط خانواده و در شکل ازدواج قانونی اختصاص یابد و انسان در اجتماع منحصراً برای انجام کار و فعّالیّت حاضر شود. "1
خلاصه این که حجاب از دیدگاه اسلام اعلان انزوای زن و بر کناری او از فعالیت اجتماعی نیست، بلکه جان پناهی است که در هجوم تیرهای مسموم نگاه به آن پناه می برد. اگر چه زن با حفظ پوشش اسلامی ممکن است خود را محدود ببیند، اما او در صورتی می تواند به عنوان یک انسان ارزشمند با حفظ امنیت در اجتماع ظاهر شود که با سپری مطمئن، بلا را از خود دور نماید. به همین دلیل حتی اگر کسی از مچ تا سر انگشتان دو دست و گردی صورت زن را با لذّت نگاه کند، آنا ن نیز باید پوشیده شوند.
1. مسئله حجاب، ص 83

فلسفه حجاب کامل در نماز

"همان طور که قبلاً بیان گردید، از دیدگاه یکتاپرستان، همه دستورهای خداوند بر اساس علم و حکمت بی حد اوست، روشن است که بشر توانایی آگاهی از همه آن اسرار را ندارد. آن چه مسلّم است این که خالق مهربان با صدور این ا حکام درجه تعبَد و بندگی مخلوقات را اندازه گیری می نماید، البته اگر انسان تا حدودی با فلسفها حکام آشنا شود، انگیزه او برای انجام آن دستورا ت تقویت می گردد. در این مجال به بعضی از علل وجوب رعایت حجاب کامل در نماز اشاره می شود:
الف) پوشیدگی در نماز تمرینی مداوم برای رعایت حجاب در اجتماع است که مانند واکسن یادآور، زن را در برابر آسیب هایی که ممکن است اعتقاد او را به انجام این حکم الهی تهدید نماید، مصونیت می بخشد.
ب) وجود پوششی مخصوص، انسان را از توجّه به تجملات و زینت های دنیوی دور می کند و باعث حضور قلب بیشتر در نماز می شود.
ج) از آن جایی که در بر داشتن عبا و پوشاندن سر در نماز برای مردان نیز مستحب است، پوشیدگی را می توان نوعی ادب و احترام در برابر خداوند به شمار آورد. " 1
حدود پوشش در نماز با حجاب زن در برابر نامحرم تفاوت هایی دارد که توضیح آن خواهد آمد.
1. برگرفته از کتاب پرسش ها و پاسخ ها، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها، ص 312.

فصل سوم : نیاز انسان به لباس

آن چه از آیات و روایات برداشت می شود، این است که لباس به سه نیاز انسان پاسخ می دهد:
ا. لباس محافظ بدن در مقابل سرما، گرما و خطرات است؛ 1
2. لباس مایه آراستگی، زیبایی و وقار است؛2
3. لباس حافظ عفّت و حیا است.3
لباس، محافظ بدن از سرما و گرما
در آیه 81 سوره نحل آمده است:4
(و للَّهُ جَعَلَ لَکُو مِّمَّا خَلَفَ ظِلَلاَ وجَعَلَ لَکُو مِّنَ الجِبَالِ أکنَانًا وجَعَلَ لَکُم سَرَبِیلَ تَقِیکُمُ الحَرَّ وسَرَ بِیلَ تَقِیکُم بَأسَکُم کَذَالِکَ یُتِمُّ نِعمَتَهُ و عَلَیکُم لَعَلَّکُم تُسلِمُون)، خداوند از آن چه آفریده سایه هایی برای شما قرار داده، و از کوه ها پناهگاه هایی، و برای شما پیراهن هایی آفریده که شما را از گرما (و سرما) حفظ می کند، و پیراهن هایی که حافظ شما به هنگام جنگ است، این گونه او نعمت هایش را بر شما کامل می کند تا تسلیم فرمان او شوید.
1. نحل (16)، آیه 81.
2.اعر اف (7)، آیه 26.
3. نو ر (24)، آیات 31 و 30 و 59 و ا حزاب (33)، آیه 59 و 0 6.
4. برگرفته از تفسیر نمونه، ج 1 1، ص 346 و تفسیر نور، ج 6، ص 434 و ترجمه تفسیرا لمیزان، ج 12، ص 451. در این آیه سایه ها اعم از سایه ی درختان وا شیاء دیگر و یا سایه غارها و پناهگاه های کوهستانی به عنوان نعمت الهی معرفی شده اند، زیرا همان گونه که انسان در زندگی نیاز به تابشی نور دارد، در بسیاری از اوقات نیاز به سایه دارد، چرا که اگر نور یک نواخت بتابد، زندگی غیرممکن خواهد بود. بزرگترین سایه برای ساکنان زمین، سایه کره زمین است که شب نام دارد و نیمی از سطح زمین را می پوشاند. نقش این سایه بزرگ و سایه های کوچک تر به هنگام روز بر کسی پوشیده نیست. ممکن است اهمیت غارها و پناهگاه های کوهستانی برای شهرنشینان آسوده خاطر هرگز روشن نباشد، ولی بیابانگردها، مسافران بی دفاع، چوپان ها و خلاصه همه کسانی که از نعمت خانه های ثابت و سیّار محرومند و در آفتاب داغ تابستان و یا سوز سرمای زمستان گرفتار می شوند، می دانند تا چه اندازه وجود یک پناهگاه کوهستانی، اهمیت حیاتی دارد
در ادامه آیه، به دنبال بیان سایبان های طبیعی و مصنوعی به سراغ پوشش های بدن انسان می رود و می فرماید:

خداوند پیراهن هایی که شما را از گرما حفظ می کند و
پیراهن های مخصوص پر مقاومتی که به هنگام جنگ حافظ
شما است، برای شما قرار داد.
البته فایده پوشش و لباس تنها این نیست که انسان را از گرما و سرما حفظ کند، بلکه هم باعث شکوه انسان است و هم در برابر بسیاری از خطرات، لباس می تواند از جسم او دفاع کند. این که در آیه فوق تنها دفاع در مقابل گرما ذکر شده، شاید به خاطر آن است که عرب در بسیاری از موارد، از دو کلمه ضد یکی را به عنوان اختصار ذکر می کند و دومی به قرینه اولی روشن می شود و یا به این جهت است که در آن مناطق که قرآن نازل گردید، دفاع در برابر گرما از اهمیت بیشتری برخوردار بود. این احتمال نیز وجود دارد که گرمازدگی و سوختگی در برابر آفتاب خطرناک تر است و تحمّل انسان در مقابل گرما و تابش شدید آفتاب کمتر از مقاومت او در برابر سرما است، چرا که انرژی درونی انسان در سرما تا حد زیادی می تواند او را حفظ کند، ولی دفاع بدن در مقابل گرما کمتر است.
در پایان آیه به عنوان یک تذکر و هشدار می فرماید:
خداوند این گونه نعمتش را بر شما تمام می کند شاید در برابر فرمان او تسلیم شوید.
این طبیعی است که انسان با بررسی نعمت های مختلفی که وجودش را احاطه کرده بی اختیار به یاد آفریننده نعمت می افتد و اگر کمترین حس قدردانی و شکرگزاری در درونش باشد بیدار می گردد و به سراغ بخشنده نعمت می رود.
پیامها:
1- فوائد سایه کمتر از نور و روشنایی نیست.
2- لباس و زره که بدن را از سرما و گرما وجنگ حفظ می کنند، نعمت های خداوند هستند.
3- غرق شدن در نعمت ها نباید انسان را از یاد خالق آن ها غافل نماید.
4- یاد نعمت ها عشق به آفریدگار و تسلیم در برابر او را در انسان زنده نگه می دارد.

آیات 23 تا 25 سوره قصص ضمن بیان داستان حضرت موسی و دختران شعیب، برای حیا و وقار زن و مرد در برابر نامحرم و در اجتماع مثالی ارائه می نماید.1

(ولَمَّا وَرَدَ مَاَءَ مَدیَنَ وَجَدَ عِلَیهِ امَّةً مِّنَ النَّاسِ یَسقُونَ وَووجَدَ مِن دُونِهِمُ اَمرأتَینِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطبُکُمَا قَالَتَا لَانَسِقی حَتَّی یُصدِرَ الرِّعَاَءُ وَأَبُونَا شَیخ کبِیرٌ)!

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آن جا دید که چهارپایان خود را سیراب می کنند، و در کنار آن ها دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و

1. برگرفته از تفسیر نور، ج 9، ص 37 و تفسیر نمونه، ج 16، ص 55 و ترجمه تفسیر المیزان، ج 16، ص 20.

به چاه نزدیک نمی شوند، موسی) به آن ها گفت کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید؟) گفتند: ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند، و پدر ما پیر مرد مسنی است.

(فَسقَی لَهُمَا ثُومَّ تَوَلَّی إِلَی اَلظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّی لِمَآ أنزَلتَ إِلَیَّ مِق خَیرٍ فَقِیرٌ)؛

موسی به (گوسفندان) آن ها آب داد، سپس رو به سوی سایه آورد و عرض کرد پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی من به آن نیازمندم!

(فجآءَتهُ إِحدَهُمَا تَمشِی عَلَی استِحیَاء قَالَت إِنَّ إبِی یَدعُوکَ لِیَجزِیَک أَجَّرَ مَا سَقَیتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءهُ ر وَقَصَّ عَلَیهِ القَصَصَ قَالَ لَا تَخَف نَجَوت مِنَ اتقَومِ اَلظلِمِینَ)

ناگهان یکی از آن دو به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت و گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا مزد سیراب کردن گوسفندان را برای ما به تو بپردازد.

هنگامی که موسی نزد او (شعیب) آمد و سرگذشت خود را شرح داد گفت: نترس از قوم ظالم نجات یافتی!1

هنگامی که موسی در کنار چاه آب مدین قرار گرفت، گروهی از مردم را در آن جا دید که چارپایان خود را از آب چاه سیراب می کنند و در کنار آن ها دو زن را دید که

1. قصص (28)، آیه 23-25

گوسفندان خود را مراقبت می کنند، اما به چاه نزدیک نمی شوند. وضع این دختران با عفّت که در گوشه ای ایستاد ه اند و کسی به داد آن ها نمی رسد و مردان چوپان، تنها در فکر گوسفندان خویشند و نوبت به آن ها نمی دهند، نظر موسی را جلب کرد. نزدیک آن دو آمد و گفت: کار شما چیست؟ چرا پیش نمی روید و گوسفندان را سیراب نمی کنید. دختران در پاسخ او گفتند: ما گوسفندان خود را سیراب نمی کنیم تا چوپانان همگی حیوانات خود را آب دهند و خارج شوند و ما از باقیمانده آب استفاده می کنیم و برای این که این سؤال برای موسی بی جواب نماند که چرا پدر این دختران عفیف آن ها را به دنبال این کار فرستاده؟ افزودند: پدر ما پیرمرد مُسنی است، پیرمردی شکسته و سالخورده، نه خود او قادر است گوسفندان را آب دهد و نه برادری داریم که این کار را انجام دهد و برای این که سربار مردم نباشیم، چاره ای جز این نیست که ما به پدرمان کمک کنیم. موسی ا ز شنیدن این سخن سخت ناراحت شد، چه بی انصاف مردمی هستند که فقط در فکر خویشند و کمترین حمایتی از مظلوم نمی کنند؟ جلو آمد دلو سنگین را گرفت و در چاه افکند، دلوی که می گویند چندین نفر می بایست آن را از چاه بیرون بکشند، با قدرت بازوان نیرومندش یک تنه آن را از چاه بیرون آورد، و گوسفندان آن دو را سیراب کرد.
سپس به سایه روی آورد و به درگاه خدا عرض کرد: خدایا هر خیر و نیکی بر من فرستی من به آن نیازمندم.
پس از مدتی یکی از آن دو دختر که با نهایت حیا گام برمی داشت و پیدا بود از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد به سراغ او آمد و تنها این جمله را گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا پاداش و مزد آبی را که از چاه برای گوسفندان ما کشیدی به تو بدهد. موسی به سوی خانه شعیب آمد. طبق بعضی از روایات دختر برای راهنمایی از پیش رو حرکت می کرد و موسی از پشت سرش. باد بر لباس دختر می وزید و ممکن بود لباس را از اندام او کنار زند، حیا و عفت موسی؟ اجازه نمی داد چنین شود، به دختر گفت: من از جلو می روم بر سر دو راهی ها و چند راهی ها مرا راهنمایی کن....
از آیات فوق چنین استنباط می شودکه:
ا- از دیدگاه قرآن، حیا از برجسته ترین کمالات زن است؟
2- رفت و آمد زن در بیرون خانه باید بر اساس حیا و عفّت باشد؛
3- حفظ حریم میان زن و مرد یک ارزش است که دختران شعیب آن را مراعات می کردند؛
4- گفت وگوی مرد با زن در صورت اضطرار مانعی ندارد، ولی تا حد امکان باید خلاصه سخن گفت؛

5- کار زن در خارج از منزل اشکالی ندارد؛ به شرط آن که:
الف) زن در محیط کار، تنها نباشد.
ب) با مردان اختلاطی نداشته باشد.
6- دختران پیامبر خدا چوپانی می کنند، ولی هرگز تن به ذلت و گدایی نمی دهند؛
7- در اجتماع از حیا و ضعف زنان نباید سوء استفاده شود و اگر قانون و حمایتی در کار نباشد، بسیاری از مردان، حقوق زنان را نادیده می گیرند.

از امام باقر یا امام صادق(علیه السلام) نقل است که:
حیا و ایمان همراه همند، هر گاه یکی از آن ها (از بین)
برود دیگری نیز با او خواهد رفت. 1
امیر مومنان شرم و حیا را زیبا،2 کلید خوبی ها،3 نتیجه ایمان 4
و پوشاننده عیوب 5 می شمارند. ایشان می فرمایند:
"نتیجه شرم و حیا پاکدامنی است؛6 کسی که شرم و حیا
ندارد، خیری در او نیست 7 و هر که ا ز مردم شرم نکند از
1. بحا را لا نو ا ر، ج 71، ص 331؛ کا فی، ج 2، ص 6 0 1.
2. غرر الحکم، ص 9.
3. همان، ص 16.
4. همان، ص 386.
5. نهج ا لبلاغه (فیض الاسلام)، ص 175 1؛ بحارالانوار،ج 71، ص 337.
6. غررالحکم، ص 359.
7. همان، ص 646. خداوند سبحان شرم نخواهد کرد". 1
و در جای دیگر می فرمایند:
کسی که خطایش فراوان باشد، حیایش کم ا ست و کسی که حیایش کم باشد، کمتر از گناهان خودداری می کند و کسی که کمتر از گناهان خودداری کند، دلش می میرد و کسی که دلش بمیرد وارد آتش خواهد شد.
2 و آخرین درجه شرم و حیا آن است که انسان از خودش حیا کند.3
از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)نقل است که:
وقتی حیا نکردی، هر کاری می خواهی بکن؛4 کسی که پرده حیا را بدرد، غیبتش جایز است؛5 حیا نیکوست، ولی در زنان نیکوتر است " و قیامت بر پا نمی شود تا این که حیا (از میان) زنان و کودکان برود.7 1.همان، ص 711.
2.نهج البلاغه (فیض الاسلام)، ص 1239.
3.غرر الحکم، ص 504.
4.تفسیر ابی الفتوح، ج 4، ص 0 55؛ مستدرک الوسائل، ج 2، ص 26.
5. مشکوة الانوار، ص 234.
6.نهج الفصاحة، حدیت 2006.
7.بحا را لانو ا ر، ج 6، ص 315.

عفاف در روایات

پیامبر(صلی الله علیه و آله) می فرمایند: عفاف زینت زنان است 8
و علی(علیه السلام) فرموده اند: زکات زیبایی، عفت و پاکدامنی است.9
از امام صادق(علیه السلام) نقل است که:
در روز قیامت زنی زیبا آورده می شود که به سبب زیبایی اش دچار گناه شده و می گوید خدایا تو مرا زیبا آفریدی و من گناه کردم. پس حضرت مریم علیهاالسلام را آورده، می گویند: آیا تو زیباتری یااین، ا و را زیبا آفریدیم، ولی دچار گناه نشد. مردی زیبا را می آورند که به سبب زیبایی اش دچار گناه شده و می گوید: خدایا تو مرا زیبا آفریدی و من با زنان گناه کردم سپس حضرت یوسف را می آورند و می گویند: تو زیباتری یا این؛ ا و زیبا بود اما گناه نکرد. 1 1. بحا را لا نوا ر، ج 7، ص 285؛ کا فی، ج 8، ص 228.

غیرت در روایات

نقل شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند:
ابراهیم(علیه السلام)مردی غیرتمند بود و من از او غیرتمنداترم. خدا قطع کند بینی مؤمن و مسلمانی را که غیرت ندارد.2
امام صادق(علیه السلام) فرموده اند:
خدا غیرتمند است و هر غیرتمندی را دوست دارد، و چون غیرت دارد کارهای زشت آشکار و پنهان راحرام کرده است 30
علی(علیه السلام)فرمودند:
1. بحا را لا نوا ر، ج 7، ص 285؛ کا فی، ج 8، ص 228.
2. کافی، ج 5، ص 536.
3. تفسیر نورا لثقلین، ج 1، ص 777؛ کافی، ج 5، ص 535.

آیا حیا و شرم نمی کنید و غیرت ندارید که زنانتان به سوی بازارها بیرون می روند و مزاحم مردان بد خو و بیمار دل می گر د ند .1
و در جای دیگر می فرمایند:
ای مردم عراق! به من خبر رسیده که زنان شما در بین راه با مردان برخورد کرده، آنان را کنار می زنند، آیا شرم نمی کنید؟
و فرمود: خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندا رد.2
1. فروع کافی، ج 5، ص 537؛ وسائل الشیعه، ج 4 1، ص 176
2. مشکاه الانوار، ص 237؛ وسائل الشیعه، ج 4 1، ص 174

لباس عامل آراستگی و وقار

آیات 26 تا 28 سوره اعراف، لباس را عامل آراستگی و زیبایی و وقار معرفی می کند.3
(یَبَنِیٓ ءادَمَ قَد أنزَلنَا عَلَیکُم لِبَاسًا یُوَرِی سَوءَتِکُم ورِیشًا ولبَاسُ التَّقوَی ذَالِکَ خَیرٌ ذَلِکَ مِن ءایَتِ اَللَّهِ لَعَلَّهُم یَذَّکَّرُون)؛
ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرو فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست و لباس پرهیزگاری بهتر است، این ها (همه) از آیات خدا است شاید متذکّر (نعمت های او) شوند.
(یَبَنِیٓ ءادَمَ لَا یَفتِنَنَّکمُ اَلشَّیطَن کَمَاَ أخرَجَ أبَوَیکُم مِّنَ
1. فروع کافی، ج 5، ص 537؛ وسائل الشیعه، ج 4 1، ص 176
2. مشکاه الانوار، ص 237؛ وسائل الشیعه، ج 4 1، ص 174
3. تفسیر نمونه، ج6، ص 131؛ تفسیر نور، ج 4، ص 45؛ ترجمه ی المیزا ن، ج 8، ص 84 اَلجَنةِ یَنزعُ عَنهُمَا لِبَاسهُمَا لِیُرِیَهُمَا سَوءَاتهِمَاَ إِنَّهُ و یَرَنکُم هُوَ وقَبِیلَهُ و مِن حَیثُ لَا تَرَونَهُم إِنَّا جَعَلنَا الشَّیطینَ أولیَاَءَ لِلَّذِینَ لَا یُؤمِنُون)؛
ا ی فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد آن چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آن ها نشان دهد، چه این که او و همکارانش شما را می بینند و شما آن ها را نمی بینید (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آ و رند.
(وَإِذَا فَعَلُواْ فَحِشَةً قَالُواْ وجدنَا عَلَیهآءَابَآءَنَا وَاللَّهُ أمَرَنَا بِهَا قُل إِنَّ اللَّهَ لَا یَأمُرُ بِاَلفَحشاَءِ أتَقُولُونَ عَلیَ اللَّهِ مَا لَا تَعلَمُونَ)
و هنگامی که کار زشتی انجام می دهند می گویند: پدران خود را بر این عمل دیدیم، و خداوند به ما دستور داده است! بگو خدل وند (هرگز) دستور به عمل زشت نمی دهد آیا چیزی بر خدا می بندید که نمی دانید؟
از آیات قرآن چنین برمی آید که کلیّه مقدرات انسان اعم از سعادت و شقاوت و امثال آن همه به این داستان منتهی می شود. سرگذشت آدم و درگیری او با شیطان دورنمایی از زندگی همه انسان ها است، به همین جهت خداوند در این آیات برنامه هایی سازنده، برای همه فرزندان آدم، بیان می کند که در حقیقت دنباله ی برنامه های آدم در بهشت است.
در آیات مورد بحث به مسئله لباس وپوشانیدن بدن که در سرگذشت آدم نقش مهمی داشت، اشاره کرده می فرماید: ای فرزندان آدم، ما لباسی بر

شما فرو فرستادیم، که (اندام شما را می پوشاند و) زشتی های بدنتان را پنهان می سازد. ولی این لباس تنها برای پوشانیدن تن و مستور ساختن زشتی ها نیست بلکه زینتی است که اندام شما را زیباتر از آن چه هست نشان می دهد. کلمه لباس در اصل مصدر است و در این جا به معنای چیزی است که برای پوشیدن و پوشانیدن بدن صلاحیت داشته باشد. ریش، در اصل واژه عربی، به معنی پرهای پرندگان است و از آن جا که پرهای پرندگان لباسی طبیعی در اندام آن ها است، به هرگونه لباس نیز گفته می شود، ولی چون پرهای پرندگان غالباً به رنگ های مختلف و زیبا است، یک نوع مفهوم زینت در معنی کلمه ریش نهفته ا ست. همچنین به پارچه هایی که روی زین اسب و یا جهاز شتر می اندازند ریش گفته می شود. در آیه فوق همان معنی لباس های زینتی و جالب از همه مناسب تر است. جمله (یُوَ رِی سَوءَاتِکُم)که وصف برای لباس است، دلالت دارد بر این که لباس پوشش واجب و لازمی است که کسی از آن بی نیاز نیست، یعنی پوشش عضوی است که برهنه بودنش زشت و مایه رسوایی آدمی است، به خلاف "ریش " که به معنای پوشش زاید بر مقدار حاجت و باعث زینت و جمال است. خدای تعالی در این جمله بر آدمیان منت می گذارد که با پوشیدن لباس و آرایش خود هدایت شان کرده است.
در این جا پس از ذکر لباس ظاهر و پوشاندن عورت ظاهری به ذکر لباس باطن و چیزی که زشتی های باطن را می پوشاند، و آدمی را از شرک و گناه که باعث رسوایی او است باز می دارد منتقل شده است. آری، آن احساس ناخوشایند که از کشف عورت به آدمی دست می دهد در عورت ظاهری و باطنی یکسان است، با این تفاوت که تاثر از بروز معایب باطنی بیش تر و ناگوارتر و بادوام تر است، زیرا در این جا حسابگر مردم نیستند، بلکه خدای تعالی است و نتیجه اش هم اِعراض مردم نیست، بلکه شقاوت و بدبختی دائمی و آتشی است که به دل ها سرایت می کند.
تشبیه تقوی و پرهیزگاری به لباس، تشبیه بسیار رسا و گویایی است، زیرا همان طور که لباس بدن انسان را از سرما و گرما حفظ می کند، سپری در برابر بسیاری از خطرها است، عیوب جسمانی را می پوشاند و برای انسان زینت است، روح تقوی و پرهیزگاری نیز علاوه بر پوشانیدن بشر از زشتی گناهان و حفاظت از بسیاری از خطرات فردی و اجتماعی، زینت چشمگیر و بسیار بزرگی برای او محسوب می شود که بر شخصیت او می افزاید.
در جمله بعد لباسی را که انسان به استفاده از آن هدایت شده آیتی الهی شمرده شده، که اگر انسان به دقت در آن بنگرد خواهد فهمید که در باطن او معایب و نواقصی است که آشکار شدنش باعث رسوایی او است. آن معایب عبارت است از رذایل نفس که اهمیّتش به مراتب بیشتر از معایب

ظاهری و پوشاندنش وا جب تر از پوشاندن عیب و عورت ظاهری ا ست، و نیز خواهد فهمید، همان طوری که برای پوشاندن معایب ظاهری لباسی است، برای پوشاندن معایب درونی نیز لباسی است، و آن همان لباس تقوا است که خدا وند به آن ا مر فرموده و به زبان انبیای بزرگوار آن را برای بشر بیان کرده است.
در آیه قبل، از لباس به عنوان نعمت یاد شد، در این آیه خداوند به همه ی افراد بشر و فرزندان آدم، هشدار می دهد که مواظب فریب کاری شیطان باشند. او می خواهد این لباس را که نعمت است از آن ها سلب کند، مراقب شیطان باشند زیرا شیطان سابقه دشمنی خود را با پدر آن ها نشان داده، همان طور که لباس بهشتی را بر اثر وسوسه ها از اندام او بیرون کرد، ممکن است لباس تقوا را از اندا م ایشان بیرون نماید، لذا می فرماید:
ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن چنان که پدر و
مادر شما را از بهشت بیرون ساخت و لباس آنان را از
اندامشان بیرون کرد، تا عورتشان را به آن ها نشان دهد.
مفهوم آن این است که ای بنی آدم! بدانید که برای شما معایبی است که جز لباس تقوا چیزی آن را نمی پوشاند، و لباس تقوا همان لباسی است که ما از راه فطرت به شما پوشانده ایم پس مواظب باشید که شیطان فریبتان ندهد و این جامه خدادادی را از تن شما بیرون ننماید. آری، ما شیطان ها را اولیای کسانی قرار دادیم که به آیات ما ایمان نیاورده با پای خود دنبال آن ها به راه بیفتند. از این جا معلوم می شود آن کاری که ابلیس در بهشت با آدم و وا کرده (کندن لباس برای نمایاندن عورت هایشان) تمثیلی است که کندن لباس تقوا را از تن همه آدمیان به سبب فریفتن ایشان، نشان می دهد و هر انسانی تا فریب شیطان را نخورده در بهشت سعادت است و....
سپس تاکید می کند! که در حقیقت آن جا که تصور می کنید تنها خودتان هستید و خودتان، ممکن است شیطان و همکارانش حضور داشته باشند، و براستی باید در برابر چنین دشمن ناپیدایی که لحظات حمله او را با دقت نمی توان پیش بینی کرد، همیشه آماده دفاع بود. درست است که ما شیطان و همکارانش را نمی بینیم، ولی ردپای آن ها را می توانیم مشاهده کنیم، هرجا مجلس گناه است، در هر نقطه ای که وسائل معصیت آماده است، و در هر موقع پای زرق و برق دنیا و تجمّل پرستی به میان می آید، به هنگام طغیان غرائز و در موقع برافروخته شدن آتش خشم و غضب، حضور شیطان قطعی است، گویا در چنین مواردی انسان صدای وسوسه او را با گوش دل می شنود و ردپای او را با چشم خود می بیند.
آیه ی بعد به دوعذرساختگی وناموجّه؛ یکی تقلید کورکورانه از نیاکان و

تهمت به ساحت مقدس پروردگار، اشاره دارد و در پاسخ می فرماید: خداوند هرگز به کارهای زشت و قبیح فرمان نمی دهد، زیرا حکم او از فرمان عقل جدا نیست، دستور به فحشا طبق صریح آیات قرآن کار شیطان است نه کار خداوند، خداوند تنها به نیکی ها و خوبی ها فرمان می دهد.1 سپس آیه با این جمله ختم می شود که: آیا به خدا نسبت هایی می دهید که نمی دانید؟

پیام ها

ا- توجه به نشانه ها و نعمت های الهی انسان را از غفلت دور می کند.

2- لباسی نعمت الهی است که بدن و زشتی های آن را بپوشاند.

3- گرچه در تهیّه لباس همه عوامل طبیعی و خود انسان دخالت دارند، اما خالق اصلی آن خداوند است.

4- پوشش و پوشاندن کار خداست، ولی برهنگی و ظاهر ساختن زشتی ها کار شیطان است.

هـ لباس نعمت الهی و برهنگی و خلع لباس، کیفر گناه است.

6- پوشش و آراستگی با لباس های زیبا (تا آن جا که به اسراف کشیده نشود)، مطلوب و محبوب خداوند است.

1 بقره (2)، آیه 268 و 269 7- همراه با آراستن ظاهر با لباس و زینت، باید باطن را با لباس تقوا آراست، در غیر این صورت لباس می تواند وسیله ای برای اسراف، تکبّر، فسا د، خو د نمایی، مد پر ستی، شهو تر انی، فخرفروشی و امثال آن شود.

8- با عبرت از سرگذشت پدر و مادرمان (آدم و حوّا) که در اثر فریب شیطان از بهشت خداوند رانده شدند، بدانیم که هیچ انسانی بیمه شده و از وسوسه شیطان در امان نیست.

9- خروج از جایگاه قرب الهی عامل برهنگی و کشف حجاب است.

10- هرگونه برنامه و تبلیغاتی که به برهنگی بیانجامد، شیطانی است.

میل به آرایش امری فطری و طبیعی است، این گرایش طبیعی، علاوه بر تاثیر مثبت روانی بر دیگران باعث آرامش روانی شخص آراسته می گردد. آراستن خود و پرهیز از آشفتگی و پریشانی، در نظام فکری و ذوق سلیم انسان ریشه دارد. پرهیز از خودآرایی، نه دلیل وارستگی از قید نفس است و نه علامت بی اعتنایی به دنیا. وضع ژولیده و آشفته و عدم مراعات تمیزی و نظافت ظاهری، خود به خود شخصیت افراد را در نگاه دیگران خوار می سازد و زبان طعن و توهین، دشمن را می گشاید. اسلام به نظافت تشویق کرده و"اَلنِظافَةُ من الایمانِ "1 فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. ایشان به شخصی که موهایش ژولیده و جامه هایش چرکین بود و بد حال می نمود. فرمودند:
"منَ الْدّین المُنْعَة"2 یعنی تمتّع و بهره بردن از نعمت های خدا جزو دین است.
و هم آن حضرت فرمود:
"بئْسَ الْعَبد اَلْقاذُورَة"؛3 یعنی بدترین بنده شخص چرکین و کثیف است.
امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود:
"إنَّ اللّهَ جَمیل و یُحِبُّ الجَمالَ "4 خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می دارد.
امام صادق(علیه السلام) فرمود:
خداوند زیبا است و دوست می دارد که بنده اش خود را بیاراید و زیبا نماید و بر عکس، فقر و تظاهر به فقر را دشمن می دا رد. اگر خداوند نعمتی به شما عنایت کرد باید اثر آن نعمت در زندگی شما نمایان گردد. به آن حضرت گفتند: چگونه اثر نعمت خدا نمایان می گردد؟ فرمود: به این که جامه شخص نظیف باشد، بوی خوش استعمال کند، خانه خود را با گچ سفید کند، بیرون خانه را جارو کند، حتی

1. مستد رک ا لو سا ئل، ج16، صی 319.
قَالَ النبی(صلی الله علیه و آله): تَخَلَلوا فإنَّه مِنَ النَطَافَة وَ النَطَافَه مِنَ الإیمَان وَ الإیمَان وَ صَاحبه فی الجَنَّة
2. وسائل الشیعة، ج 5، ص 6؛ کافی، ج 6، ص439.
3. همان.
4. همان.

پیش از غروب چراغ ها را روشن کند که بر وسعت رزق می ا فز ا ید.1
در کتاب کافی که یادگار هزار سال پیش است، بحثی تحت عنوان اَلزّیُ و

التَّجَمل 2 وجود دارد. اسلام به کوتاه کردن و شانه کردن مو و به کار بردن بوی خوش و روغن زدن به سر سفارش های اکید کرده است.
درباره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) الگوی مسلمانان، نقل شده که: پیامبر (صلی الله علیه و آله) نرم خو، خوش ظاهر و خوش باطن بود، درباره پوشیدن لباس تمیز و زیبا می فرمود:
هر کس لباس می پوشد، باید آن را پاکیزه نگاه دارد.
پیامبر عظیم الشأن از اصحاب و یاران خود آراستگی را تا بالاترین د رجه درخواست می کرد. می فرمود:
أحسنُوا لباسَکُم وَ أصْلحوا رِحالَکُم، حَتّی تَکُونوا کَأنَّکُم
شامةٌ فیَ الناس؛ لباس هَای خود را نیکو و زین مرکب، خود را درست کنید تا همچون خال سیاه، در میان مردم نمایان باشید.3
خود آن حضرت ا ز جامه سبز خوشش می آمد. بیشتر جامه هایش سفید بود و می فرمود: به زنده هایتان سفید بپوشانید و مرده هایتان را در آن کفن کنید.4
1. وسائل الشیعة، ج 5، ص 6.
2. کافی، ج6، ص 439.
3. امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 275.
4. وسائل الشیعة، ج 5، ص 27؛ بجارالانو ار، ج 87، ص 329. بر این اساس، پوشیدن جامه زیبا، بهره گیری از مسواک و شانه، روغن زدن به مو و گیسوان، معطر بودن، انگشتر فاخر به دست کردن و سرانجام آراستن خویش هنگام عبادت و معاشرت با مردم، از مستحبّات موکّد و برنامه های روزانه مسلمانان است. 1
امام حسن مجتبی(علیه السلام)بهترین جامه های خود را در نماز می پوشید و در پاسخ کسانی که سبب این کار را می پرسیدند، می فر مو د:
"إنَّ اللَّهَ جَمیل وَ یُحِبُّ الْجَمالَ فَاتَجَمَّلُ لِرَبّی "؛ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، پس خود را برای پروردگارم زیبا می سازم. 2
بنابراین، خداوند زینت و خودآرایی را نهی نمی کند بلکه آن چه در شرع مقدس ممنوع شده است، تبرّح و خودنمایی و تحریک و تهییج به وسیله آشکار ساختن زینت در محافل اجتماعی است چنان که می فرماید:
(وَلَا تَبرَّجنَ تَبرُّجَ الجهلِیَّةِ اَلأُولَی)3 و (ولَا یَضرِبنَ بِأَرجُلِهِنَّ لِیُعلَمَ مَایخفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ) 4
این آیه زنان عرب را که معمولًا خلخال به پا می کردند و
1. حلیة المتقین، ص 35.
2. وسائل الشیعه، ج 4، ص 455؛ بحا را لانوار، ج 80، ص 175.
3.احز اب (33)، آیه 33.
4. نور (24)، آیه 31. برای این که بفهمانند خلخال گران بها دارند، پای خود

را محکم به زمین می کوبیدند، از این کار نهی می کند. از این دستور می توان فهمید هر چیزی که موجب جلب توجّه مردان می گردد، مانند استعمال عطرهای تند و هم چنین آرایش های جالب نظر در چهره، ممنوع است. به طور کلی زن در معاشرت، نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجّه مردان نامحرم گردد.
از مجموع آیات و روایات در مورد آراستگی ظاهر مرد و زن مسلمان می توان فهمید که موارد نهی شده در واقع با فلسفه آراستگی که ایجاد نشاط و سلامت و استحکام روابط خانوادگی و اجتماعی است، سازگاری ندارد.
دارد متاع عفت، از چارسو خریدار بازار خودفروشی، این چارسو ندارد 1
گر چه اسلام بدون در نظر گرفتن جنسیت با توجّه به تمایل فطری انسان به زیبایی و خودآرائی، به آراستگی و نظافت تن و لباس و آداب و سنن آن توصیه نموده است اما در مو رد زنان به طور ویژه سفارش نموده که همواره آراسته و دارای زینت باشند تا برای همسر خویش جاذبه داشته باشند.
زنی خدمت پیامبر اکرم آمد و گفت: حق شوهر بر زن چیست؟ فرمود: زیاد است. عرض کرد اندکی از آن را 1. شهریار. برای من بگویید، فرمودند: زن باید خود را به بهترین بوهای خوش معطر کند و بهترین لباسش را بپوشد و خود را به بهترین زینتی که دارد بیاراید و همواره در خدمت همسرش باشد.1
از سوی دیگر به مردان نیز توصیه شده برای آن که همسرانشان در معرض اندیشه یا انجام گناه قرار نگیرند، آراستگی و خودآرایی و پاکیزگی را رعایت نمایند.
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به مردان می فرمود: لباس های خود را تمیز کنید و موهای خود را مرتب سازید و مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید که برخی از بنی اسرائیل چنین نکردند و زنانشان به گناه آلوده شدند.2
1.وسائل الشیعه، ج 0 2، ص 158؛ کافی، ج 5، ص 508.
2.. نهج الفصاحه، ص 188.

تجمل گرایی در پوشش

از تاریخ زندگی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و سایر پیشوایان بزرگ استفاده می شود که آن ها با مسئله تجمل گرایی در لباس سخت مخالف بودند، تا آن جا که در روایتی می خوانیم: هیئتی از مسیحیان نجران به خدمت پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) رسیدند در حالی که لباس های ابریشمین بسیار زیبا که تا آن زمان در اندام عرب ها دیده نشده بود در تن داشتند، هنگامی که به خدمت پیامبر(صلی الله علیه و آله) رسیدند و سلام کردند، پیامبر(صلی الله علیه و آله) پاسخ سلام آن ها را نگفت، حتی حاضر نشد یک کلمه با آن ها سخن گوید، از علی(علیه السلام) در این باره چاره خواستند، و علت روی گردانی پیامبر از آن ها را جویا شدند، علی(علیه السلام) فرمو د: من چنین فکر می کنم که این ها باید این لباس های زیبا و انگشترهای گران قیمت را از تن بیرون کنند، سپس خدمت پیامبر برسند آن ها چنین کردند، پیامبر سلام آن ها را پاسخ داد و با آن ها سخن گفت، سپس فرمود:

وَ الَذی بَعَثَنی بِالحَقِ لَقَد اتُونِی المَرَّةَ الاْولی وَ أنَّ ابلیسَ لَمعَهُمَ؛ سوگند به خدایی که مرا به حق فرستاده است، نخستین بار که این ها بر من وارد شدند دیدم شیطان نیز به همراه آن ها است. 1

امام صادق(علیه السلام) به روایت از پدرانش می فرمود: کار این امت به خیر است تا آن زمان که به روش بیگانگان لباس نموشند و به سبک آن ها غذا نخورند و چون چنین کنند، خدا آنان را خوار می کند.2

مسلمانان در صدر اسلام زندگی ساده ای داشتند، و ایمان اسلامی (از راه برانگیختن آنان به ساده زیستی و بی نیازی و ترک پرمصرفی) از آنان امتی استوار و نیرومند و متّکی به خود و عزیز ساخته بود، و به سبب همین صفت های ارزشمند بود که بر هر کس که با آنان می جنگید پیروز می شدند، لیکن از آن به بعد در

1.سفینة البحار، ج 2، ص 504.

2.الحیاة، ترجمه احمد آرام، ج 4، ص 315.

نعمت های رنگارنگ غرق شدند، و به زندگی های اشرافی و اسرافی روی آوردند، و آن روحیات والا را که با آن ها خو گرفته بودند از دست دادند. پس راز ماندگاری جامعه انقلابی ساده زیستی و دوری از تجمل است.1

پیامبر(صلی الله علیه و آله) به ابن مسعود می فرمود:

پس از من مردمانی خوا هند آمد که خوراک های لذید و رنگارنگ می خورند، و بر مرکب ها سوار می شوند، مردانشان هم چون زنی که خود را برای شوهرش می آراید،
آرایش می کنند و زینت های خود را هم چون زنان در
معرض دید دیگران قرار می دهند و زندگیشان (از نظر تنوع
و تجمّل) مانند پادشاهان ستمگر است اینان منافقان این امت
در آخرالزّمان هستند،... مساجد را تزیین می کنند، جز
رسیدن به (مال و مقام) دنیا، هَمّ و غمی ندارند، بنده دنیایند
و دلبسته به آن.2
1. همان.
2. همان.

در کنار این توصیه های موکد به آراستگی، هشدارهای حضرات معصومین(علیه السلام) نیز باید مورد عنایت قرار گیرد. پیامبر(صلی الله علیه و آله): می فرمو دند:
زنی که زینت کرده و معطر از خانه خارج شود، چون ظلمت قیامت است که روشنایی بخشی ندارد؛ 1 ا گر شوهرش به این کار را ضی باشد، در هر قدمی برای همسرش یکخانه در جهنم می سازند؛2 و خود او تا زمانی که به خانه برگردد مورد نفرین (فرشتگان) است 3 و سرانجام زنی که خود را برا ی غیر شوهرش خوش بو کند، (در آخرت) آتش و (در دنیا) ننگ خواهد بود.4
ایشان با نگرانی می فرمودند:
فتنه سخت را دیدید و صبر کردید و من از فتنه ای سخت تر بر شما بیم دارم، و آن هنگامی است که زنان النگوی طلا به دست و پارچه های فاخر به تن کنند و (به این وسیله شوهر) توانگر را به زحمت اندازند و از (شوهر) فقیر چیزی که بدان دسترسی ندا رد بخواهند ه و وقتی لباس زن فراوان و زینتش خیره کننده شد، تمایل او به بیرون رفتن (برای خود نمایی) زیاد می شود؛ پس از کم لباسی برای حراست ا ز زنان کمک جویید.4
امیر مومنان زنان را از سه کار، که موجب هلاکت زنان بنی اسرائیل شد، نهی فرمودند:
ریختن موها روی پیشانی، درست کردن کاکل جلو سر و
1. نهج ا لفصاحه، ص 716.
2. جامع الاخبار، ص 158؛ بحار الانوار، ج 00 1، ص 249.
3. کافی، ج 5، ص 518.
4. نهج الفصاحه، ص 190؛ کنز العمال،ج 16، ص 383.
5. همان، ص 215.
6. همان، ص 209. رنگین کردن دست هنگام خروج از خانه.1
امام صادق(علیه السلام) نیز زنان را از سرمه کشیدن با رنگ سیاه (در برابر مرد نامحرم) که زینت می باشد، نهی نمودند. 2
1. بحار الانوار، ج 86، ص 73.
2. همان، ج 99، ص 168؛ علل الشرایع، ج 2، ص 456.

*مراد از زینت هر چیزی است که عرفاً زینت محسوب شود و مردم به آن زینت بگویند. بنابراین داشتن النگو، دستبند، بلند کردن ناخن، لاک زدن، حنا گرفتن، بعضی ساعت های مچی که برای زینت استفاده می شود و پوشیدن دستکش های توری برا ی زینت، از زینت های دست هستند و باید آن ها را از نامحرم بپوشانند. (حضرت امام و آیت الله بهجت قدس سره).3
*هم چنین سرمه کشیدن، برداشتن ابرو، گذاشتن مژه مصنوعی، استفاده از هر نوع لوازم آرایشی و گذاشتن حلقه برای بینی، همگی از زینت های صورت محسوب می گردند و باید از نامحرم پوشانده شوند. (حضرت امام وآیت الله بهجت قدس سره).
آنچه برای زن زینت محسوب می شود واجب است ا ز نامحرم پوشانده شود.
3. احکام بانوان، ص 19، م 7 و8و 9؛ مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج 2، ص 71 و 72 وج 3، ص 65 و 66.
آیت اللّه تبریزی: اگر سرمه کشیدن وا صلاح صورت به گونه ا ی باشد که پیر زنان از آن استفاده می کنند، لازم نیست از نامحرم پوشانده شود.
آیات عظام اراکی، خامنه ای و فاضل: اصلاح صورت و ابرو و ناخن بلند اگر عرفاً زینت محسوب شود، پوشاندن آن لازم است.
آیات عظام سیستانی، نوری همدانی و مکارم: پوشاندن اصلاح صورت و ابرو و ناخن بلند بدون رنگ، از نامحرم لازم نیست، مگر آن که منشا مفسده خاصی گردد.
آیت اللّه گلپایگانی: به طور کلی وجه و کفین بنابر احتیاط واجب باید از نامحرم پوشانده شود، چه زینت داشته باشد چه نداشته باشد. 1
* بین نامحرم از فامیل و غیر فامیل از نظر فقهی فرقی نیست (همه).2
*سؤال: خانم ها حلقه ازدواج را (که بسیار ساده است) نه برای زینت بلکه برای یادگاری و وفاداری به شوهر به دست می کنند، آیا پوشیدن آن از نامحرم واجب است؟
* جواب: به دست کردن هرگونه حلقه ای زینت محسوب می شود و پوشیدن آن از نامحرم واجب است. حضرا ت آیات
1.ا حکام روا بط زن ومرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 122و 123 و 124 و 125 2
2.. همان، ص 122.

امام،اراکی گلپایگانی
آیت اللّه بهجت:اگر مهیج ومحرک باشدبایدبپوشاندودر غیرین صورت احتیاط ا ست.
آیت اللّه تبریزی:. پوشانیدن انگشتری که به طور متعارف زنان به د ست می کنند ازنامحرم واجب نیست.
آیت اللّه خامنه ای عرفاً زینت محسوب می شودبایدازنگاه نا محرم پوشید شد ما چنان چه ازآن هایی است که چشم گیرنیست وصدق زینت نمی کند اشکال ندارد.
آیت اللّه سیستانی.انگشتر و حلقه در دست داشتن و سرمه کشیدن مقابل نا محرم چنان چه به هدف خودنمایی درمقابل نامحرم نباشدونیز تحریک کننده نباشد و از واقع شدن در حرام نیزایمن باشداشکالی ندارد
آیت اللّه فاضل:در صو تی که عرفاً زینت محسوب شود پوشاندن آن لازم است
آیت اللّه مکارم: اشکالی ندارد.
بنابراین، با توجه به مورد سوال در استفتاء که حلقه نامزدی است و برای زینت نیست و صرفاً برای یادگاری و وفاداری شوهر است آرا و نظرت فقها همان است که نقل شد. ازاین کلام فقها می توان نتیجه گرفت که اگرعرفاً زینت محسوب
1.همان،ص123 واستفتائات حضرت امام قدس سره، ج 3، ص 256 و 257، س 32 و 36
شود اگر چه خودش چنین قصدی نداشته باشد پوشاندن آن لازم است و اگر جلب توجه هم نماید که به طریق اولی پوشاندن آن واجب خواهد بود و فرقی هم نمی کند که چه نوع انگشتری باشد.
* زینت کردن به زشتی و زیبایی نیست، هرچه عرفاً زینت محسوب شود باید پوشیده گردد. (همه به جز آیات عظام نوری همدانی، تبریزی و سیستانی که قبلاً ذکر شد .)1
* عطر زدن و خوشبو کردن بدن اشکال ندارد، ولی اگر عطر زدن بانوان موجب مفسده و تحریک باشد جایز نیست. (همه).2
* آرایش مردا ن و زنان اگر عرفاً مختص به جنس مخالف باشد، جایز نیست. (همه).3
* اجتناب از پوشیدن کفش هایی که صدادار است و صدای آن ها را نامحرم می شنود در صورتی که مفسده ای بر آن مترتب شود، لازم است. (حضرت امام قدس سره وآ یت اللّه خامنه ای).4
1. همان، ص 125.
2. همان، ص 126.
3. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج 5، ص 171 و 172.

4. استقائات امام قدس سره، ج 3، ص 274، س66 ؛اجوبة الاستفتائات، ج 2، س 276.

آیات 53 و 54 سوره احزاب چگونگی حفظ حریم در برابر نامحرم را برای زنان پیامبر ی(صلی الله علیه و آله)بیان می نماید. 1
(وَإِذَا سَالتُمُوهُن مَتَعا فَسَلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجاب ذَلِكم اظهَرُ لِقُلُوبِكُم وقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُم أن تُؤذُواْ رَسُوت اللَّهِ وَلَا ان تَنكِحُؤاْ أزوجَهُ ومِن بَعدِه ابَدًا إِنَّ ذَالِكُم كانَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمًا)؛ و هنگامی که چیزی از وسائل زندگی (به عنوان عاریت) ا ز آن ها (همسران پیامبر) می خواهید از پشت پرده بخواهید، این کار دل های شما و آن ها را پاک تر می دارد، و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآورید که این این نزد خدا عظیم است!
(إن تُبدُواْ شَئا أوتُخفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُل شَىءٍ عَلِيَمَا)
اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان دارید خداوند از همه چیز آگاه است.
از بعضی قرائن استفاده می شود که گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیایی نزد بعضی از زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله)می آمدند؛ هر چند آن ها طبق سادگی زندگی آن زمان کار خلافی مرتکب نمی شدند، ولی برای حفظ حیثیت همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله)آیه فوق نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هرگاه می خواهند چیزی از آن ها بگیرند، از پشت پرده بگیرند. 1. تفسیر نمونه، ج 17، ص 2 40؛ تفسیر نور، ج 9، ص 393؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج 16، ص 500 روی سخن در این آیه به مومنان است و بخشی دیگر از احکام اسلام را مخصوصاً آن چه مربوط به آداب معاشرت با پیامبر و خانواده نبوت بوده است ضمن جمله های کوتاه و گویا و صریح بیان می کند. ولی مسلماً این حکم اختصاص به ایشان ندارد. در هیچ موردی نباید بدون اجازه وارد خانه کسی شد (چنان که در سوره نور آیه 27 نیز آمده است). حتی در حالات پیامبر (صلی الله علیه و آله)می خوانیم که وقتی می خواستند وارد خانه دخترشان فاطمه علیهاالسلام شوند بیرون در می ایستادند و اجازه می گرفتند؛ یک روز هم که جابر بن عبدالله با ایشان بود، پس از آن که برای خود اجازه گرفتند برای جابر نیز اجازه گرفتند. نکته ای که در این جا باید مورد توجه قرار گیرد این است که منظور از حجاب در این آیه پوششی زنان نیست، بلکه حکمی اضافه بر آن است که مخصوص همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله)بوده و آن این که مردم موظف بودند به خاطر شرائط خاص همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله)هر گاه می خواهند چیزی از آنان بگیرند از پشت پرده باشد، و آن ها حتی با پوششی اسلامی در برابر مردم در این گونه موارد ظاهر نشوند، البته این حکم در

باره زنان دیگر وارد نشده، و برای آن ها تنها رعا یت پوشش کافی است، بنابراین اسلام به زنان مسلمان دستور پرده نشینی نداده است.
پیام ها
1- داد و ستد زنان، با حفظ حریم مانعی ندارد؛
2- زنان پیامبر محصور نبوده و با بیرون از منزل در ارتباط بودند؟ قرآن می فرماید: با رعایت حریم از زنان پیامبر نیز می توان چیزی درخواست نمود.
3- در نحوه ی ارتباط زنان و مردان، باید مور کارها تقوا و پاکدامنی باشد؛
4- نگاه نامحرمان به یکدیگر، در دل آنان تأثیرگذار است؛
5- رعایت حریم بین زن و مرد به نفع هر دو است؟
6- رابطه با نامحرم بدون حفظ حریم، سبب رنجاندن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)گردد.
حفظ حریم در روایات
امام صادق (علیه السلام) فرمودند
رسول خدا(صلی الله علیه و آله)از ورود مردان به حریم زنان، بدون اجازه آن ها نهی می فرمود. 1
ایشان زنی را که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، اما از غیر او (نامحرمان)، خود را حفظ نماید بهترین زنان می دانستند 2 و می فرمودند: زن مانند خانه ای بی حصار، آسیب پذیر است، (اگر حریم
1. کافی، ج 5، ص 528.
2. همان، ص 324؛ بحا را لانو ا ر، ج 100، ص 235. با نامحرم را حفظ نکند) همین که از خانه خارج شود، شیطان او را احاطه می کند1 و هر زنی برای غیر شوهرش روسری را کنار بگذارد؛ حریم خود را شکسته 2 و خداوند پرده خویش را از او برمی گیرد. 3
امیر مؤمنان(علیه السلام)فرمودند:
از آن جا که خداوند زن را زیبا و ظریف آفریده است، (و مورد رغبت واقع می شود) هر کی با او ازدواج کند، باید از حریمش حمایت کند؛4 حفاظت از حریم زن و حراست از او (با توجه به موقعیت روحی و جسمی اش) برای او بهتر است و زیبایی اش را پایدارتر می سازد.5
1. وسائل الشیعه، ج 14، ص 114. مجموعه ورام، ج 2، ص 119.
2. مستدرک ا لوسائل، ج 14، ص 280.
3. جامع ا لاخبار، ص 158؛ نهج الفصاحه، ص 359.
4. غرر الحکم، ص 408؛ کافی، ج 5، ص 510.
5. همان، ص 405؛ مستدرک الوسائل، ج 14، ص 255.

اختلاط زن و مرد

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در جریان بیعت با زنان، از آن ها پیمان گرفت که:
"لا تقْعَدَنَّ مَعَ الرّجال فی الْخَلاء"؛ با مردان اجنبی خلوت نکنند.6
ایشان دستور دادند که شب هنگامی که نماز تمام می شود، اول زن ها از مسجد بیرون بروند، بعد مردها؟ پیامبر(صلی الله علیه و آله)خوش
6. کافی، ج 5، ص 519. نمی داشت که زن و مرد با هم و به طور مختلط از مسجد بیرون روند. زیرا فتنه ها از همین اختلاط ها برمی خیزد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) برای این که برخورد و اصطکاکی رخ ندهد، دستور می داد مردان از وسط، و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند. 1 روزی که شاهد بیرون رفتن مردان و زنان با هم از مسجد بودند، خطاب به زن ها فرمودند: بهتر است شما صبر کنید آن ها بروند. شما از کنار بروید و آن ها از وسط.2
1. کافی، ج 5، ص 518.
2. سنن ابی داود، ج 2، ص 658.

دست دادن با نامحرمان

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند:
هر که با زنی نامحرم دست بدهد به خشم خدا گرفتار می شود 3 و روز قیامت دست بسته وارد می شود. سپس او را
به سوی دوزخ می برند.4
امام صادق (علیه السلام) فرمودند:
برای مردان جایز نیست که با زن (نامحرم) دست بدهند، مگر از زیر پارچه (بین دو دست پارچه ای حائل باشد)، و دست یکدیگر را نفشارند.5
3. وسائل ا لشیعة، ج 20، ص 195؛ بحارا لانوار، ج 1 0 1، ص 32.
4. بحارا لانوار، ج 73، ص 363؛ وسائل الشیعة، ج 0 2، ص 198.
5. وسائل الشیعة، ج 0 2، ص 07 2؛ کافی، ج 5، ص 525.

بوسیدن

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند:
اگر کسی خواست محرم خود را که بالغ شده ببوسد، خوا هر باشد یا عمه یا خاله، میان دو چشم (پیشانی) و سر او را ببوسد، و از بوسیدن گونه و دهان او خوددا ری نماید. 1
1. مستد رک الو سائل، ج 9، ص 73؛ بحا را لانوا ر، ج 101، ص 38.

اختلاط زن و مرد
اختلاط زن و مرد نامحرم مکروه است، مگر آن که پیرمرد یا پیرزن باشند. این مکروه بودن در صورتی است که در مجلس هیچ وجه حرامی نباشد و الا اختلاط حرام می شود. (همه).2
رفتن به مجالسی که انسان می داند در آن مجلس مرتکب حرام می شود جایز نیست. (همه).3
اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی آن جا نباشد و دیگری نتواند وارد شود، چنانچه بترسند که به حرام بیفتند باید از آن جا بیرون بروند و ماندن در آن مکان حرام است. (همه به استثنای آیت الله مکارم که فرموده اند: مطلقاً حرام
2. احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 174.
3. همان، ص 175.
است).1
*خودنمایی کردن به قصد به گناه انداختن دیگری حرام است. (همه).2
*حضور زنان در کوچه و بازار و ارتباط با نامحرم بدون ضرورت، خلاف عفّت خانم هاست و در صورت ارتکاب حرام، جایز نیست.3
دست دادن با نامحرم
*هر کسی که نگاه کردن به ا و جایز نیست تماس بدنی با او نیز جایز نیست و هرگونه تماس بدن با او حرام است و باید از آن اجتناب کرد، مگرا ز روی لباس و بدون قصد لذّت و ریبه؛ اما اگر تلذّذ و ریبه در کار باشد قطعا حرام است. (همه).4
* دست دا دن با نامحرم جایز نیست مگر از روی لباس و در این صورت بنا بر احتیاط واجب نباید دستِ یکدیگر را بفشارند. (همه).5
بو سیدن
* بوسیدن محارم اشکال ندارد مشروط به آن که به قصد
1 . مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج 5، ص 51 و 52؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 176.
2. ا حکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 178.
3. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج 2، ص 79 و 80.
4. احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 161.
5. همان، ص 16. لذّت و ریبه نباشد (مگر همسر که مطلقاً جایز است). (همه).1 گر کسی بداند که اگر بچه یا محارم را ببوسد به گناه آلوده می شود نباید ببوسد. (همه).2

1. همان، ص 167.
2. همان، ص 167.

آداب ورود به خانه دیگران

آیات 27 و 28 سوره نور، آداب ورود به خانه دیگران را بیان می نماید.3
(یَأَیهَا الَّذِینَ ءامَنُوا لَا تَدخُلُواْ بُیُوتَا غَیر بُیُوتِکُم حَتَّی تَستَأنِسُوا وَتُسَلِّمُواْ عَلیَ أهلِهَا ذَالِکُم خَیر لَکُم لَعَلَّکُم
تَذَکرُون)؛
ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه هایی غیر از خانه
خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام
کنید، این برای شما بهتر است، شاید متذکر شوید.
(فَإِن لَّم تِجدُوا فِیهَا أحَدًا فَلَا تَدخُلُوهَا حَتَّی یُؤذَن لَکُم وَإِن
قِیلَ لَکُمُ ارجِعُوا فَارجِعُواْ هُوَ أزکَی لَکُم واللَّهُ بِمَا تَعمَلُونَ عَلِیم)
و اگر کسی در آن نیافتید، داخل آن نشوید تا به شما اجازه
داده شود، و اگر گفته شود بازگردید، بازگردید، که برای شما پاکیزه تر
است و خداوند به آن چه انجام می دهید آگاه است.
3. تفسیر نمونه، ج 14، ص 428؛ تفسیر نور، ج 8، ص 172؛ ترجمه المیزان، ج 15، ص 154.

در این آیات بخشی از آداب معاشرت و دستورهای اجتماعی اسلام که ارتباط نزدیکی با مسائل مربوط به حفظ عفّت عمومی و رعایت حریم خانواده دارد بیان شده است، و آن طرز ورود به خانه های مردم و چگونگی گرفتن اجازه برای ورود است.
انسان به ناچار در محیط اجتماع قیود زیادی را از نظر لباس و طرز حرکت و رفت و آمد تحمل می کند، ولی ادامه این وضع در تمام مدت شبانه روز خسته کننده و درد سر آفرین است، او می خواهد مدتی از شبانه روز را آزاد باشد، قید و بندها را دور کند به استراحت بپردازد؛ با خانوا ده و فرزندان خود به گفت وگوی خصوصی بنشیند و تا آن جا که ممکن است از این آزادی بهره گیرد. اگر بنا باشد هر کس سر زده وارد این محیط گردد و به حریم امن آن تجاوز کند دیگر آن آزادی و آرامش وجود نخواهد داشت.
نزول این آیات بیانگر آن است که از نظر اسلام برای حفظ حجاب اهل خانه و مصونیت از نگاه واردین، ورود به خانه مردم نیاز به اذن و اجازه دارد.
آداب ورود به خانه دیگران در روایات
در حدیثی آمده که: ابو سعید از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله)اجازه ورود به منزل گرفت در حالی که روبروی در خانه پیامبر(صلی الله علیه و آله) ایستاده بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: به هنگام اجازه

گرفتن روبه روی در نایست!
در روایت دیگری می خوانیم که خودِ آن حضرت هنگامی که به در خانه کسی می آمد روبروی در نمی ایستاد بلکه در طرف راست یا چپ قرار می گرفت و می فرمود: السلام علیکم (و به این وسیله اجازه ورود می گرفت) زیرا آن روز هنوز معمول نشده بود که در برابر در خانه پرده بیاویزند. 1
بنا بر روایات، انسان حتی به هنگامی که می خواهد وارد خانه مادر یا پدر و یا فرزند خود شود، باید اجازه بگیرد. مردی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) پرسید: آیا به هنگامی که می خواهم وارد خانه مادرم شوم باید اجازه بگیرم؟ فرمود: آری، عرض کرد مادرم غیر از من خدمتگزاری ندارد، باز هم باید اجازه بگیرم؟! فرمود: اَ تُحِبُّ أن تَراها عُریانَةَ؟ آیا دوست داری مادرت را برهنه ببینی؟ عرض کرد: نه، فرمود: فَاستَاذِن عَلَیها!: پس از او اجازه بگیر! 2 روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خواست وارد خانه دخترش فاطمه علیهاالسلام شود، نخست بر در خانه آمد دست به روی در گذاشت و در را کمی عقب زد، سپس فرمود: اَلسَلام عَلَیکُم، فاطمه علیهاالسلام پاسخ سلام پدر را داد، بعد پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: اجازه دارم وارد شوم؟ عرض کرد وارد شو ای رسول خدا!
1. تفسیر فخر رازی، ج 23، ص 198 ذیل آیه مورد بحث.
2. تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 586. پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که همراه من است نیز اجازه دارد وارد شود؟ فاطمه عرض کرد: مقنعه بر سر من نیست، و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجَب ساخت پیامبر (صلی الله علیه و آله) مجدداً سلام کرد و فاطمه علیهاالسلام جواب داد، مجدداً اجازه ورود برای خودش گرفت و بعد از پاسخ موافق فاطمه علیهاالسلام اجازه ورود برای همراهش جابربن عبدالله گرفت. 1
این حدیث بخوبی نشان می دهد که تا چه اندازه پیامبر(صلی الله علیه و آله) که یکث الگو و سرمشق برای عموم مسلمانان است این نکات را دقیقا رعایت می فرمود. حتی در بعضی از روایات نقل است که: باید سه بار اجازه گرفت، اجازه ی اول را بشنوند و به هنگام اجازه ی دوم خود را آماده سازند، و به هنگام اجازه ی سوم اگر خواستند اجازه دهند وا گر نخوا ستند اجازه ندهند!2
1. تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 587.
2. وسائل الشیعه، ج 20، ص 219.

آیات 30 و 31 سوره نور وظیفه مردان و زنان را در مورد نحوه نگاه و پوشش بیان می نماید.3
(قُل لِّلمُؤمِنِین یَغُضُّواْ مِن أبصَرِهِم وتحفَظُواْ فُرُوجَهُم ذَالِکَ أزکَی لَهُم إِنَّ اللَّهَ خَبِیربِمَا یَصنَعُون)!
3. تفسیر نمونه، ج 14، ص 434؛ تفسیر نور، ج 8، ص 175؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج 15، ص 152
به مردان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و دامن های خود را حفظ کنند این برای آن ها پاکیزه تر است، خداوند به آن چه انجام می دهید آگاه است.
(وقُل لِّلمُؤمِنَتِ یَغضُضنَ مِن أبصَرِهِنَّ وتَحفَظنَ فُرُوجَهُنَّ ولَا یُبدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنهَا ولیَضرِبنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىَ جُیُوبِهِنَ وَلَا یُبدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ اوءَابَآبِهِنَّ اوءَابَاء بُعُولَتِهِنَّ اَوابآبِهِنَّ أوابنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أو إِخوَا نهِنَّ او بَنِئ إِخوَانِهِنَّ أو بَنئ أخَوَ تِهِنَّ أو نِسَآ ئِهِنَّ أو مَا مَلکَت أیمَنُهُن او
ا لتبعِینَ غَیرِ اولی الاِربَةِمِنَ ا لرِّجا ل أوِ ا لطِّفلِ الَّذِینَ َلم یَظهَرُواْ عَلی عَورَاتِ النِّسَاءِ ولَا یَضرِبنَ بِأرجُلِهِنَّ لِیُعلَمَ مَایخفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ وتُوبُوٓاْ اِلَی اللَّهِ جمَیعًا أیُّهَ المُؤمِنُونَ لَعَلَّکُم تُفلحِونَ):
و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدراتشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرا نشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم کیششان یا بردگانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آن ها هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود. (و صدا ی خلخال که بر پا دارند به
گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.
در کتاب کافی در شان نزول نخستین آیه از آیات فوق از امام باقر(علیه السلام)چنین نقل شده است که جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد (در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوش ها قرار می دادند و طبعاً گردن و مقداری از سینه آن ها نمایان می شد) چهره آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت هنگامی که زن گذشت جوان هم چنان با چشمان خود او را بدرقه می کرد در حالی که راه

خود را ادامه می داد تا این که وا رد کوچه تنگی شد و باز هم چنان به پشت سر خود نگاه می کرد، ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه ای که در دیوار بود صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه اش ریخته! (سخت ناراحت شد) با خود گفت به خدا سوگند من خدمت پیامبر می روم و این ماجرا را بازگو می کنم، هنگامی که چشم رسول خدا(صلی الله علیه و آله)به او افتاد فرمود چه شده است؟
جوا ن ماجرا را نقل کرد، در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا نازل شد و آیه فوق را آورد. 1
این سوره در حقیقت سوره عفّت و پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات جنسی است و آیات مورد بحث که احکام نگاه و حجاب را بیان می دارد نیز کاملاً به این امر مربوط است.
احکام و وظایف ویژه بانوان که در این آیات مطرح شده عبارتند از:
1- آن ها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است. بنابراین زنان حق ندارند زینت هایی که معمولاً پنهانی است آشکار سازند هر چند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباس های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می پوشند مجاز نیست، چرا که قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت هایی نهی کرده است. در روایات متعددی که از اهل بیت (علیه السلام) نقل شده نیز همین معنی دیده می شود که زینت باطن به گردنبند، بازوبند، خلخال (همان زینتی که زنان عرب در مچ پاها می بستند) تفسیر شده است.2
2- دومین حکمی که در آیه بیان شده این است که: آن ها باید خِمارهای خود را بر سینه های خود بیفکنند. خُمر جمع خِمار در اصل به معنی پوشش است، ولی معمولاً به چیزی گفته
1. وسائل الشیعه، ج 14، ص 139؛ تفسیر نورالثقلین و المیزان و روح المعانی (با تفاوت مختصری) ذیل آیه مورد بحث.
2. تفسیر علی بن ابراهیم، ذیل آیه مورد بحث. می شود که زنان با آن سر خود را می پوشانند (روسری). جیوب جمع جیب به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می گردد.
3- در سومین حکم مواردی را که زنان می توانند حجاب خود را برگیرند و زینت پنهان خود را آشکار سازند با این عبارت شرح می دهد: آن ها نباید زینت خود را آشکار سازند، مگر برای شوهران، پدران، پدران شوهران و غیر آن که در متن آیه ذکر شده است.
4- و بالاخره چهارمین حکم را چنین بیان می کند: آن ها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان معلوم گردد و صدای خلخالی

که بر پا دارند به گوش رسد. آن ها در رعایت عفّت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله ور می سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفّت شود، آن چنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخالی که در پای دارند به گوش مردان بیگانه خودداری کنند، و این گواه باریک بینی اسلام در این زمینه است.
با دقت در تفاسیر این آیات درمی یابیم که:
1- حفظ نگاه از حرام نشانه ایمان است؛
2- جاذبه های جنسی را باید از دید نامحرم پنهان کرد؛
3 گناه باید از سرچشمه جلوگیری شود پس تقوا را از چشم شروع کنیم؛
4- پاکی چشم مقدّمه ی پاکدامنی است؛
5ـ مردان نیز باید حدودی را برای پوشش خود رعایت نمایند؛
6- دوری از چشم چرانی و بی عفّتی باعث رشد معنوی انسان است؛
7- خداوند از چشم چرانی ما آگاه است، در محضر خدا معصیت نکنیم؛
8ـ در لزوم ترک نگاه حرام و حفظ عفاف و پاکدامنی بین زن و مرد، فرقی نیست؛
9- دل ربایی و جلوه گری زنان، در جامعه ممنوع است؛
10- پوشاندن قسمت هایی از بدن که به طور طبیعی آشکار است (صورت و دست از مچ تا سر انگشتان) لزومی ندارد؛
11- اسلام به نیاز فطری زن به آراستگی، در خانه و برای همسر پاسخ می دهد؛
12- هرگونه راه رفتنی که سبب آشکار شدن زیورهای مخفی زن شود ممنوع است؛
13- حجاب و پوشش، واجب است و هر کاری که زینت زن را آشکار کند یا دیگران را از آن آگاه سازد ممنوع است؛
14- مقدار واجب برای پوشش سر و صورت، به سر انداختن روسری و مقنعه ای است که گردن و سینه را بپوشاند؛
15- همه مردم نسبت به مسئله نگاه و حجاب مسئولند و برای نگاه های حرام خود باید توبه کنند.
روایات حدود پوشش
از امام صادق (علیه السلام)درباره زینتی که زن (با توجه به، آیه ی 31، سوره نور) می تواند آشکار سا زد؛ سؤال شد، فرمودند:
1.اَلوَجهُ وَ الکفَّینِ؛ صورت و از سر انگشتان تا مچ دو دست
از ایشان پرسیده شد: آیا ساق دست زن (الذّراعَینِ) هم جزء زینتی است که به فرموده خداوند، زنان آن را نباید آشکار کنند؟ فر مو د ند:
2.نَعَم، وَ ما دُونَ الْخِمار منَ الزِّینَةِ وَ ما دُونَ السِّوارَینِ؛
بله، ساق دست زن و سر و گردن و موضع دستبند، جزء زینت است

پیامبر(صلی الله علیه و آله)به حولاء فرمودند:
لا تُبدِی زینَتَک لِغَیر زَوجِک، زینت خود را برای غیر شوهرت آشکار مکن؛ یا حولاءُا لا یحِلُّ لامراة أن تُظهَر معصَمها و قَدَمها لِرَجُل غَیرَ بَعلها، ای حولاء! برای زن جایز نیست مچ دست و قدمَ هایش را برای غیر شوهرش آشکار سازد؛ وَ إذا فَعَلت ذلک لَم تَزَل فی لَعنَة اللّه وَ سَخَطه وَ غَضبَ اللّهُ عَلَیها وَ لَعَّنَتها ملائکةُ اللّه وَ أعدَّ لَهاَ عَذاباً ألیَمَا،
1. وسائل الشیعة، ج 20، ص 202
2. همان، ص 0 0 2؛ کافی، ج 5، ص 0 52

اگر چنین کرد؟ تا ابد مورد لعنت، خشم و غضب خدا و ملائکه او خواهد بود و در قیامت عذابی دردناک برای او آماده شده است. 1
و در جای دیگر فرمودند:
أَلا اخبِرُکم بخَیر نسائکم؟؛ می خواهید، بهترین زنان را به شما معرفی کنم؟
اصحاب عرض کردند: بله. ایشان فرمودند:
إنَّ خَیرَ نسائکم اَلولودُ، اَلوَدودُ، اَلستیرَةُ، اَلعَفیفَه، اَلعَزیزَةُ فِی اَهلِها، اَلذَّلَیلَةُ معَ بَعلِها، اَلمُتَبَرِّجَةُ معَ زَوجِها، اَلحِصانُ عَن غَیرِه؛ زنانی که فرزندآور، مهربان، محجبه و عفیف، در میانَ اهل و خانواده عزیز و در برابر شوهرشان متواضع هستند؛ زینتهایشان را برای همسرانشان آشکار و در برابر غیر همسر (نامحرمان) عفت و پاکدامنی را حفظ می کنند.2
رسول خدا(صلی الله علیه و آله)حد پوشش و نوع لباس زن در برابر محرم و نامحرم را نیزمشخّص می فرمایند:
لِلزَّوجِ ما تَحتَ الدَّرعِ وَ للابن وَ الاَخِ ما فَوقَ الدَّرعِ وَ لغَیر ذِی محرَم أربَعَه (دَرعٌ وَ خَمَارٌ وَ جِلبابٌ وَ ازارٌ)؛
پوشش زن برای همسرش لباس زیرین است و برای پسر و برادرش بیشتر از لباس زیرا ست و برای نامحرم چهار لباس باید بپوشد، پیراهن، روسری، عبا یا چادر و ازار (رو پوش
1. مستدرک الوسائل، ج 14، ص 242
2. همان، ص 161؛ مکارم الاخلاق، ص 200
بلند تا پایین پا).1
مردی از رسول خدا(صلی الله علیه و آله)سؤال کرد: آیا خواهرم می تواند موی سر خود را پیش من برهنه کند؟ ایشان در جواب فرمودند: نه، من بیم دارم که اگر خواهر تو، موی خویش و زیبایی های خود را برهنه گرداند، موجب لغزش تو گردد.
همان گونه که از مفهوم روایت آشکار است، رعایت این موارد توسط محارم موجبات سلامت روابط بین افراد خانواده را فراهم می سازد. 2
احکام حدود پوشش

در کتب فقهی و رساله های عملیه، مسئله حجاب مفصلاً مورد بررسی قرار گرفته است. فقها پوشش را به دو دسته تقسیم می کنند:
پوششی که در نماز باید به کار برده شود که البته شرائطی دارد؟ از قبیل پاک بودن، غصبی نبودن و... و پوششی که در مقابل مردان بیگانه باید رعایت شود و شرائط خاص نماز را ندارد ولی شرایط خاصی دارد، که خواهد آمد.
اصل حکم حجاب از نظر فقهای عظام از ضروریات است یعنی بی اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است.
1. مجمعا لبیان، ج 7، ص 243؛ تفسیر صافی، ج 3، ص 430
2. بحارالانو ار، ج 101، ص 38؛ مستدرک الوسائل، ج 14، ص 303.

*بر زنان واجب است تمام بدن خود به استثنای وجه (قسمتی از صورت که در وضو شستن آن واجب است) و کفین (دو دست از مچ تا سرانگشتان) را از نامحرم بپوشانند مشروط به آن که:
الف) وجه و کفین آن ها زینت نداشته باشد. (همه).
ب) کسی به قصد لذّت و ریبه به وجه وکفین آن ها نگاه نکند .1
تذکر: تلذّذ یعنی لذّت بردن، و نگاه از روی تلذّذ یعنی نگاهی که به قصد لذّت بردن باشد، و اما ریبه یعنی نگاه به خاطر تلذّذ و چشم چرانی نیست، ولی خصوصیت دو طرف طوری است که خطرناک است و دنبال این نگاه بیم لغزش و افتادن در فساد می رود. این دو نوع نگاه مطلقاً حرام است، حتی در مورد محارم. تنها موردی که استثناء شده، نگاهی است که مقدمه خواستگاری است.
*جایز نیست کف پا، روی پا، قوزک پا و پاشنه پا در برابر نامحرم نمایان باشد. بنابراین اگر خانمی در حال نماز این قسمت ها را نپوشاند در حضور نامحرم معصیت کرده ولی نمازش صحیح است. (همه)2
1. توضیح المسائل مراجع، م 2435.
2. العروة الوثقی، ج 1، فی الستر و الساتر، قبل از م 1؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 109.

*نمایان بودن زیر چانه، گردن، گوش، سینه و دست ها تا بازو برای خانم ها جایز نیست و باید این مواضع را هم از نامحرم بپوشانند. در نماز هم این مقدار باید پوشیده باشد. (همه)1
*بنا بر احتیاط واجب خانم ها باید موهای مصنوعی (که به موهای خود وصل کرده اند) یا کلاه گیس رااز نامحرم بپوشانند. (همه به جز آیات عظام بهجت، سیستانی، مکارم)2 آیات عظام بهجت و سیستانی: بر زن واجب است از نامحرم بپوشاند.

آیت الله مکارم: اگر این کار زینت محسوب می شود، واجب است آن را از نامحرم بپوشاند.
1. همان؛ ا حکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 110.
2. همان؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 126.

حد پوشش در نماز

?زن باید در حال نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را به جز صورت (به مقداری که شسشن آن در وضو واجب است)، دست ها تا مچ و پاها (آیت الله سیستانی: روی پا) تا مچ را بپوشاند اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و پایین تر از مچ را نیز بپوشاند. (همه).3

1. همان؛ ا حکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 110.
2. همان؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 126.
3. توضیح ا لمسائل مراجع، م 789؛ آیت الله وحید، توضیح السمائل، م 795؛ اجوبة الاستفتاءات، س 437.

?در نماز باید زیر چانه پوشانده شود. (همه).1

?هنگام نمازا گر مرد نامحرم او را می بیند، روی پا باید پوشانده شود. (همه به جز آیات عظام تبریزی و مکارم).2

آیت اللّه مکارم: واجب نیست ولی بهتر آن است که بپوشاند.

آیت اللّه تبریزی: بنابر احتیاط، واجب است.

تذکر: لازم نیست پشت و روی پا به وسیله جوراب پوشانده شود بلکه اگر به وسیله چادر و مانند آن نیز پوشانده شود، کافی است.

نماز خواندن زن با مانتو و شلوار، اگر جاهایی از بدن که
باید پوشیده شود را بپوشاند اشکال ندارد. (همه).3

برجستگی های بدن هنگام نماز در برابر نامحرم اگر
باعث جلب توجه مرد نامحرم گردد، باید پوشانده شود و اگر پوشانده نشود، زن گناه کرده است، ولی نماز اوصحیح است. (همه).4

در هنگام نماز، پوشاندن زیور آلات، واجب نیست ولی

1. العروة الوثقی، ج 1، فی الستر و الساتر، م 6
2. آیت الله سیستانیsistani.org، (حجاب)، س 3 و آیت الله تبریزی، صراط ا لنجاة، ج 5، س 1275 واستفتائات، س 1614 و آیت الله فاضل، جامع ا لمسائل، ج 1، س 1706 و آیت اللّه صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1696 و آیت اللّه خامنه ای، اجوبة ا لا ستفتا ئات، س 438.
3. العروة الوثقی، ج 1، فی ا لستر و الساتر، الثانی؛ آیت الله تبریزی، استفتائات جدید، ج 1، س 446؛ آیت اللّه فاضل، جامع المسائل، ج1 ، س 244.
4. العروة الوثقی. ج 1، فی الستر و الساتر، م 5.

پوشاندن بدن (قسمتی که آن زیور آلات روی آن قرار گرفته) واجب است.

(همه).1
در موقع نماز اگر مرد نامحرم زن را نمی بیند، پوشاندن
چهره آرایش کرده برای زن در نماز واجب نیست. (همه)2
اگر زن در بین نماز بفهمد که موهای او از چادر بیرون
آمده، باید آن را بلافاصله بپوشاند و نمازش صحیح است به شرط آن که
پوشاندن زیاد طول نکشد ولی اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.
(همه به جز آیات عظام بهجت، تبریزی و وحید خراسانی)3
آیت الله تبریزی: اگر در بین نماز بفهمد، نمازش باطل است
و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است
آیات عظام بهجت و وحید خراسانی: اگر در بین نماز بفهمد، باید آن را
بلافاصله بپوشاند ولی بنابر احتیاط (مستحب) نماز را تمام کند و دوباره
بخواند. و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.
پوشاندن روی پا وکف آن در سجده واجب نیست. (همه)4
1. همان، م 4.
2. همان، م 5.
3. با استفاده از توضیح المسائل مر اجع، م 792؛ آیت اللّه خامنه ای،
اجوبة الاستفتائات، س 432؛ آیت اللّه نو ری، تو ضیح ا لمسائل، م 793؛
آیت اللّه وحید، توضیح ا لمسائل، م 798.
4. توضیح المسائل مراجع، ج 1، م 789.

چادر، حجاب برتر

*واجب ا ست تمام بدن زن به جز قرص صورت و دست ها تا مچ از نامحرم پوشانده شود هر لباسی که این مقدار واجب را بپوشاند مانع ندارد ولی پوشیدن چادر بهتر است (آیت الله خامنه ای: چادر بهترین نوع حجاب و نشانه ی ملی ماست) و از لباس هایی که توجه نامحرم را جلب کند باید اجتناب شود. (همه).1
خانم مرضیه حدیده چی (دبّاغ) نقل می کند:
من وقتی همراه امام از فرانسه آمدم، مانتو و شلوار تنم بود.
در مهران پایم صدمه خورده بود و هنوز عصایی زیر دستم بود. با آن مانتو شلوار، خدمتشان رسیدم تا گزارش بدهم. فرمودند: "شما چادر ندا رید؟ بگویم احمد برایتان یک چادر بخرد؟ " گفتم: نه حاج آقا، چادر دارم، اما چون به کوه می رفتم و اسلحه روی دوشم و فشنگ به کمرم و
قمقمه به پهلویم آویزان بود و گاهی هم سه پایه ی تیربار را روی دوشم می گرفتم و از کوه بالا می رفتم، این بود که اگر چادر هم به سر می کردم، دیگر خیلی مشکل بود. فرمودند: "چادر برای زن بهتر است. " من هم از همان جا آمدم و چادر را سرم کردم و دیگر برنداشتم.2
1.مسائل جدید از دیدگاه مراجع، ج 1، ص 35 و 36 و 37 و 38.
2.. مجله حدیث زندگی، ص 61.

*پوشیدن چادرهایی که موها و یا سایر نقاط بدن از پشت
آن نمایان است کفایت نمی کند و خانم ها خصوصاً در منزل اگر نامحرمی هست باید از پوشیدن این گونه چادرها خودداری کنند. (همه).1
*خانم ها نمی توانند آستین خود را برای آمپول زدن و یا فشار خون و یا نبض گرفتن و غیره در مقابل نامحرم بالا ببرند مگر در حال اضطرار. (همه).2
1. احکام روا بط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 117؛ امام خمینی، آیت الله نوری و آیت الله سیستانی، التعلیقات علی العروة فی الستر وا لساتر، م 1؛ العروة الوثفی، ج 1، فی الستر و الساتر، م 16؛ آیت اللّه صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1692؛ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1712؛ آیت اللّه مکارم، ا ستفتاءات، ج 2، س 154 دفتر آیات عظام وحید، بهجت و تبریزی.
2. ا لعروة ا لوثفی، ج 1، فی الستر و الساتر، قبل از م 1؛ احکام روا بط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 112.

پوشش زن از زن

* خانم ها باید عورت خود را از زن های دیگر بپوشانند ولی پوشانیدن بقیه بدن واجب نیست؛ مگر آن که در معرض نگاه با ریبه باشد. (همه)3
* اگر خانمی بداند که خانم دیگری به قصد لذت به بدن یا به دست و صورت او نگاه می کند، واجب است بدن و دست و
3. العروة الوثقی، ج 1، فی الستر و الساتر، قبل از م 1؛ احکام روا بط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 129.

صورت را از آن خانم بپوشاند. (همه به استثنای آیت الله بهجت)1 آیت اللّه بهجت: پوشاندن بدن و دست و صورت لازم نیست.
*پوشاندن عورت زن از زنان دیگر واجب است اگر چه بدون قصد لذّت نگاه کنند مگر در حال اضطرار. بنابراین راه های جلوگیری از حاملگی که مستلزم نگاه زن به عورت زن باشد و بعضی عکس های رادیولوژی از رحم یا قرار دادن دستگاه داخل رحم که مستلزم کشف عورت است غیر از حالت اضطرار جایز نیست و باید اجتناب شود. (همه).2
1. توضیح المسائل مراجع، م 2436؛ العروة ا لوثقی، ج 1، فی الستر و الساتر، فبل از م 1؛ احکام روا بط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 129.
2. توضیح السمائل مراجع، م 2436؛ العروة الوثقی، ج 1، فی الستر و الساتر، قبل از مسئله 1؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 63.

?اگر بچه ها (اعم از دختر یا پسر محرم یا نامحرم) به سن تمیز نرسیده باشند، پوشاندن بدن حتی عورت از آن ها واجب نیست. اما اگر به سنی رسیده اند که خوب و بد را تشخیص می دهند، اگر دختر است و یا پسر است و محرم، فقط عورت را باید بپوشانند اگر پسر است و نامحرم واجب ا ست عورت را بپوشانند و بنابر احتیاط واجب به استثنای وجه و کفین بقیه بدن را باید از او بپوشانند. (همه) 3
3. همان، م 2435؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 131.
روایات حدود نگاه
در حدیثی از امام باقر (علیه السلام)به نقل از رسول خدا(صلی الله علیه و آله)آمده است که:
کُلُّ عَیْن بَاکیَه یَوْم الْقِیَامة إِلا ثَلاثَ أعْیُن عَیْنُ بَکَتْ منْ خَشْیَة اللهَ عَیْن غُضَّتْ عَنْ محَارم اللَه وَ عَیْن بَاتَتْ سَاهرَةً فِی سَبِیلِ اَللَه؛
تمام چشم ها در قیامت گریانند مگر سه چشم: چشمی که از ترس خدا بگرید و چشمی که بر روی گناه بسته شود و چشمی که در راه خدا بیدار بماند. 1
حضرت علی (علیه السلام)فرمودند:
اَلعَینُ رائِدُ القَلبَ الفتَن؛ چشم، دل را به فتنه ها می کشاند.2
و اَلعُیون مصائدُ الشَیطانِ؛ شیطان به وسیله ی چشم ها انسان را به دام می اندازد.3
و کَم من نَظرَة جَلَبَت حَسرَةَ؛ چه بسا نگاهی که مایه حسرت می گر د د. 4
و لَعَنَ الالَهُ النّاظِرَ وَ المنظورَ إلیهِ؛ کسی که نگاه (حرام) می کند و کسی که به او نگاه می شود هر دو مورد لعنت خداوند هستند.5
من غَضَّ طَرفَهُ أراحَ قَلبَهُ؛ هر که نگاه خویشی را از حرام برگیرد،
1. بحا را لا نو ا ر، ج 1 0 1، ص 35.
2. غر را لحکم، ص 60.
3. همان، ص 260؛ مستدرک الوسائل، ج 14، ص 271. 4. مستدرک الوسائل، ج 14، ص 271.
5. همان.

قلبش آرام می گیرد. 1
امام صادق(علیه السلام) فرمودند:
اَلنَّظرَةُ بعَدَ النَّظرَةِ تَزرعُ فی القَلبِ الشَهَوَةَ وَ کَفَی بِها لِصاحبها فِتنَةَ؛ نگاه

در پی نگاه، شهوت را در دل می روباند و این برای گمراهی صاحب آن کافی است 2
و باز می فرمایند:
من ملَأ عَینَیهِ من حَرام ملَأ اللّهُ عَینَیهِ یوم القِیامةِ من النّارِ الّا أن یتوبَ وَ یرجِعُ؛ هر کس چشم خود را از نگاه حرام آکنده سازد (یعنی به نامحرم نگاه مستمر داشته باشد که لذَت ببرد نه نگاه گذرا) خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پرمی گرداند مگر این که توبه کند و از عمل خود دست بردارد.3
ا ز جمله سخنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این باره این که:
إشتَدَّ غَضَبُ اللّهِ عَلی إمراة ذات بَعلٍ ملَأت عَینَها من غَیرِ زَوجِها؛ غضب خداوند بر زنی که به مردی غیر از شوهرش (یعنی مرد نامحرم) نگاه می کند؛ شدید است.4
در جای دیگر می فرمایند:
ا لنَّظرَةُ سَهمُ مَسمُومٍ منْ سِهام إبلیس فَمن تَرَکَها خَوفاَ من اللَهِ أعطاهُ اللهُ إیماناً یَجدُ حَلاوَتَهُ فی قَلبه نگاه، تیری مسموم از تیرهای
1. همان؛ غررالحکم، ص 260.
2. وسائل الشیعه، ج 20، ص 192
3. میزان الحکمه، ج 13، ص 6323؛ مستدرکالوسائل، ج 14، ص 271؛ بحارا لا نو ا ر، ج 101، ص 32
4. بحا را لانوا ر، ج 1 0 1، ص 39؛ وسائل ا لشیعة، ج 0 2، ص 232

شیطان است، هر که از ترس خدا آن را ترک کند خداوند به او ایمانی عطا می فرماید که شیرینی آن را در دل خود احساس می کند،1 و این که اَلنَّظَر إلی محاسنِ النِّساء، نگاه کردن به زیبائی های زنان نیز تیری از تیرهای شیطان است، هر کس آن را ترک کند، أذاقَهُ اللَهُ طَعم عِباده تَسُرهُ، خداوند مزه عبادتی سرور آفرین را به او خواهد چشانید. 2
امام صادق(علیه السلام) فرمو دند:
حضرت شعیب از دخترش پرسید: چگونه امانت داری این جوان (حضرت موسی) را فهمیدی که او را امین می خوا نی؟ دختر گفت: وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم، به من گفت: از پشت سر، مرا راهنمایی کن؟ تا مبادا به قامت من چشم بدوزد.3
از امام رضا؟ نقل شده است که:
نگاه مردان به موهای زنان از آن جهت حرام است که باعث تهییج آنان و کشیده شدنشان به فساد و آن چه نه حلال است و نه پسندیده، می گردد.4
در حجّة الوداع زنی نزد پیامبر(صلی الله علیه و آله)آمد و از آن حضرت،

احکام شرعی مربوط به حج را پرسید. فضل بن عباس که کنار پیامبر(صلی الله علیه و آله) بود، به آن زن نگاه کرد و زن نیز به فضل نگاه کرد.
1. مستد رک الوسائل، ج 14، ص 268
2. همان، ص 271
3. همان، ج 14، ص 274
4. بحا را لا نوا ر، ج 4 0 1، ص 33

پیامبر(صلی الله علیه و آله) روی فضل را از جانب آن زن برگرداند و فرمود: مرد جوان و زن جوان. می ترسم که شیطان بین آن دو قرار گیرد 1.
پیامبر(صلی الله علیه و آله) زنان را از معاشرت با زنانی که وصف آن ها را برای شوهرانشان طوری بازگو می کنند، مثل این که خودشان او را دیده اند؟ نهی فرمودند.2 همچنین امام صادق(علیه السلام) فرمودند: سزاوار نیست که زن (زیبایی های خود را) نزد زنان یهودی
و نصرانی آشکار کند، زیرا آن ها وصف او را نزد شوهرانشان بازگو می کنند. 3
1. صحیح بخاری، ج 8، ص 63.
2. تفسیر ابن کثیر، ج 3، ص 384.
3. کافی، ج 5، ص 519؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 184.

از امام صادق(علیه السلام)روایت شده است:
لا بَأسَ أن یَنظُرَ اِلی وَجهِها معاصمها إذا اَرادَ آن یَتَزَوَّجَها؛ وقتی شخص بخواهد با زنی ازدواج کند، باکی نیست که به چهره و محل دستبندها نگاه کند.4
مفهوم این حدیث آن است که اگر قصد ازدواج در کار نباشد نگاه کردن جایز نیست. چون اولاً نگاه خواستگار با نگاه غیر خواستگار فرق می کند. خواستگار به دیده خریداری نگاه می کند و معمولاً خالی از تلذّذ نیست. بنابراین، فقها می گویند:

4. وسائل الشیعة، ج 0 2، ص 88؛ کافی، ج 5، ص 365.

نگاه خواستگار با علم به این که تلذّذ حاصل می شود مانعی ندارد. البته هدف او باید تحقیق باشد نه تلذّذ، ولی کسی که قصد خواستگاری ندارد، نباید با چشمان خیره و نگاه های خریداری، زن را ورانداز کند و این منافات ندارد که نظر به چهره زن به اندازه ای که لازمه هم صحبتی است جایز باشد. ثانیاً در مورد نگاهی که مقدمه خواستگاری است، چنان که روایات دیگر دلالت دارد و فقها هم فتوا می دهند، جواز نظر اختصاص به چهره و دو دست ندارد بلکه نسبت به مطلق زیبائی های زن نیز جایز است. برای نمونه دو روایت را ذکر می کنیم:
از امامِ صادق(علیه السلام)پرسیده شدَ: الرجُلُ یُریدُ أن یَتَزَوَّجَ المرأةَ اَیَنظُرَ الی شعرِها؟ شخصی می خواهد با زنی ازدواج کند، آیا جایز است به موی او نگاه کند؟ فرمودند: نَعَم، إنَّما یُریدُ أن یَستَرِیها بِاَغلَی الثَّمنِ، آری زیرا به گرانبهاترین قیمت، خریدار اوست. 1
یعنی آن چه انسان در زندگی زناشوئی مایه می گذارد از هر چیز گرانبهاتر است. و در جای دیگر در جواب به این سؤال که: اَیَنظُرُ الر.
جُلُ اِلی المرأةِ یُریدُ تَزویجَها فَیَنظُرَ اِلی شَعرِها وَ محاسِنِها؟ آیا مردی که قصد ازدواج دارد حق دارد به مو و زیبائی های زن مورد نظرش نگاه کند؟ می فرمایند: لا بَأسَ بِذلِکَ إذا لَم یَکُن متَلَذِّذَا، اشکالی ندارد مشروط بر این که مقصودش التذاذ نباشد.1 پس معلوم شد جواز نظر برای خواستگار، اختصاص به چهره و دو دست ندارد.
1. همان، ص 89؛ تهذیب، ج 7، ص 435.

احکام حدود نگاه

قانون کلی: نگاه کردن به هر چیزی یا هر کسی (خودش یا عکسش) به قصد لذّت یا با خوف به فساد افتادن (غیر از همسر) حرام است، اگر چه نگاه به محرم باشد. خواه نگاه به زن یا به مرد یا به حیوان یا به جماد، به عکس، فیلم، مجسمه یا هر چیز دیگر باشد. حتی نگاه کردن به بدن خود در آینه یا هر جای دیگر به قصد شهوت رانی حرام است. (همه)
آیت اللّه خامنه ای: هر نگاهی که باعث تحریک غریزه جنسی بشود مگر بین زن و شوهر حرام است.2
?نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذّت و چه بدون آن حرام است. نگاه کردن به صورت و دست ها اگر به قصد لذّت باشد حرام است ولی اگر بدون قصد لذّت باشد مانعی ندارد (به شرط این که صورت و دست ها زینت نشده باشد). نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می یاشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذّت
2. توضیح المسائل مراجع، م 2433؛ احکام روا بط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 46.

نباشد و به واسطه آن بیم گرفتاری در گناه نباشد اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران وشکم معمولاً می پوشانند نگاه نکند. (همه به جز آیات عظام گلپایگانی، سیستا نی، تبر یزی)
آیت الله گلپایگانی: نگاه کردن به صورت و دست های زن نامحرم، چه با زینت چه بدون زینت، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.
آیت اللّه سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب بهتر است از نگاه به صورت و دست ها پرهیز کرد.
آیت اللّه تبریزی: اگر زینت در صورت و دست ها از قبیل انگشتر ساده و اصلاح صورت و سرمه ای باشد که حتی در پیرزن ها معمول است، پوشاندن آن بر زن واجب نیست و نگاه کردن مرد به آن هم اگر به قصد لذّت نباشد، مانع ندارد.1
? تذکر: فرقی بین نامحرمی که فامیل و دوست است و نامحرم غریبه نیست.
نگاه کردن مرد به کف پا، روی پا، پاشنه پا و ساق پای خانم های نامحرم حتی بدون قصد لذّت جایز نیست و خانم ها باید آن ها را بپوشانند. (همه به جز آیات عطام گلپایگانی، سیستا نی، تبر یزی) 2
1. توضح المسائل مراجع، م 2433؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 42.

2. ا ستفتائات امام قدس سره، ج 3، ص 258؛ توضیح المسائل، آیات عظام، گلپایگانی و
آیت اللّه گلپایگانی: بطور کلی نگاه کردن به بدن نامحرم حرام است و نگاه به صورت و دست ها بنابر احتیاط واجب جایز آیت اللّه سیستانی: اگر زن اهل رعایت حجاب باشد و یا اگر امر به حجاب شود قبول کند، نگاه کردن به این مواضع جایز نیست، و الا اشکال ندارد.
آیت اللّه تبریزی: نگاه کردن مرد به کف پا و روی پا تا قوزک پا، بنا بر احتیاط جایز نیست.
? زن و مرد می توانند به استثنای عورتین به تمام بدن محارم نگاه کنند، مشروط به آن که قصد لذت و ریبه نباشد (به استثنای همسر که مشروط به این شرط نیست) در صورت قصد لذت و ریبه باید از نگاه به بدن محارم اجتناب کرد. بنابر احتیاط مستحب بهتر است که نگاه کردن مردان به محارم خود از زانو تا ناف ترک گردد). (همه به جز آیت اللّه سیستانی)1
آیت اللّه سیستانی: بدون قصد لذّت نگاه به بدن محارم غیر از عورتین اشکال ندارد
? نگاه به نامحرم حرام است اما اگر اتفاقی نگاه انسان به
تبریزی، م 2442، سیستانی، م 2443؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 44 و 45.
1. توضح المسائل مراجع، م 2437؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 40 و 66.

نامحرم بیفتد به شرط این که بلافاصله نگاه را برگرداند که حکم نگاه کردن را پیدا نکند اشکال ندارد. (همه) 1
نگاه مرد به بدن مرد (به جز عورتین) و نگاه زن به بدن زن (بجز عورتین) به شرط آن که به قصد لذّت نباشد جایز است. (همه)2
?مرد می تواند به صورت و دست های زن نامحرمی که کاملاً حجابش را رعایت کرده به شرط این که زینت نشده باشد و نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد نگاه کند. (همه به جز آیات عظام گلپایگانی، سیستانی، تبریزی که درمسئله1 این بخش بیان شد .)3
?اگر زن بداند که مرد با قصد لذت به دست و صورت او
نگاه می کند، اگر چه دست و صورت او زینت نداشته باشد، باید آن ها را نیز بپوشاند. (همه به جز آیت الله بهجت: اگر کمک به حرام باشد پوشاندن، واجب است.)4
?مرد نمی تواند به مواضعی که زنان مسلمان بد حجاب
01 احکام روابط زن و مرد و مسائل ا جتماعی آنان، ص 49 و 50.
2. العروة ا لوثقی، ج 1، فی الستر و الساتر، النکاح، م 28؛ توضیح ا

لمسائل مراجع، م 2438؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 37 و 62.
3. توضیح المسائل مراجع، م 2436 و 2437؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 42.
4. ا لعروة ا لوثقی، ج 1، فی الستر و الساتر، قبل ازم 1؛ مسائل جدید از دیدگاه علما ومراجع، ج 2، ص 81 و 082 احکام روابط زن ومرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 127. نپوشانده اند و یا زینت کرده اند نگاه کند اما نگاه کردن به مواضعی که زنان غیر مسلمان عادتاً نمی پوشانند بدون قصد لذّت اشکال ندارد. (همه به جز آیات عظام اراکی، گلپایگانی، سیستانی)1
آیت اللّه اراکی: نگاه کردن، به مو و سر و صورت زنان اهل کتاب و کفار اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که به غیر این ها نگاه نکند.
آیت اللّه گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که به غیر از صورت و دست او نگاه نکند.
آیت اللّه سیستانی: نگاه کردن به بدن زن های مبتذله که اگر امر به حجاب کنند اعتنا نمی کنند بدون قصد لذّت اشکال ندارد و در این حکم فرقی بین زنان کفار و زنان دیگر نیست و نیز فرقی بین دست و صورت و دیگر جاهای بدن که عادتاً نمی پوشانند نیست.
نگاه کردن زن ها به بدن مرد نامحرم به استثنای صورت و دست هاو مقداری که مردان عادتاً نمی پوشانند حر ام است. (همه به جز آیات عظام بهجت و فاضل)2
آیت اللّه بهجت: بنا بر احتیاط واجب حرام است. نگاه به
1. توضیح المسائل مراجع، م 2433؛ ا حکام روا بط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 43 و 54.
2. توضح المسائل مراجع، م 2433؛ ا حکام روا بط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 67.

قسمت هایی که عادتاً نمی پوشانند، جایز است؛ مگر این که کمک به گناه باشد.
آیت اللّه فاضل: نگاه کردن زن ها به بدن مرد نامحرم به استثنای صورت و دست ها حرام است.
?نگاه کردن به بازو یا سینه یا جایی دیگر از بدن مرد نامحرمی که لباس نامناسب پوشیده (مانند آن که لباس آستین کوتاه و با یقه باز و یا نازک و بدن نما پوشیده باشد) حتی اگر بدون قصد لذّت و ریبه باشد حرام است. (همه به جز آیت الله بهجت).1
آیت اللّه بهجت: بنا بر احتیاط واجب حرام است.
اگر چه بر مرد لازم نیست خود را بپوشاند ولی خانم ها واجب است نگاه

نکنند. (همه).2
? زن می تواند به تمام بدن پسر یا دختر غیر ممیز نگاه کند
ا ما بعد از سن تمیز نباید به عورت آن ها نگاه کند. (همه به جز آیات عظام اراکی، بهجت، تبریزی، گلپایگانی که می فرمایند: نگاه به عورتین بچه ممیز حرام ا ست.)3
در صورتی که انسان شک کند که این شخص از کسانی است که نباید به او نگاه کرد، نباید به او نگاه کند. (همه به جز
1. توضیح المسائل مراجع، م 2433؛ ا حکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 68.
2. همان؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 70.
3. همان؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل ا جتماعی آنان، ص 70 و 71.

آیت الله بهجت: احتیاط در اجتناب است.) 1
1. العروة الوثقی، ج 2، النکاح، م 50؛ احکام روا بط زن ومرد و مسائل ا جتماعی آنان، ص 72.

تا کنون از مفهوم آیات و روایات، عدم جواز نگاه و لمس بدن نامحرم معلوم گردید؟ اما نگاه و لمس قسمتی از بدن بیمار توسط پزشک، جهت معالجه، در حال اضطرار استثناء گردیده است. از امام صادق(علیه السلام) درباره زن مسلمانی که شکستگی یا زخم یا جراحتی در جایی از بدنش به وجود آمده است که مرد نامحرم نباید آن را نگاه کند، سوال شد، امام(علیه السلام) فرمودند: إذا اضطَرَّت الَیه فَیعالجُها إن شاءَت، در حال اضطرار (پزشک مرد) می تواند او را معالجه کند.2 این موارد اضطرار در فتاوای مراجع عظام روشن گردیده است.

جایز نیست خانم ها بدون تحقیق کردن از وجود دکتر زن
به دکتر مرد مراجعه کنند. مگر در صورتی که دکتر زن نتواند مداوا کند و یا مداوا توسط دکتر مرد بدون نگاه و لمس بدن زن امکان پذیر باشد. (همه)3

*دکتر محرم نیست اگر در حال اضطرار مجبور شد به بدن نامحرم نگاه کند باید به همان مقدار اکتفا کند، تا می تواند از

2. کافی، ج 5، ص 534؛ وسائل الشیعة، ج 0 2، ص 233.
3. احکام روابط زن و مرد و مسائل ا جتماعی آنان، ص 113؛ مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج 1، ص 183.

روی لباس معاینه نماید. (همه)1

*آمپول زدن به نامحرم چون مستلزم نگاه و لمس است جایز نیست مگر در حال اضطرار. (همه)2

*گرفتن عکس در رادیولوژی، تزریق یا گرفتن خون و انجام سونوگرافی، اگر مستلزم نگاه به بدن نامحرم و کشف عورت در مقابل دیگران باشد، در حالی که بتواند به متخصص محرم مراجعه کند، توسط نامحرم حرام است. (همه)3

*زایمان و سزارین باید توسط پزشک زن انجام شود، مگر در حال اضطرار. (همه)4

* جلوگیری از حاملگی اگر مستلزم فعل حرامی باشد، جایز نیست. بعضی از روش ها، مستلزم سه فعل حرام است:

الف) نگاه کردن به عورت دیگری در غیر اضطرار.
ب) کشف عورت برای دکتر در غیر اضطرار.
ح) لمس عورت در غیر اضطرار (غیر اضطرار به این دلیل که راه های دیگری وجود دارد). (همه)5

1. توضیح ا لمسائل مراجع، م 2441؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل

اجتماعی آنان، ص 47 و 48.
2. العروة الوئقی، ج 2، النکاح، م 35؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 48.
3. همان؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل ا جتماعی آنان، ص 49.
4. مسائل جدید از دیدگاه علما و مرا جع، سیدّ محسن محمودی، ج 5، ص 87 و 88.
5. العروة الوثقی، ج 1، فی الستر و الساتر، قبل ازم 1؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 64 و 65.

نگاه به عکس وفیلم

* زنان در ورزشگاه هایی که مردان پوشش کافی ندارند برای دیدن مسابقه نمی توانند بروند، اما دیدن فیلم غیرمستقیم مسابقات اگر به قصد ریبه و لذت نباشد و ترس از افتادن در فتنه و فساد نباشد، اشکالی ندا رد. (همه به جز آیات عظام خامنه ای و گلپایگانی)1
آیت اللّه خامنه ای: اگر به صورت مستقیم پخش شود، بنا بر احتیاط واجب نگاه نکنند و اگر به صورت غیر مستقیم و با قصد لذّت و موجب ریبه و فساد باشد، حرام است.
آیت اللّه کلپایگانی: زن ها نمی توانند عمداًبه این گونه فیلم ها نگاه کنند.
* خرید و فروش و نگهداری عکس های مبتذل حرام است و باید آن ها را از بین برد. (همه)2
* زنان می توانند به عکس مردان، نگاه کنند مشروط به آن که به قصد لذّت و ریبه نباشد و موجب فتنه و فساد نشود خواه بشناسند و یا نشناسند، محرم باشد یا نامحرم. (همه به جز آیت الله سیستانی)3
آیت اللّه سیستانی: اگر بیش از معمول برهنه باشد بنا بر
01 احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 84.
2. همان، ص 79.
3. همان، ص 80؛ امام خمینی (ره)، استفتائات، ج 3، س 14، ص 261؛ مسائل جدید از دیدگاه علما ومراجع، ج 1، ص 131 (آیت اللّه خامنه ای).
احتیاط واجب جایز نیست.
*مرد به عکس زنانی که حجاب کامل ندارند اگر آن ها را بشناسد نمی تواند نگاه کند. (همه، ب جزء آیات عظام اراکی، سیستانی، گلپایگانی و مکارم)1
آیت اللّه اراکی: اگر به قصد لذّت نباشد مانعی ندارد.
آیت اللّه سیستانی: در صورتی که از زنان مبتذله نباشد، بنا بر احتیاط واجب نباید نگاه کند.
آیت اللّه کلپایگانی: در صورتی که او را می شناسد، بنا بر احتیاط واجب و اگر او را نمی شناسد، بنا بر احتیاط مستحب، نباید نگاه کند.
آیت اللّه مکارم: اگر زن مقید به حفظ حجاب است، نگاه کردن اشکال دارد.
نگاه کردن به تصویر زن نامحرم، حکم نگاه کردن به خود زن نامحرم را ندارد، بنابراین اگر نگاه از روی لذّت نبوده و خوف افتادن به گناه نباشد و تصویر هم متعلّق به زن مسلمانی که بیننده آن را می شناسد نباشد، اشکال ندارد و بنابر احتیاط واجب نباید به تصویر زن نامحرم که بطور

مستقیم از تلویزیون پخش می شود، نگاه کرد ولی در پخش غیرمستقیم تلویزیونی اگر ریبه و خوف افتادن به گناه نباشد، نگاه کردن اشکال ندارد. (آیت الله خا منه ای)
1. توضیح المسائل مرا جع، م 2439؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 75 و 76.
آیات عظام ا راکی، فاضل، گلپایگانی، مکارم می فرمایند:
فیلم اعم از مستقیم یا غیر مستقیم حکم عکس را دارد.
آیت اللّه بهجت: دیدن نامحرم و شنیدن صدای او از طریق تلویزیون اگر همراه با فساد و ریبه باشد، اشکال دارد. 1
*دیدن زنان غیر مسلمان در تلویزیون و یا فیلم، اگر با قصد لذّت و یا ترس از وقوع در مفسده نباشد، اشکال ندارد. (همه)2
* عکس برداشتن مرد از زنان نامحرم حرام نیست، به شرط آن که همراه با نگاه به نامحرم و لمس بدن او نباشد. (همه)3
1. اجوبة الاستفتائات، س 183 1؛ احکام بانوان، س 42، ص 32؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 82.
2. احکام روابط زن و مرد و مسائل ا جتماعی آنان، ص 85.
3. توضیح المسائل مراجع، م 2439.

نوع پوشش

آیات 59 و 60 سوره احزاب علاوه بر معرفی نوعی پوشش مناسب برای زنان، فلسفه وجوب آن را نیز بیان می نماید، ضمن این که اشدّ مجازات مزاحمین را تعیین می فرماید.4
(یایها اَلنبی قُل لِّأَزوِ جِکَ وَبَنَاتِکَ ونِسَآءِ المُؤمِنینَ یُدنِینَ
عَلَهِنَّ مِن جَلَبیبِهِنَّ ذَالِکَ أدنئ أن یُعرَفنَ فَلَا یُؤذَین وَکَانَ آللَّهُ غَفُورًا رحِیمًا)
ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب ها (روسری های بلند) خود را به خویش نزدیک
4. تفسیر نمونه، ج 17، ص 428؛ تفسیر نور، ج 9، ص 399؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج 16، ص 6 50؛ مسئله حجاب، مرتضی مطهری، ص 178 و 177 و 175. کنند، این کار برای ا ین که (از کنیزان و آلودگان) تشخیص داده شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آن ها سر زده) خدا وند همواره غفور و رحیم است.
(لَّئِن لَّم یَنتَهِ المُنَفِقُونَ والَّذِینَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَ ضٌ المُرجِفُونَ فِی المَدِینَةِ لَنُغرِیَنَّکَ بِهِم ثُمَّ لَایُجَاوِرُونَک فِیهَآ إِلَّا قَلِیلا)
اگر منافقین و آن ها که در دل هایشان بیماری است، و (همچنین) آن ها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست ا ز کار خود بر ندارند تو را بر ضد آنان می شورانیم سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند.
در تفسیر علی بن ابراهیم در شان نزول آیه نخست چنین آمده است: آن ایام زنان مسلمان به مسجد می رفتند و پشت سر پیامبر نماز می گزاردند، هنگام شب موقعی که برای نماز مغرب و عشا می رفتند بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آن ها می نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آن ها را آزار می دادند و مزاحم آنان می شدند، آیه فوق نازل شد و به آن ها دستور داد حجاب خود را بطور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه برای مزاحمت پیدا نکند.
در این آیه نخست به زنان با ایمان دستور داده می شود که هرگونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده جویان بگیرند، سپس با شدیدترین تهدیدی- که در آیات قرآن کم نظیر است
- منافقان و مزاحمان و شایعه پراکنان را مورد حمله قرار می دهد. این که منظور از جِلباب چیست، مقسران و ارباب لغت چند معنی برای آن ذکر کرده اند:
1. ملحفه (چادر) و پارچه بزرگی که از روسری بلندتر است
و سر و گردن و سینه ها را می پوشاند. 2. مقنعه و خمار (روسری).3.

پیراهن گشا د. 1
گرچه این معانی با هم متقاوتند ولی قدر مشتر ک همه آن ها این است که بدن به وسیله آن پوشانده شود. اما آن چه صحیح تر به نظر می رسد این است که در اصل لغت، کلمه جلباب شامل هر جامه وسیع می شده است، ولی غالباً در مورد روسری هایی که از چارقد بلندتر و از رِداع (عبا یا چادر) کوتاه تر بوده به کار می رفته است. ضمناً معلوم می شود دو نوع روسری برای زنان معمول بوده است: یک نوع روسری های کوچک که آن ها را خمار یا مقنعه می نامیده اند و معمولاً در داخل خانه از آن ها استفاده می کرده اند. نوع دیگر روسری های بزرگ که مخصوص خارج منزل بوده است.
منظور از یُدنِین (نزدیک کنند) این است که زنان جلباب
را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آن ها را محَفوظ دارد، نه این که آن را آزاد بگذارند به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد، و به تعبیر دیگر، لباس خود را
1. لسان العرب، مجمع البحرین، مفردات راغب، بحرالمحیط و تاج العروس.

جمع و جور کنند. البته معنی لغوی نزدیک ساختن چیزی، پوشانیدن با آن نیست بلکه وقتی که به زن بگویند جامه ات را به خود نزدیک کن مقصود این است که آن را رها نکن، آن را جمع و جور کن، آن را بی أثر و بی خاصیت رها نکن و خود را با آن بپوشان. استفاده زنان از روپوش های بزرگ که بر سر می افکنده اند دو جور بوده است: یک نوع صرفاً جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است هم چنان که امروزه بعضی بانوان چادری را می بینیم که چادر داشتن آن ها صرفاً جنبه تشریفاتی دارد. با چادر هیچ جای بدن خود را نمی پوشانند، آن را رها می کنند. وضع چادر سرکردنشان نشان می دهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از این که مورد بهره برداری چشم ها قرا ر بگیرند إبا و امتناعی ندارند. نوع دیگر برعکس بوده و هست، زن چنان با مراقبت جامه های خود را به خود می گیرد و آن را رها نمی کند که نشان می دهد اهل عفاف و حفاظ است. با این عمل خودبخود دورباشی ایجاد می کند و ناپاک دلان را مایوس
می سا زد.
احتمال دیگری که در معنای این جمله داده شده این است که وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، جرأت نمی کنند متعرّض آن ها شوند بنا به این احتمال معنی جمله این است که بدین وسیله شناخته می شوند که زنان نجیب و عفیف می باشند. و بیماردلان از این که به آن ها طمع ببندند چشم

می پوشند زیرا معلوم می شود این جا حریم عفاف است، چشم طمع کور، و دست خیانت کوتاه است.
به طور کلی مطلبی که از این آیه استفاده می شود و یک حقیقت جاودانی است این است که زن مسلمان باید آن چنان در میان مردم رفت و آمد کند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شود، و در این صورت است که بیماردلانی که دنبال شکار می گردند از آن ها مایوس شده و فکر بهره گیری از آن ها در مخیله شان خطور نمی کند. می بینیم که جوانان ولگرد همیشه متعرّض زنان جلف و سبک می گردند. وقتی که به آن ها اعتراض می شود که چرا مزاحم می شوی؟ می گویند اگر دلش این چیزها را نخواهد با این وضع بیرون نمی آید. این دستور مانند دستوری است که در بیست و پنج آیه قبل از این آیه خطاب به زنان رسول خدا وارد شده است: (فَلا تخضَعنَ بِالقَولِ فَیَطمَعَ اَلَّذِی فِی قَلبِه مَرضٌ)؛ در سخن گفتن رقت زنانه و شهوت آلود که موجب تحریک طمع بیمار دلان می گردد به کار نبرید. در این دستور، وقار و عفاف در کیفیت سخن گفتن و در آیه مورد بحث، دستور وفار در رفت و آمد را بیان می کند. قبلاً گفتیم که حرکات و سکنات انسان گاهی زبان دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن، سخن گفتن زن معنی دار است و به زبان بی زبانی می گوید دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن. گاهی برعکس با بی زبانی می گوید دست تعرّض از این حریم کوتاه است.
به هر حال این آیه در مقام بیان کیفیت خاصی برای پوشش نیست. کیفیت پوشش فقط در آیه31 سوره نور بیان شده است و با توجه به این که این آیه بعد از آیه سوره نور نازل شده است می توان فهمید که منظور از (یُدنِینَ عَلَیهنَّ مِن جَلَبیبِهِنَّ) این است که دستور قبلی سوره نور را باید کاملاً رعایت نمایند تا از شر آزار مزاحمان راحت گردند. در آیه قبل از این آیه می فرماید: (وا لَّذِینَ یُؤذُونَ اَلمُؤمِنِینَ والمُؤمِنَتِ بِغَیرِ مَا اَکتَسَبُواْ فَقَدِ احتَمَلُواْ بُهتنا وَاِثمًا مُّبِینًا) آنان که بدون جهت مردان و زنان با ایمان را آزار می رسانند بهتان و گناه بزرگی مرتکب می گردند. این آیه رسماً به کسانی که مردان و زنان مسلمان را آزار می رسانند، پرخاش می کند. بلافاصله به زنان دستور می دهد که در رفتار خود وقار و سنگینی را کاملاً رعایت کنند تا از آزار افراد مزاحم مصونیت پیدا کنند.
از لحن آیه چنین استفاده می شود که سه گروه در مدینه مشغول خرابکاری بودند، هر کدام به نوی اغراض شوم خود را پیاده می کردند، و این به صورت یک برنامه و جریان درآمده بود و جنبه شخصی و فردی نداشت. نخست منافقین بودند که با توطئه های ضد اسلامی برای براندازی اسلام می کوشیدند. دوم اراذل و اوباش که قرآن از آن ها تعبیر به: (اَلَّذِین فِی قُلُوبِهم مرَ ضٌ) (بیماردلان) کرده است. گروه سوم کسانی

بودند که با پخش شَایعات در مدینه مخصوصاَ به هنگامی که پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ارتش اسلام به غزوات می رفتند به تضعیف روحیه بازماندگان می پرداختند و خبرهای دروغین از شکست پیامبر(صلی الله علیه و آله)و مؤمنین می دادند و قرآن هر سه گروه را مورد تهدید شدید قرار داده است.
نکته ای که در این جا قابل تامل است این است که افرادی که در کوچه ها و خیابان ها مزاحم زنان می گردند، ا ز نظر قانون اسلام مستحق مجازات سخت و شدیدی می باشند. تنها دستگیری و تراشیدن سر آن ها کافی نیست. بسیار سخت تر باید مجازات شوند. حداقل آن چه از این آیه فهمیده می شود، تبعید آن ها از جامعه پاک اسلامی ا ست. جامعه، هراندازه برای عفاف و پاکی احترام بیشتری قائل باشد برای خائنان مجازات شدیدتری قائل می شود.
پیام های:
1- نوع لباس مردم در جامعه، معرِّف شخصیّت، مکتب و هدف آن ها می باشد؛
2- زنان باید لباسی بپوشند که معرّف شخصیّت و تامین کننده عفّت و آبروی آنان باشد؛
3- با پوشش نامناسب نباید بهانه به دست بیماردلان و مزاحمان عفّت عمومی داد؛
4- عامل اصلی بسیاری از مزاحمت ها برای زنان و دختران، نوع پوشش آن هاست؛
5- رفت و آمد زنان در خارج از منزل، با حفظ عفّت عمومی مانعی ندارد؛
6- حقظ عفاف عمومی و امنیت در اجتماع به عهده زنان با ایمان است،
7- نافرمانی های گذشته و استفاده از پوشش های نامناسب پس از توبه مورد بخشش و رحمت الهی قرار خواهد گرفت؛
8ـ مزاحمین نوامیس باید از جانب حکومت اسلامی با شدت مجازات گردند.
نوع پوشش در روایات
رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند:
صِنفانِ من اهلِ النّارِ لَم أرَهُما؛ دو گروه از دوزخیان را هنوز ندیده ام، قَوم معَهُم سِیاطٌ کَأذنابِ البقَرِ یَضرِبونَ بِها النّاسَ، گروهی که با تازیانه هایی که با خود دارند مردم را می زنند، وَ نساءٌ کاسِیاتٌ عاریاتٌ، مائِلاتٌ مَیلات، رووسُهنَّ کَأسنَمةِ البَختِ المَائلَة لا تَدخُلَن الجنّةَ، و لا تَجدَنَّ ریحَها وَ إنَّ ریحَها لَیُوجَدَ من مسیرَة کَذاَ و کذا.: و (گروه دیگر) زنانی که درعین پوشیدگی برهنه اند (لباس نازک وبدن نما به تن دارند)؛ کج روی می کنند و دیگران را به بیراهه می کشند؛

موهایشان را مانند کوهان شتر می بندند، اینان به بهشت نمی روند و بوی بهشت را که از فاصله دور به مشام می رسد؛ استشمام نمی کنند. ؛امیر مومنان (علیه السلام)نیز درباره اوضاع زنان در آخرالزمان چنین فر مو د ند:
يَظهَرُ فِی آخِرِ الزَّمانِ وَ اقْتِرَاب السَّاعَة وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمنَة نسْوةٌ كَاشفَاتٌ عَارِيَاتٌ متَبَرِّجَاتٌ منَ الدِّين دَاخلَاتٌ فِی الْفتَنِ مائِلَاتٌ إلَی الشَّهَوَاتِ مسْرِعَات إلَی اللَّذَّاتِ مَسْتَحَلَّات لِلْمحَرَّ ماتِ فِی جَهَنَّم خَالدَات؛ در آخرالزمان که بدترین زمان ها است، زنانی پیدا می شوند که در عین پوشیدگی برهنه اند و خودنمایی می کنند؛ از دین خارج و در فتنه ها داخل شد ه اند و به شهوات متمایل و به سوی لذّات شتابانند، حرام های خدا را حلال می شمارند و در جهنم جاودانه اند.
و نیز ایشان می فرمایند:
عَلَیکم بالصَّفیق منَ الثیاب فَإنَّ من رَقَّ ثَوبُهُ رَقَّ دینَهُ؛
از لباس نازکَ برحذر باشید، زیرا کسی که لباسش، نازک شد، دینش نیز ضعیف می شود.2
امام صادق(علیه السلام)فرمودند:
لَایَصْلُحُ لِلْمراة الْمسْلِمةِ أنْ تَلْبَسَ منَ الْخُمرِ وَ الدُّرُوعِ ما لَا یُوَارِی شَیْئاَ:
برای زن مسلمان مصلحت نیست که لباس و روسریش به
1. میزان الحکمه، ویرایش سوم، ج 2، ص 994؛ پیام پیامبر، ص 422.
2. وسائل ا لشیعة، ج 5، ص 29. بحا را لانوار، ج 76، ص 299.
گونه ای باشد که او را نپوشاند 1
و دیگر این که:
لا ینبَغی للمراة أن تَجمرَ ثَوبُها إذا خَرَجَت من بَیتها؛
سزاوار نیست که زن هنگام خروج از منزل لباسش را جمع و فشرده (به گونه ای که برجستگی های بدنش پیدا باشد) و یامعطرکند.2
امیرمؤمنان(علیه السلام) فرمودند:
كُنْتُ قَاعداً فِی البقِیعِ مِعَ رَسُول اللَهِ(صلی الله علیه و آله)فِی یَوْم دَجْن وَ مطَر اِذْ مرَّت امراةَ عَلَی حِمارٍ ، در یک روز بارانی در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله)در بقیع نشسته بودیم که زنی سوار بر مرکب از آن جا عبور کرد. فَهَوَتْ یَدُ الْحمارِ دی وَهْدَة فَسقَطَتِ الْمراة فَاعْرَضَ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و آله)بِوَجْهِهِ، پای حیوان لغزیَّد و زن به زمین افتاد؟ پیامبر(صلی الله علیه و آله) از این صحنه روی برگرداند؟ قَالُوا یَا رَسُولَ الله إنَّهَا متَسَرْوِلَه، اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا، آن زن شلوار پوشیده است، قَالَ اللَّهُم اغْفِرْ لِلْمتَسَرْوِلَاتِ ثَلَاثاً، ایشان سه بار فرمودند: خداوندا زنانی که شلوار می پوشند را مورد مغفرت قرار بده؛ سپس فرمودند:

يَا أَيهَا النَّاسُ اتَّخِذُوا السَّرَاوِيلَاتِ فَإِنَّهَا منْ اَ سْتَرِ ثِيَابِكُم وَ حَصّنُوا بِهَا نِسَاءَكُم إِذَا خَرَجْنَ؛
1. همان، ج 4، ص 388؛ کافی، ج 3، ص396.
2. کافی، ج 5، ص 519؛ من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 440؛ وسائل الشیعة، ج20،
ص161. ای مردم شلوار بپوشید؛ زیرا پوشاننده ترین لباس های شماست و زنان شما را هنگام خروج از منزل حفظ می نماید.1
1. مستدرک الوسائل، ج 3، ص 244.

لباس شهرت

امام حسین (علیه السلام) می فرمایند
"من لَبسَ ثَوباَ یسهُرُهُ کساهُ اللّهُ یوم القِیامةِ ثَوباً منَ النّارِ"؛
هر کس لباسی بپوشد که او را انگشت نما نماید، خداوند در قیامت لباسی از آتش به او می پوشاند.2
امام صادق (علیه السلام) نیز در این باره فرمودند
کفی بِالمرء خزیا أن یلبسَ ثَوبا یشهُرُهُ اَو یرکبَ دابَّة تشهُرُهُ؛
برا ی رسوایی و خواری فرد همین بس که لباسی بپوشد یا مرکبی سوار شود که او را انگشت نما کند.3
2. وسائل الشیعه، ج 5، ص 24؛ کافی، ج6، ص 445.
3. همان؛ کافی، ج 6، ص 445.

امام صادق (علیه السلام)نقل می کنند که:
كَانَ رَسُولُ اللَهِ (صلی الله علیه و آله)يَزْجُرُ الرَّ جُلَ أَنْ يَتَشَبَّهَ بِالنَسَاءِ وَيَنْهَى الْمراةَ أَنْ تَتَشَبَّهَ بالرِّجَالِ فِی لبَاسِهَا؛4
رسول خدا(صلی الله علَیه و آله)مردا ن را از این که خود را به زنان شبیه
1. مستدرک الوسائل، ج 3، ص 244.
2. مکارم الاخلاق، ص 118؛ وسائل ا لشیعه، ج 5، ص 25. نمایند، منع می فرمود و زنان را نیزا ز پوشیدن لباس شبیه مردان نهی می نمود و می فرمود:
لَعَنَ اللَّه الرّجُلَ يَلبِسُ لُبسَةَ المرأةِ وَ المرأةَ تَلبسُ لُبسَةَ الرجلِ؛
مردی که چون زنان لباس بپوشد و زنی که چون مردان
لباس بپوشد، مورد لعنت خدا واقع می گردد. 1
احکام نوع پوشش
لباس هایی که پوشیدن آن ها بر زن و مرد حرام است
*پوشیدن لباس شهرت چه برای مرد چه زن بنابه احتیاط واجب جایز نیست. (همه به استثنای آیات عظام گلپایگانی و بهجت که حرام می دانند). ولی نماز خواندن با آن اشکال ندارد.2 تذکر: لباس شهرت، لباسی است که به لحاظ رنگ، جنس، دوخت و طرح آن برای کسی که آن را می پوشد معمول نیست و موجب جلب توجه نامحرمان می گردد. یادآور می شود هر چیزی که مصداق پوشش باشد مثل کفش، کلاه، پیراهن، دامن، روسری، مقنعه، جوراب، شلوار و... این حکم، شاملش می گر د د.
* احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس
1. نهج الفصاحة، ص 628.
2. توضیح المسائل مراجع، م 845 و اجوبة الاستفتائات، س 1361؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 133 و 134. مردانه نپوشد ولی نماز خواندن با آن اشکال ندارد. (همه به جز آیات عظام خامنه ای و بهجت) 1
آیت الله خامنه ای: اگر آن را به عنوان لباس انتخاب نکرده باشند اشکال ندارد. پوشش اعم از این که دیده شود یا دیده نشود و فرقی بین اجتماع و خلوت نیست.
آیت الله بهجت: حرام است.
پوشیدن لباس های مختص کفار حرام است. (همه به جز
آیت اللّه بهجت)2
آیت الله بهجت: خلاف احتیاط است.

آیت الله خامنه ای: به طور کلی پوشیدن کراوات و یا دیگر لباس هایی که پوشش و لباس غیر مسلمان محسوب می شود بطوری که پوشیدن آن ها منجر به ترویج فرهنگ منحط مهاجم شود جایز نیست.3

1. توضیح المسائل مراجع، م 846.
2. احکام روابط زن و مرد و مسائل ا جتماعی آنان، ص 145.
3. مسائل جدید از دیدگاه مراجع، ص 85 و 86؛ احکام روابط زن و مرد و مسانل اجتماعی آنان، ص 146.

پوشیدن لباس های نازک، تنگ و رنگی

جوراب های نازک که پوست پا از پشت آن نمایان باشد حکم پوشش ندارند و خانم ها باید از پوشیدن این گونه جوراب ها در مقابل نامحرم اجتناب کنند. بلکه باید از
1. توضیح المسائل مراجع، م 846.
2. احکام روابط زن و مرد و مسائل ا جتماعی آنان، ص 145.
3. مسائل جدید از دیدگاه مراجع، ص 85 و 86؛ احکام روابط زن و مرد و مسانل اجتماعی آنان، ص 146.

?145

جوراب هایی استفاده کنند که بدن نما نباشد. (همه)1
?پوشیدن لباس در رنگ های زننده و جلب توجه کننده در محیط هایی که نامحرم هست با فرض مهیّج بودن حرام است. (همه به جز آیات عظام بهجت، تبریزی، فاضل، گلپایگانی)2 آیت اللّه بهجت: اگرچه منعی ندارد، ولی مسلمان در لباس
هم باید وقار داشته باشد.
آیت الله تبریری: اگر لباس زن زینت باشد واجب است مانند بدن پوشانده شود.
آیت الله فاضل: اگر موجب فساد وگناه می شود جایز نیست
آیت الله گلپایگانی: با فرض مهیج بودن و معرضیت داشتن برای فساد حرام است.
?پوشیدن لباس های تنگ که حجم و برآمدگی های بدن
زن را مشخص می کند یا لباس های محرک در مهمانی ها اگر از نگاه نامحرم به دور باشد و ایجاد مفسده ای نکند، اشکالی ندارد در غیر این صورت جایز نیست. (همه)3
?پوشیدن هرگونه لباسی که عرفاً مهیّج باشد و جلب توجه
01 احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 114؛ مسائل جدید از دیدگاه مراجع، ج 1، ص 31 و 32.
2. احکام روا بط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 115.
3. مسائل جدید از دیدگاه مرا جع، ج 4، ص 83 و 84؛ استفتائات واحد پاسخ گویی به سؤالات جامعه الزهراءعلیهاالسلام.

نامحرمان کند حرام است چه برای زن چه مرد. بدیهی است لباس باید از نظر عرف مهیّج نباشد نظر یک یا چند نفر ملاک نیست. (همه)1
?در این صورت برخی دستکش های توری، چادر یا روسری توری و نازک، آویختن چیزهایی مانند گل، گل سینه یا زری دوزی به روسری، چادر و مانتو، گذاشتن دکمه در محل های خاصی از لباس، باز گذاشتن دکمه هایی از لباس اگر چه زیر آن پوشش باشد اگر مهیّج باشند حرام است.2
? اگر شوهر، همسرش را مجبور کند که بدون پوشش اسلامی در جلوی میهمانان نامحرم حاضر شود، زن می تواند در این موارد از دستور شوهر سرپیچی کند و اگر ماندن او در خانه شوهر با مشقت فراوان همراه باشد، می تواند از منزل او بیرون برود و جای دیگری زندگی کند. (همه) 3
01 احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 142.
2. احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 143.
3. امام خمینی قدس سره، استفتائات، ج 3، احکام طلاق، س 25 آیت اللّه مکارم، استفتائات، ج 2، س 1146 ؛ جامع الاحکام، ج 2، س 1450.

گفتکو با نامحرم در روایات

امام صادق(علیه السلام)فرمودند:
کانَ رَسولُ اللّهِ(صلی الله علیه و آله)یسَلّم عَلی النِّساء وَ یردُدنَ؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله)به زن ها سلام می کردند و زن ها هم جواب سلام ایشان را می دادند، وَ کانَ اَمیرُ المؤمنینَ (علیه السلام)یسَلِّم عَلی النِّساء وَ کانَ یکرَهُ أن یسَلم عَلی الشابَّة منهُنَّ، امیرمومنان نیز به زن ها سلام می کردند، ولی ا ز سلام کردن به زن های جوان کراهت داشتند و می فرمودند: اتَخَوَّفُ أن یعجبَنی صَوتُها فَیدخُلَ عَلی اَکثَرُ مما اَطلُبُ من الاجرِ، از این می ترسم که از صدایش خوشم بیاید و ضرر این سلام بیشتر از ثواب آن بشود..1
اابصیر می گوید:
کُنْتُ أُقْرِئُ امراةَ کنْتُ أعَلِّمهَا الْقُرآنَ؛ به زنی قرآن آموزش می دادم، فَمازَحْتُهَا بِشَیْء، با او مزاح و شوخی کردم فَقَدِمتُ عَلَی ابی جَعْفر(علیه السلام) سپس نزد امام باقر(علیه السلام)رفتم. فَقَالَ لِی أیَّ شَیْء قُلْتَ لِلْمراة، آن حضرت به من فرمودند: به آن زن چه گفتی؟ فَغَطَیْتُ وَجْهِی، شرمگین شدم و صورتم را پوشاندم، فَقَالَ لَا تعُودَنَّ إِلَیْهَا، ایشان فرمودند: به سوی او باز نگرد!2
احکام گفتگو با نامحرم
شنیدن صدای زن در صورتی که تلذّذ و ریبه در کار نباشد جایز است. مرحوم آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی درالعرؤه الؤثقی باب نکاح فصل اوّل مسئله39 می فرماید: شنیدن صدای زن در صورتی که همراه با تلذّذ و ریبه نباشد
1. بحار الانوا ر، ج 0 4، ص 335؛ کافی، ج 2، ص 648.
2. بحارا لانوا ر، ج 46، ص 258؛ وسائل ا لشیعه، ج 0 2، ص 198. جایز است، ولی در عین حال مادامی که ضرورتی نیست، ترک آن بهتر است. و بر زن حرام است که بخواهد صدای خود را نازک کند و نیکو سازد به طوری که تحریک آمیز باشد، چنان که خدای متعال در قرآن خطاب به زنان پیغمبر اکرم می فرماید: در حرف زدن صدا را نازک و مهیّج نکنید که موجب طمع بیماردلان گردد.
مسئله جواز استماع صدای زن، جزء مسلّمات است و دلیل آن سیره قطعی بین مسلمین و ضروری بودن و مخصوصاً سیره قطعی تاریخی رسول خدا(صلی الله علیه و آله)و ائمه اطهار(علیه السلام) است. علاوه بر این، مفهوم آیه مذکور این است که حرف زدنی که در آن کرشمه و ناز به کار نرود جایز است. یعنی خود این آیه دلیل بر جواز هم سخن شدن زن

و مرد اجنبی است.1
*مردها با دو شرط می توانند با نامحرم صحبت کنند:
الف) به قصد لذّت و ریبه نباشد.
ب) با این صحبت کردن به گناه آلوده نشوند. (همه)2
صحبت کردن با نامحرم به غیر ضرورت مکروه است، خصوصاًا گر مخاطب جوا ن باشد. (همه) 3
*اگر مردی بداند با صحبت با نامحرم به گناه می افتد نباید با او صحبت کند خواه زن به گونه ای صحبت کند که مرد را به

1. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص 258.
2. احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص 151.
3. همان

گناه بیندازد یا درباره مطلبی صحبت کند که مرد به گناه بیفتد. (همه)1
* صحبت کردن با هر کسی درباره هر چیزی از روی شهوت و لذّت جایز نیست (مگر با همسر). (همه)2
*خانم ها با سه شرط می توانند با نامحرم صحبت کنند:
الف) به قصد لذّت و ریبه نباشد.
ب) صدای خود را ترقیق و تلطیف نکند. (نازک کردن صدا یا با ناز و غمزه حرف زدن)
ج) بیم افتادن در فتنه و فساد برای دو طرف صحبت نباشد. (همه)3
* خانم ها نباید در هنگام صحبت کردن با نامحرم صدای خود را رقیق و نازک کنند به گونه ای که اگر در دل مخاطب مرضی باشد او را به خود جلب کند، اگر چه در مورد مطالبی عادی صحبت کنند. (همه) 4
*دوستی زن و مرد نامحرم (همراه با قصد لذّت و شهوت) جایز نیست. (همه)5
*قرآن خواندن خانم ها در مقابل نامحرم اگر موجب

1. همان، ص 152.
2. همان، ص 154.
3. همان، ص 155.
4. همان، ص 157 و 158.
5. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج 5، ص 53 و 54.

تحریک و مفسده باشد جایز نیست. (همه به استثنای آیات عظام گلپایگانی و بهجت)
آیت اللّه بهجت: اگر موجب فساد است مجاز نیست، بلکه غالباً خواندن زن در حضور مرد و استماع آن موجب فساد است پس جایز نیست.

آیت اللّه گلپایگانی: بانوان و دختران نزد نامحرم قرآن را با صدا نخوانند و همچنین با صدا خواندن مرد چنان چه موجب تلذّذ بانوان باشد، اشکال دارد.
1
آیات عظام خامنه ای و فاضل: هم خوانی زنان و هم چنین شنیدن آن در صورتی که به قصد لذّت و ریبه نباشد مانعی ندارد.
آیت اللّه بهجت: حکم هم خوانی زنان مانند قرآن خواندن آن ها می باشد.
آیت الله سیستانی: چنان چه بیم واقع شدن در حرام باشد، یا نوعاً محرک باشد، جایز نیست.2
آیات عظام بهجت و خامنه ای: تک خوانی زن اگر موجب فساداست مجاز نیست، بلکه غالباً خواندن زن در حضور مرد و استماع آن موجب فساد است پس جایز نیست.
آیت اللّه فاضل: تک خوانی زن جایز نیست.3
1. احکام روابط زن و مرد و مسائل ا جتماعی آنان، ص 159.
2. همان، ص 158.
3. همان.

*گوش دادن به اخباری که گوینده آن زنان هستند، اگر بدون لذت و ریبه باشد اشکال ندارد. (همه) 1
1. همان، ص 86.

آیات 58 و 59 سوره نورآداب ورود به جایگا ه خصوصی پدر و مادر و همسران را بیان می نماید.2
(یاَیُّهَا الَّذِین ءا مَنُواْ لِیَستَئذ نکُمُ الَّذِینَ مَلکَت أیمنُکُم واَ لَّذِینَ لَم یَتلُغُواْ اَلحلُمَ مِنکُم ثَلثَ مَرَّتٍ مِّن قَبلِ صَلَوةِ اَلفَجرِ وحِینَ تَضَعُونَ ثِیَابَکُم مِّنَ اَلظهِیرَةِ ومِن بَعدِ صَلَوةِ العِشَآءِح ثَلثُ عَورَتٍ لَّکُم لَیسَ عَلَیکُم ولَا عَلَیهِم جُنَاحُ بَعدَهُنَّ طَوَّافونَ عَلَیکُم بَعضُکُم عَلیَ بَعضٍ کَذَالِکَ یُبَیِّنُ ا للَّهُ لَکُمُ الآیت واللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ)؛
ای کسانی که ایمان آورده اید باید بردگان شما و هم چنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسید ه اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر، و در نیمروز هنگامی که لباس های (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشا، این سه وقت خصوصی برای شمال ست، اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آن ها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر طواف کنید (با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید) این گونه خداوند آیات را برای
2. تفسیر نمونه، ج 14، ص 538؛ تفسیر نور، ج 8، ص 9 0 2؛ ترجمه، تفسیرالمیزان، ج 15، ص 225. شما تبیین می کند و خداوند عالم و حکیم است.
(وَاذَابَلَغَ الاَطفلُ مِنکُمُ آلحُلُمَ فَلیَستَئذنُواْ کَمَا اَستَئذنَ الَّذِینَ مِن قَتلِهِم کَذَالِکَ یُبَیِّنُ اَللَّهُ لَکُم ءَایتِه واللَّهُ عَلِیمٌ حَکیمٌ)؛
و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آن ها بودند اجازه می گرفتند، این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می کند و خدا عالم و حکیم است.
این آیات نیز به یکی از اموری که با مسئله عفّت عمومی و مبارزه با هرگونه آلودگی جنسی ارتباط دارد پرداخته و خصوصیات آن را تشریح می کند و آن مسئله اجازه گرفتن کودکان بالغ و نابالغ به هنگام ورود به اتاق هایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند.
بدیهی است این دستور متوجه اولیای اطفال است که آن ها را وادار به انجام این برنامه کنند، چرا که آن ها هنوز به حد بلوغ نرسیده اند تا مشمول تکالیف الهی باشند، و به همین دلیل مخاطب در این جا اولیا هستند.
این یک نوع ادب اسلامی است، هر چند متاسفانه امروز کمتر رعایت می شود و با این که قرآن صریحاً آن را در آیات فوق بیان کرده است، در

نوشته ها و سخنرانی ها و بیان احکام نیز کمتر دیده می شود که پیرامون این حکم اسلامی و فلسفه آن بحث شود، اگر چه ظاهر آیه وجوب رعایت این حکم است حتی اگر فرضاً آن را مستحب بدانیم به دلیل اهمیتی که این موضوع در ساختار اخلاقی فرزندان دارد، باید از آن سخن گفته شود، و جزئیات آن مورد بحث قرار گیرد.
بر خلاف آن چه بعضی از ساد ه اندیشان فکر می کنند که کودکان سر از این مسائل در نمی آورند و خدمتکاران نیز در این امور دقّت نمی کنند؛ ثابت شده است که کودکان روی این مسئله فوق العاده حساسیت دارند، و گاه می شود سهل انگاری پدران و مادران و برخورد کودکان به منظره هایی که نمی بایست آن را ببینند سرچشمه انحرافات اخلاقی و گاه بیماری های روانی شده است. متاسفانه قربانیان این بی توجهی کم هم نیستند.
این جا است که ارزش و عظمت این حکم اسلامی آشکار می شود که مسائلی را که روانشناسان امروز به آن رسیده اند از چهارده قرن پیش در احکام خود پیش بینی کرده است.
در همین جا به پدران و مادران توصیه می شود که این مسائل را جدّی بگیرند و فرزندان خود را به گرفتن اجازه ورود عادت بدهند، و هم چنین از کارهای دیگری که سبب تحریک فرزندان می گردد از جمله خوابیدن زن و مرد در اتاقی که بچه های ممیز می خوابند تا آن جا که امکان دارد پرهیز کنند، و بدانند این امور از نظر تربیتی فوق العاده در سرنوشت آن ها مؤثر است.
پیام ها:
1- مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند؛
2- محل خواب والدین باید جدا و دور از چشم فرزندان باشد،
3- کودکی و بردگی بهانه ای برای شکست حریم دیگران نیست؛
4- مرد باید در طول شبانه روز، ساعاتی را به همسر خود اختصاص دهد و فرزندان مزاحم نشوند؛
6- اسلام دین زندگی است و از جامعیّت کاملی برخوردار است. برای مسائلی مانند ورود کودک به اتاق والدین نیز طرح و برنامه دارد؛
7- کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند؛
8ـ تربیت و آموختن آداب اسلامی باید قبل از بلوغ کودکان آغاز شود؛
9- پوشش زن و مرد در حضور فرزندان و در خلوت باید متفاوت باشد؛
10- دستوراتی که خداوند برای حفظ عفت صادر کرده، آگاهانه و حکیمانه است؛
11- نوجوانان از اعمال و رفتار بزرگان و اطرافیان، الگو می گیر ند.

حکم رعایت عفّت

* رعایت مسائل عفّت در مورد بچه ها توسط پدر و مادر لازم است. (همه) [1]

1. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج 2، ص 32.

آیه60 سوره نور استثنایی برای حکم حجاب مطرح می نماید. 2
(والقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اَلتِی لَا یَرجُونَ نِکاحَاً فلَیسَ عَلَیهِنَّ جُنَاحُ أن یَضَعنَ ثِیَابَهُنَّ غَیرَ مُتَبرِّجَت بِزِینَةٍ وأن یَستَعفِفنَ خَیرٌ لَّهُنَ وَاللَّهُ سَمِیع عَلِیم)؛
و زنان از کار افتاده ای که امید به ازدواج ندارند گناهی بر آن ها نیست که لباس های (روئین) خود را بر زمین بگذارند به شرط این که در برابر مردم خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند برای آن ها بهترا ست. و خداوند شنوا و دانا است.
این آیه، استثنایی برای حکم حجاب زنان بیان می کند و زنان پیر و سالخورده را از این حکم مستثنی می شمرد. برای این استثناء دو شرط وجود دارد: نخست این که به سن وسالی برسند که معمولاً امیدی به ازدواج ندارند، و به تعبیر دیگر جاذبه
2. تفسیر نمونه، ج 14، ص 543؛ تفسیر نور، ج 8، ص 0 21؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج 15، ص 227. جنسی را کاملاً از دست داده اند. دیگر این که در حال برداشتن حجاب، خود را زینت ننمایند. روشن است که با این دو قید مفاسد کشف حجاب در مورد آنان وجود نخواهد داشت و به همین دلیل اسلام حکم حجاب را از این زنان برداشته است.
این نکته نیز روشن است که منظور، برهنه شدن و بیرون آوردن همه لباس ها نیست بلکه تنها کنار گذاشتن لباس های رو است که بعضی روایات از آن تعبیر به چادر و روسری کرده است. منظور این است که مانعی ندارد آن ها سر خود را برهنه کنند و موها و گردن و صورت خود را نپوشانند. و به هر حال همه این ها در صورتی است که آن ها خودآرایی نکنند و زینت های پنهانی خود را مانند دیگران بپوشانند، هم چنین لباس های زینتی که جلب توجه می کند به تن نکنند و به تعبیر دیگر آن ها مجازند بدون چادر و روسری با لباس ساده و بدون آرایش بیرون آیند.
پیام ها:
1- قوانین اسلام مطابق با واقعیّت ها و ضرورت ها و نیازها و توانایی های اجتماعی است. (باید برای پیرزنی که میل به همسر ندارد و آرایش نمی کند، مسئله را آسان گرفت)
2- برای زنان چه پیر چه جوان، آرایش و نشان دادن زینت به نامحرم ممنوع است.
3- سالخوردگی به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بی میلی به ازدواج نیز باشد تا اجازه برداشتن روسری را داشته باشند.
4- حجاب، مایه ی حفظ عفّت و به نفع زنان است.

5ـ دوخت لباس و نوع و رنگ آن، هر.چه به عفّت نزدیک تر باشد، بهتر است.
6- در کنار آزادی، هشدار لازم است. (اگر از آسان بودن و راحتی احکام الهی، سوءاستفاده شود و برای اهدا ف شیطانی، به کار برده شود، خدا شنوا و آگاه است و به حساب متخلفان می رسد.)
روایت پوشش زنان سالخورده
در روایات اسلامی حدود برداشتن پوشش برای زنان سالخورده تعیین گردیده است و ذکر شده که جایز است روسری خود را بردارند. از جمله: از امام صادق (علیه السلام)نقل است که: مقصود از أن یَضَعنَ ثِیَابَهُنَّ، الخِمارَ وَ الجِلبابَ، روسری و چارقد است، گفتم: بَیْنَ یَدَیْ منْ کَانَ، جلو هر کس که بود، فرمود: بینَ یدَیْ منْ کَانَ، جلو هر کس که بود، غَیْرَ متَبَرِّجَه بِزِینَة، اما به شرط این که ساده باشد و نخواهد خودآرائی و خودنمائی کند، فَإِنْ لَم تفعَلْ فَهوَ خَیْر لَهَا، پس اگر این کار را انجام ندهد برای او بهتر است.1
1. کافی، ج 5، ص 522؛ وسائل الشیعه، ج 20، ص 202. از جمله وان یَستَعفِفنَ خَیرلَّهُنَّ در آیه و فَإِنْ لَم تَفْعَلْ فَهُوَ خَیْر لهَا در این روایت می توان یک قانون کلی استنباط کرد و آن این است که از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و ستر را بیشتر مراعات کند پسندیده تر است. این اصل کلی اخلاقی را در مورد همه رخصت های تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت درباره وجه و کفین و غیره داده شده است، نباید از یاد برد.

در روایت آمده است که امیرالمومنین(علیه السلام)فرمود: من و فاطمه خدمت رسول خدا(صلی الله علیه و آله)بودیم و دیدیم که حضرت به شدت گریه می کند. علت را سؤال نمودیم، حضرت فرمود: شبی که مرا به معراج بردند نمونه هایی از اهل عذاب را به من نشان دادند و گریه من به خاطر آن چیزهایی است که مشاهده کردم، از جمله زنانی از امتم را دیدم که در عذاب هستند و سپس به ذکر موارد پرداختند تا رسیدند به این جا که فرمودند: وَ رأیتُ امرأه معَلّقه بشعرِها یُغلی دِماغُ رَأسِها: زنی را دیدم که به موهایش آویزان در آتش است و مغز سرش می جوشد.
سمس به ذکر علت این عذاب ها پرداخت و در توضیح آن فرمود: این زنی از امت من بود که در دنیا موی خودش را از نامحرم نپوشانده است. 1
1. بحا را لانو ار، ج 8، ص 309.

کیفیت حجاب مورد نظر اسلام

هر لباسی که تمام بدن غیر از وجه (صورت) و کفین (دست ها تا مچ) را بپوشاند و موجب تحریک و جلب توجه نامحرم نگردد؛ کافی است ولی باید توجه داشت که همان طور که بقیه واجبات دارای مراتب مختلفی می باشند، حجاب نیز دارای مراتب متوسط، خوب و خوب تر است. حجاب پیامی قاطع و کوبنده با خود دارد، و آن این است که در برابر همه مردان اجنبی نوعی هشدار و اعلام دور باش می دهد، اکنون باید دید چه عواملی در رساندن این پیام و اثرگذاری آن موثر است: ا- حدود و میزان پوشش: بدون شک هر اندازه بدن زن پوشیده تر باشد نقش نیرومندتری در دورسازی دیدگان نظاره گر ایفا می کند. اگر نگاه های آلوده را هم چنان که در روایات آمده است تیرهای زهرآلود شیطان بدانیم،پوشش زن همانند قوسی است که تیر از آن کمانه می کند و منحرف می شود و از اصابت و نفوذ در هدف باز می ماند. بر عکس هر اندازه بدن زن برهنه تر باشد تیرهای شیطانی را بیشتر متوجه خود ساخته و از آن آسیب خواهد دید. از همین روست که چادر را حجاب برتر شناخته اند، زیرا با وجود شرایط دیگر، بیشترین پوشش و مطمئن ترین مصونیت را فراهم می آورد.
2- کیفیت پوشش: میزان ضخامت و حتی کیفیت دوخت لباس، خود بخش مهمی از حجاب را تشکیل می دهد بدون

شک لباس های نازک و تنگ و بدن نما فرودگاه پیکان مسموم شیطان و موجب خیره شدن چشم های هرزه و آلوده و به فساد کشاننده جامعه است. در مقابل، لباس های غیربدن نما، دیده ها را از خود دور می سازد، و سلامت معنوی نفوس را تأمین می کند. 3- رنگ پوشش: تردیدی نیست که برخی از رنگ ها چشم را خیره می سازد، و پاره ای دیگر نگاه ها را از خود می راند و دور می سازد. اگر چه در روایات به پوشیدن لباس های روشن و بخصوص سفید سفارش شده است؛1 اما باید اندیشید که چه رنگی برای تامین حجاب واقعی و مصونیت معنوی جامعه و خیره نکردن چشم ها و برنیفروختن آتش شهوت مناسب تر است؟ مگر ما در جامعه ای زندگی نمی کنیم که میلیون ها جوان در اوج غریزه جنسی به سر می برند و در سخت ترین شرایط جوانی از امکان ازدواج محرومند و کافی است با اندک جرقه ای شعله های غریزه در وجودشان برافروخته شود و به انواع گناهان و ناراحتی ها مبتلا گردند؟ پس باید به هر وسیله ای (حتی با گزینش رنگ مناسب لباس در جامعه) به سلامت دینی و روحی و روانی آنان کمک کنیم و موجب جلب توجه آنان و قرارگرفتن شان در دام مفاسد نشویم. گر

چه فقها نسبت به رنگ ها تاکید چندانی نکرده اند، ولی بر این مسئله پای می فشارند که لباس نباید موجب جلب توجه و عواقب سوء
1. بحارا لانو ا ر، ج 76، ص 2 30.

ناشی از آن باشد. ا ز این رو است که در طول تاریخ، زنان مسلمان به میل خود لباس مشکی را برای حجاب برگزیدند و این سنت حسنه مورد تقریر و پذیرش پیامبر (ص) و امامان(علیه السلام) قرار گرفت، زیرا آنان به این وسیله احساس امنیت و مصونیت بیشتری می کردند. 1
4- شیوه های رفتاری: طرز صحبت و چگونگی راه رفتن نیز بخشی از حجاب به معنای وسیع کلمه است. حفظ وقار و متانت هم همان نقشی را دارد که پوشش زن دارد و عدم رعایت آن نیز پیامدی چون برهنگی دارد.
آهنگ خوش از کام و دهان و لب شیرین ار نغمه کند ور نکند دل بفریبد از
این رو قرآن مجید یکی از صفات خوب زنان مؤمن را در قالب داستان دختران شعیب، حیا و وقار می داند.
حاصل بررسی آیات و روایات آن که:
1- زن باید بدن و زیور آلات و آرایش خود و هر آن چه را
که نزد عرف زینت محسوب می شود، در برابر مرد نامحرم بپوشاند و تنها دست و صورت از آن استثنا شده است.
2- هر چند دین اسلام نسبت به نوع و رنگ و حتی دوخت لباس، تاکید چندانی ندارد و تنها به اصل پوشش اعم از چادر، مانتو و مانند آن تکیه کرده است ولی روشن است که لباس 1. حجاب در ادیان الهی، محمدی آشنایی. نباید تنگ، محرّک، نازک، بدن نما و باعث جلب توجّه گردد. از این رو چادر برترین پوشش به شمار می آید. از مواردی که مشکی بودن آن مکروه نیست بلکه نشانه وقار و متانت است، چادر و عبا می باشد که در روایات به آن اشاره شده است.1
3- پرهیز از نرمش در سخن که باعث طمع نامحرم شود و متانت در راه رفتن و استفاده نکردن از کفش هایی که باعث توجه نامحرم می گردد، بخشی از حجاب زن را تشکیل می دهد.
4- گرچه پوشش کامل برای مرد واجب نیست ولی نگاه زن به بدن او حرام است. همان گونه که پوشش صورت و دست ها تا مچ بر زن، واجب نیست ولی نگاه مرد به آن از روی شهوت حرام است.
1. کافی، ج 3، ص 3 0 4؛ وسائل الشیعه، ج 4، ص 383.

حضور زن در اجتماع

اسلام با همه توجهی که به خطر شکسته شدن حصار عفاف دارد؛ همان طور که روش این آئین پاک خدایی است که یک آئین معتدل و متعادل است و از هر افراط و تفریطی به دور است و امتش را امت وسط می خواند، از جنبه های دیگر غافل نمی شود. زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود از شرکت در اجتماع نهی نمی کند. در بعضی موارد شرکت آن ها را واجب می داند، مانند حج که بر زن و مرد هر دو واجب است و حتی شوهر حق ممانعت ندارد. و در بعضی موارد به دادن اجازه اکتفا می کند. چنان که می دانیم جهاد بر زنان واجب نیست، مگر وقتی که شهر و دیار مسلمین مورد حمله واقع شود و جنبه صددرصد دفاعی به خود بگیرد. در این صورت همان طور که فقها فتوا می دهند بر زنان نیز واجب می شود، ولی در غیر این صورت واجب نیست. در عین حال رسول خدا(صلی الله علیه و آله)به برخی از زنان اجازه می داد که در جنگ ها برای کمک به سربازان و مجروحین شرکت کنند. قضایای زیادی در تاریخ اسلام در این زمینه هست.1

بر زنان واجب نیست که در نماز جمعه شرکت کنند، ولی بعد از حضور واجب است بمانند و ترک نکنند.2

بر زنان واجب نیست که در نماز عیدین شرکت کنند، ولی شرکتشان بلامانع است. برای زنان صاحب جمال شرکت در این مجامع مکروه است.3

پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله)زنان خود را (با قید قرعه) به سفر می برد؛ بعضی از اصحاب نیز چنین می کردند.4

همه مورخین این مطلب را نوشته اند که: پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله)از

1. صحیح مسلم، ج 5، ص 197 و 196؛ سنن ابوداود، ج 2، ص 17، جامع ترمذی، ص 247.

2. وسائل الشیعه، ج 1، ص 456

3. همان، ص 474

4. صحیح بخاری، ج 7، ص 43

زنان بیعت گرفت، ولی با آن ها مصافحه نکرد، دستور داد ظرف آبی آوردند، دست خود را در آن فرو برد و دستور داد زنان دست خویش را در آب فرو برند و همین را بیعت شمرد.1

عایشه گفت هرگز دست پیغمبر در همه عمر دست یک زن بیگانه را لمس

نکرد.2 زنان را از تشییع جنازه منع نکرد ولی آن را لازم هم نشمرد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله)ترجیح داد زنان در تشییع جنازه شرکت نکنند. در عین حال در موارد خاصی شرکت کرده اند و احیاناً نماز خوانده اند. در روایات ما آمده است که وقتی زینب دختر بزرگ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)وفات کرد، زهرای مرضیه علیهاالسلام و زنان مسلمانان آمدند و بر وی نماز خواندند.3
از نظر روایات شیعه برای زنان جوان شرکت در تشییع جنازه مکروه است. علماء اهل تسنن از ام عطیه نقل کرده اند که گفت رسول اکرم(صلی الله علیه و آله)ما را توصیه کرد که در تشییع جنازه شرکت نکنیم ولی منع نفرمود.4
"اسماء" دختر یزید انصاری، از طرف زنان مسلمان مدینه مأمور شد به نمایندگی آنان نزد رسول خدا برود و پیام گلایه آمیز زنان مدینه را به رسول خدا ابلاغ کند و 1. کافی، ج 5، ص 526.
2. بحا را لانوار، ج 21، ص 98.
3. وسائل الشیعه، ج 3، ص 139 و 239.
4. صحیح مسلم، ج 3، ص 47؛ صحیح بخاری، ج 2، ص 94؛ سنن ابوداود، ج 2،
ص180. جواب بگیرد. اسماء وقتی وارد شد که رسول خدا در میان جمع اصحاب بود. گفت: پدر و مادرم قربانت. من نماینده زنان هستم به سوی تو، ما زنان می گوییم خداوند عزوجل تو را هم بر مردان مبعوث فرمود و هم بر زنان. تو تنها پیامبر مردان نیستی، ما زنان نیز به تو و خدای تو ایمان آوردیم. ما زنان در خانه های خویش نشسته نیازجنسی شما مردان را بر می آوریم، فرزندان شما را در رحم خویش می پرورانیم اما از آن طرف می بینیم وظائف مقدس و کارهای بزرگ و ارجمند و پر اجر و با ارزش به مردان اختصاص یافته و ما محرومیم. این مردان هستند که توفیق جمعه و جماعت دارند، به عیادت بیماران می روند، در تشییع جنازه شرکت می کنند، حج مکرر انجام می دهند، و از همه بالاتر توفیق جهاد در راه خدا دارند. در صورتی که وقتی یک مرد به حج یا جهاد می رود ما زنان هستیم که اموال شما را نگهداری می کنیم، برای جامه های شما نخ ریسی می کنیم، فرزندان شما را تربیت می کنیم. چگونه است که ما در زحمت ها شریک شما مردا ن هستیم اما در وظائف بزرگ و مقدس و کارهای پر اجر و پاداش شرکت نداریم و از همه آن ها محرومیم؟
رسول اکرم نگاهی به اصحاب کرد و فرمود: آیا تاکنون از زنی سخنی به این خوبی و منطقی بدین رسایی در امور دین شنید ه اید؟ یکی از اصحاب گفت: خیال نمی کنم این سخن ا ز خود این زن باشد. رسول خدا به جواب این مرد اعتنا نکرد؛ رو کرد به اسماء و فرمود: ای زن! آن چه می گویم

درست توجه کن و به زنانی که تو را فرستاد ه اند نیز بفهمان. پنداشتی که هر که مرد شد به واسطه این کارها که برشمردی توفیق اجر و پاداش و فضیلت را می یابد و زنان محرومند؟ خیر چنین نیست. زن ا گر خوب خانه داری و شوهرداری کند، نگذارد محیط پاک خانه با غبار کدورت آلوده شود، اجر و پاداش و فضیلت و توفیقش معادل است با همه آن کارها که مردان انجام می دهند.
اسماء زنی با ایمان بود و تقاضای او و زنان هم فکرش از عمق ایمانشان برمی خاست؛ نه از روی هوای نفس. آنان نگران این بودند که مبادا وظائفی که به عهده شان واگذار شده قدر و قیمتی نداشته باشد و همه وظائف مقدس و قدر و قیمت دار به مردان اختصاص یافته باشد. آنان تقاضای مساوات زنان و مردان را داشتند اما در ربودن گوی فضیلت و انجام وظیفه مقدس؛ چیزی که در مخیّله آنان خطور نمی کرد این بود که امیال فردی را حقوق بنامند و جنجال راه بیندازند. این بود که وقتی آن جواب را شنید، چهره اش از خوشحالی برافروخته شد و با خوشحالی به سوی هم فکرانش برگشت. 1

نه حبس و نه اختلاط

از مجموع آن چه بیان شد، معلوم گشت که نظر اسلام، نه آن

1. اسد الغابه، ج 5، ص 399 و 398.

چیزی است که مخالفان، اسلام را بدان متهم می کنند، یعنی محبوسیت زن در خانه، و نه اختلاط زن و مرد در مجامع، که دنیای جدید آن را پذیرفته است و عواقب شوم آن را می بیند. حبس کلی زن در خانه، نوعی مجازات بود که به طور موقت در اسلام برای زنان بدکار مقرر شد. اسلام، با اختلاط مخالف است نه با شرکت زن در مجامع. اسلام می گوید: نه حبس و نه اختلاط بلکه باید حریم نگه داشته شود. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی شده اند ولی همواره حریم بین زن و مرد نامحرم رعایت شده است. در مساجد و مجامع، حتی در کوچه و معبر، زن با مرد مختلط نبوده است. لذا شرکت مختلط زن و مرد در برخی مجامع، مانند برخی مشاهد مشرفه و خیابان های پر ازدحام، برخلاف آموره های دینی است. 1

1. مسئله حجاب، مرتضی مطهری، ص 241 و 240.

فصل چهارم : بدحجابی؛ مقابله ، پیامدها و راههای درونی کردن حجاب

راه های برخورد و مقابله با بدحجابی

از آیات امر به معروف و نهی از منکر می توان استفاده کرد که جلوی هرگونه منکر و گناه، باید ایستاد و اجازه ظهور و بروز به آن نداد. در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله)و امام علی(علیه السلام) نیز هرچند زنان بدحجاب وجود داشته اند اما آن بزرگواران به حکم قرآن با این پدیده برخورد کردند، به دنبال آن دیگر آن ها نمی توانستند هر طور دلشان خواست در اجتماع ظاهر شوند حتی اقلیت های مذهبی نیز موظف به رعایت مقررات اسلامی در جامعه اسلامی بوده اند.
در هر صورت هنجارهای دینی را باید در جامعه به اجرا گذاشت و نمی توان تنها به عقیده و میل مردم اکتفا کرد. فکر کنید، چقدر از مردم حاضرند با میل و رغبت و از روی اعتقاد، از رشوه گرفتن و اختلاس اجتناب کنند؟ چقدر حاضرند از شراب و زنا با میل و رغبت احتراز نمایند تا آن ها را آزاد گذاشت که در عمل هم با میل و رغبت وظایف خویش را اجرا کنند؟ این موضوع منحصر به کشور ما نیست. در هر کشوری یک سلسله قوانینی است که به اجبار آن ها را به اجرا می گذارند. در کشوری مثل فرانسه که آن را مهد آزادی می شمارند چگونه به اجبار دختران را وادار به بی حجابی می کنند تا به مدرسه یا دانشگاه راه یابند تفاوت در جامعه اسلامی و غیراسلامی در نوع هنجارها است نه چگونگی برخورد با آن ها.
برای مقابله با بدحجابی و بی حجابی راههای ذیل مناسب به نظر می رسد:
1- برخورد از موضع قدرت و حساب شده با متخلّفین
2- کار بنیادی فرهنگی
برای ریشه کن ساختن یک مفسده اجتماعی، همزمان با اجرای حدود الهی، برای ایجاد یک محیط اجتماعی سالم، باید مجموعه ای از آموزش های فکری و فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی و آموزش های صحیح اسلامی، ترتیب داد. اگر در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم و استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی را با کار فرهنگی مستمر، عمیق و ریشه ای ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزش های غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامی باشیم.
3- احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر
عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است که اگر مردم در این زمینه به صورت جدی وارد عمل

شوند و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازند دستگاه های فرهنگی و امنیتی نیز بهتر می توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند.
"امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه فرائض اسلامی است باید در جامعه ما احیا شود و هر فردی از آحاد مردم خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد مسئول احساس کند. " 1
"مسئله امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف همیشگی مسلمان هاست. جامعه اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر زنده می ماند. قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است و اگر این کار نشود آن وقت است که: لیُسَلِطَنَّ الله عَلَیکُم شِرارَکُم عَلی خِیارِکم فَیَدعوا خِیارُکُم فَلا یُستَجابَ لَهم؛ خداوند اشرار را بر خوبان مسلط خواهد کرد و دعوت خوبان
1. سخنرانی مقام معظم رهبری10/3/69. بی جواب خواهد ماند. 1 قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر زنده باشد. امر به معروف و نهی از منکر فقط این نیست که ما برای رفع تکلیف دو کلمه بگوییم، آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست مهمترین منکرات باشند. همه باید معروف شناس و منکرشناس باشند این معنای نظارت و حضور و همکاری عمومی است به معنی معرفت بالا در همه است و الّا اگر ما امر به معروف را در یک دایره محدود آن هم به وسیله افراد معلوم زندانی بکنیم و دشمن هم در تبلیغات خودش سمپاشی کند که در ایران قرار است از این به بعد نسبت به زن های بدحجاب این چنین عمل بشود، این صحیح نیست. "2
"چیزی که جامعه را اصلاح می کند همین نهی از منکر زبانی است. اگر مردم به آدم بدکار، خلاف کار، کسی که اشاعه فحشا می کند و می خواهد قبح گناه را درجامعه از بین ببرد، بگویند و ده، صد، یا هزار نفر و به طور کلی افکار عمومی جامعه روی وجود او سنگینی کند، این برا ی او شکننده ترین چیزهاست.
تکرار، بهترین حربه در مقابل گناهکارا ست. نهی ا ز منکر، اراده و تصمیم، قدرت و شجاعت لازم دارد. لذا ا حاد مردم
1. بحارا لانوار، ج 93، ص 378؛ نهج البلاغه، نامه 47.
2. سخنرانی مقام معظم رهبری 7/5/71.

باید با شجاعت و قوت نفس ا ز عملی شدن خلاف های سیاسی، ا قتصادی، اداری، فرهنگی در جامعه ممانعت کنند و نهی از منکر به کسی اجازه غیبت، دروغگویی، شا یعه پرا کنی، توطئه، کم کا ری و نارا ضی ترا

شی، دزدی مال مردم و برباد دادن آبروی دیگران ندهند. " 1
برخی از مراتب ا مربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاد ه اند، لیکن مرتبه اول آن (که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد) به دوش همگان است. در عین حال در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت:
1- شناخت دقیق احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر، شرایط وجوب، مراتب و کیفیت اجرای زیبای آن.
2- استفاده از شیوه های رفتاری و اخلاقی آموزنده و کارساز و جذاب در امر به معروف.
3- مأیوس نشدن از عدم تاثیر آنی و فوری.2
1. سخنرانی مقام معظم رهبری 29/7/71.
2. حکایت های امر به معروف و نهی از منکر، موسسه فرهنگی قدر ولایت.

حجاب اقلیت ها

اقلیت های مذهبی که در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می کنند موظفند مقررات و قوانین کشور اسلامی را رعایت کنند. از جمله مواردی که آن ها در جامعه اسلامی باید رعایت کنند عبارتند از:
1- کلیه مقررات و قوانین اسلامی، کشورهای محل اقامت؛
2- احترام به مقررات و شعائر دینی؛
3- عدم تظاهر به منکرات؛
اقلیت های مذهبی نمی توانند سنت های حاکم بر جامعه اسلامی را بشکنند. طبق قراردادشان با حکومت اسلامی نباید به حدود و احکام اسلامی تجاوز کنند. حجاب یکی از احکام و ضرورت های دین مبین اسلام است، پس باید از جانب اقلیت ها رعایت گردد.
"از تاریخ استفاده می شود که در صدر اسلام نیز آن ها نوعی حجاب داشتند. منتها حجاب های آنان با حجاب های مسلمین فرق داشته. شاید این که در روایات اسلامی داریم کنیزها واجب نیست سرشان را بپوشانند، به خاطر این بوده که اینان مسلمان نبودند، تحت حکومت اسلامی آمدند و حجاب را در تمام بدن رعایت اما در موهای سر رعایت نمی کردند. این در حالی است که ما می بینیم بعضی از اهل کتاب هم پوشش سر را رعایت می کردند، به یقین حکومت اسلامی فشار زیادی روی اهل کتاب و اهل ذمه نداشته و شاید در میان آن ها زنانی بودند که موهای خود را نمی پوشاندند و در اجتماع ظاهر می شدند ولی گاهی می شود اگر تبعیضی میان زنان مسلمان و غیر مسلمان در یک جامعه واقع شود، منشا مشکلات می شود. حکومت اسلامی می تواند از آن ها هم بخواهد برای رعایت احترام جامعه اسلامی و همرنگ شدن با مسلمین و برای این که در محیط تبعیضی نباشد، احتراماً رزش های کشوری را که در آن زندگی می کنند، رعایت کنند که یکی از آن ارزش ها حجاب است. "1
1. فرهنگ حجاب بیم ها و امیدها، دفتر مطالعات دینی زنان، ص 138 (زیرنظر آیت اللّه مکارم شیر ازی).

پیامدهای بدحجابی

الف) پیامدهای اجتماعی، بدحجابی

1- بی میلی برخی مردان به لذّت های مشروع درون خانواده
در اثر دسترسی آسان به زنان بدحجاب در بیرون خانواده که منجر به افزایش تعداد زنان خودسرپرست و بدسرپرست می گر د د.
2- محدود شدن آزادی و مشارکت اجتماعی مطلوب زنان و محروم شدن جامعه از فعالیت سازنده و سالم آنان، چرا که بدحجابی و خودآرائی زمینه نا امنی و خشونت اجتماعی و تجاوزات و سوء استفاده علیه زنان را فراهم می سازد و اتلاف عمر و سرمایه و استعدادهای مرد و زن را با هم به دنبال دارد.
3- فروپاشی اخلاق اجتماعی و از بین رفتن عشق و عاطفه پاک در روابط.
4- ابزار قرار گرفتن خانم ها در حد مانکن های پشت ویترین جهت فروش محصولات سرمایه داران.
5ـ بی اعتنائی نسل جوان به ازدواج به سبب کشیده شدن لذّت های بصری و جنسی به بیرون از کانون خانواده.

ب) پیامدهای فرهنگی- عقیدتی بدحجابی

"لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست، پرچمی است که او برسر درخانه وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می دارد که از کدام فرهنگ تبعیت می کند. هم چنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسیش ابراز می کند، هر
انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها معتقد و دلبسته باشد لباس متناسب با آن ها راا ز تن بدر نخواهد کرد. "1
در تمدن غرب، انسان حیوانی باهوش محسوب می شود؛ پس زندگی انسان در همین چند سال عمر خلاصه می گردد. بدیهی است در چنین بینشی از انسان و جهان، لذت طلبی هدف اصلی و نهائی است. نتیجه این که لباس و پوشش نیز وسیله ای
1. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلام علی حداد عادل، ص 40. برای آرایش و نمایش و ایجاد و تشدید لذائذ جنسی محسوب می گردد. پس طراحی و تولید لباس بر مبنای نمایش مبالغه آمیز و غیرواقعی جذّابیت ها و زیبائی های بدن انسان صورت می گیرد. اما در شرق انسان در تن خلاصه نشده به مراتب معنوی و عرفانی او نیز توجه شده، در اسلام علاوه بر تن به روح انسان نیز توجه شده و او موجودی خداگونه و کمال جو معرفی گردیده و علاوه بر لذّت طلبی جسمی لذائذ عرفانی و معنوی، از اهداف عالیه خلقت او محسوب می شود و بدین ترتیب تفاوت لباس در واقع تفاوت دو بینش است و تبدیل و تغییر آن در گرو تغییر و تعویض جهان بینی و فرهنگ انسان می باشد.
از اینرو این عمل به ظاهر پیش پا افتاده، یعنی برداشتن چادر و روسری، زنان متجدد را در فرآیند پذیرش بینش مبتنی بر فرهنگ بی حجابی قرار داده و بزودی آنان را درمقابل دین و عقیده و فرهنگ خودی قرار می دهد.
رهبر معظم انقلاب می فرمایند:
باید معلوم شود که واقعاً پوشش زن ایرانی (لباس زیر چادر) چه گونه باید باشد. لباس زن هندی لباسی ساده است زن اروپایی هم لباسش معلوم است، اما آیا زن ایرانی هم لباس مشخصی دارد که نشان دهد ایرانی است؟ همان مدی راکه امر وز خیاط خانه های ا روپا درست می کنند ما می آوریم این جا، این لباس ایرانی نیست، این ترویج فرهنگ غرب است. آن وقت ما که می گوییم مر گ بر آمریکا خودمان این طور فرهنگ آمریکا را ترویج می کنیم!... ما ایرانی هستیم باید بگردیم همان چیزی را که متعلق به خود ماست پیدا کنیم.1
تصور نکنید که اگر ما فرضاً چادر را گذاشتیم کنار و مقنعه و لباسی که در

قرآن هست را درست کردیم، دست از سر ما برمی دارند؛ نه، آن ها به این چیزها قانع نیستند بلکه می خواهند مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت، همان فرهنگ منوس خودشان عیناً در این جا عمل بشود.2
شهید مطهری معتقد بود که:
"اگر انسان در عمل شهوتران، ماده پرست و اسیر شهوات گردید تدریجأ افکار و اندیشه هایش هم بر حکم اصل انطباق با محیط، خود را با محیط روحی واخلاقی او سازگار می کنند، یعنی اندیشه های متعالی خداشناسی و خداپرستی و خدادوستی جای خود را به ا فکار پست مادّیگری می دهد. مادّیگری گاهی اعتقادی است و گاهی اخلاقی، مادّیت اخلاقی یعنی اینکه شخص هر چند از نظر اعتقاد معتقد به ماوراء طبیعت است لیکن از نظر اخلاق و عمل مادی است و مادیت اخلاقی، (بی عفتی، بی حجابی، خودآرایی و روابط نامناسب باا فراد هم جنس و غیر هم
1. سخنرا نی رهبر معظم انقلاب 15/2/71.
2. سخزانی رهبر معظم انقلاب 4/10/70. جنس و...) یکی از علل و موجبات مادیت اعتقادی است. لذا در نهایت یا اعتقاد فدای عمل می شود یا عمل فدای اعتقاد، این را نمی توان باور کرد که کسی بتواند یک عمر زندگی کند در حالی که به لحاظ فکری و ایمانی الهی ولی عملاً مادی باشد؛ عاقبت یکی از دو طرف غالب خواهد شد و این همان فاجعه ای است که در غرب و وابستگان به فرهنگ غرب اتفاق افتاده. 1
زن مظلوم ترین قربانی سرمایه داری غرب و در عین حال بُرنده ترین سلاح دست آن ها است. در آن جا فاجعه با غفلت از هویت معنوی انسان آغاز شد و همه وجود زن در جسم او منحصر گردید و آن گاه چشمان آزمند دنیاپرستان، زن را چونان طعمه ای برای گرمی بازار سرمایه برگزید و او را در مسلخ پول قربانی کرد. عشق آن لطیفه معنوی که آکنده از را ز و رمز بود، جای خود را به سکس داد و سکس در خدمت اقتصاد قرار گرفت و زاینده هزار صنعت تولیدی و گرداننده هزار بازار مصرف شد. و هنر چنان به سکس آلوده شد که در این قحط سالی یاران همه عشق را فرا موش کردند و از یاد بردند، که روزگاری هنر دریچه گشوده ا ی به سوی عالم معنا و حقیقت بود. هنر که ترجمان عالم معنا بود، اکنون آئینه دنیای صورت شده است و در این میان سینما یعنی هنر هفتم آئینه تمام نمای ابتذال شد و تلویزیون سینمای مبتذل را به خانه ها برد و تئاتر کمی دیرتر ولی
1. علل گرا یش به مادیگری، مرتضی مطهری، ص 170. سرانجام مغلوب این غول وحشی گردید و نمایش تن های عریان و صحنه های آمیزش جنسی در تماشاخانه ها معمول گشت، اکنون در آن جاها برهنگی و عریانی، جای زیبائی نشسته، سکس جای عشق و ابتذال و تحریک جنسی نام هنر یافته است. و دریغا در این فرهنگ که فرهنگ های اصیل را به

حقارت می نگرد، زن به صورت حیوانی در آمده که باید از جنسیت او بی هیچ قید و حد و مرزی بهره گرفت. این حیوان که خود افسارش به دست دنیاداران حریص است، به نوبه خود افسار مردان را در دست دارد، وا ین نگاه مردان است که آنان را غافل از همه چیز برده وار به دنبال زنان می کشاند و کار به جائی می رسد که اگر زندگی زن بسته به آن است که او را نگاه کنند مردان نیز زنده از آنند که زن را نگاه کنند و از نگاه تا گناه راهی نیست و فاصله این دو حتی از تفاوت این دو کلمه نیز کمتر است که نگاه در حقیقت همان گناه است.
اما در اسلام معنویت و روحانیت به هیچ روی در مقابل مادیت و جسمانیت قرار نگرفته. و انسان برای رسیدن به حقیقت معنوی خود مجبور نیست واقعیت مادی خود را نابود کند. معنویت اسلامی هدایت کننده و کنترل کننده جسمانیت و مادّیت است. دین نیامده تا ما را از جسم غافل سازد، بلکه برای آن ا ست که به ما اندازه بیاموزد، تا بتوانیم با حفظ اعتدال از افراط و تفریط مصون بمانیم. در این بینش، انسان رو به خدا دارد که کمال مطلق و سرچشمه همه خوبی ها و ارزش ها است و این است که از تن بهره می گیرد اما به اندازه، نه همه وقت نه همه جا و نه با همه کس. وظیفه او خطیرتر از آن است که به جسمش شناخته شود. برا ی آن لباس نمی پوشد که تن را عرضه کند. بلکه لباس می پوشد تا خود را بپوشاند. لباس برای او حریم است، به منزله دژی تن او را از دستبرد محفوظ می دارد و کرامت او را حفظ می کند. لباس برای آن است که تحریک جنسی را کم کند نه آن که بر قدرت تحریک بیفزاید. لباس پوست دوم انسان نیست بلکه خانه اول اوست، انسان اسلام، کمال خود را در آن نمی بیند که تن خود را چون کالا تزیین کند و به راه اندازد و بفروشد. بلکه بجای آن که تن خود را به خلق بفروشد، جان خود را به خدای خویش می فروشد. پس مسئله لباس یک سلیقه فردی نیست، مسئله تفاوت دو فرهنگ است و این تفاوت در همه امور اصلی مربوط به انسان از جمله در لباس جلوه گر می شود. تغییر لباس همواره پیامد تغییر یک فرهنگ است انسان تا با فرهنگ خود وداع نکند نمی تواند با لباس خود وداع کند و تا فرهنگ قومی را نپذیرد لباس آن ها را به تن نمی کند، به همین خاطر در احادیث آمده که: من تَشَبَّهَ بِقَوم اوشک آن یکونَ منهُم؛ هر کس خود را به قومی شبیه کند به زودی از آن گروه خواهد شد. 1
1. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 34 و 35- 39 و40 با اندکی تلخیص.

د) پیامدهای سیاسی بدحجابی

با توجّه به این که خاست گاه اصلی برهنگی و اختلاط زنان و مردان، مغرب زمین و مشخصاًا روپا و آمریکاست. لذا افراد بی قید و بی حجاب نیز به تأیید فرهنگ و سیاست های حاکم بر آن سرزمین ها اقدام می کنند و برای تحکیم و توجیه موقعیت خود به تکریم و تایید سیاست ها و سیاستمداران غرب و نفی و تحقیر مدیران و متولیان کشور خود (که رعایت حجاب و روابط مشروع درون خانواده را حکمی الهی و لازم الاجرا می د ا نند) می پر د ا زند.

هـ) پیامدهای روانی بدحجابی

1- تشدید رقابت کاذب در جلب نظر و نگاه مردان بیماردل، نگرانی و دلهره ناشی از مورد تایید فرار نگرفتن توسط دیگران، احساس حقارت و خودکم بینی و تلاش در تسکین امراض روحی ناشی از وسواس در انتخاب لباس و کیف و کفش و آ را یش.
2- انتقال نا آرامی های روانی زنان به همسران و فرزندان آن ها، بلوغ زودرس و اضطراب های مخّرب روانی را به دنبال د ا رد.
3- روحیه تنوع طلبی جنسی، بیماری خودارضائی، تجاوز و آزار جنسی همراه با خشونت، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات برای تسکین کاذب، تشنجات ناشی از تحریکات جنسی.
4- پرداختن به امور پست و کودکانه ای چون به نمایش گذاردن جاذبه های ظاهری، زن را از مطالعه، تحقیق، پیشرفت و معنویت باز می دارد.
5ـ بی رنگ شدن نقش مادری و همسری زنان که در عدم اعتدال روانی و رفتاری خانواده و نا آرامی اجتماعی بسیار مؤثر است.

راه های درونی کردن حجاب در افراد

1- ایجاد شناخت نسبت به مصالح رعایت حجاب و تبعات و مضرات عدم رعایت آن، تا از این طریق شناخت کافی و در پی آن باور قلبی حاصل گردد.
انسان قبل از این که عملی را انجام دهد، در ذهن خود آن عمل را تصور می کند و از تصور مصالح آن عمل، شوقی در او بوجود می آید که باعث برانگیخته شدن و ایجاد رغبت نسبت به انجام آن عمل می گردد و برعکس اگر از عواقب سوء کاری آگاه باشیم انگیزه ای برای ترک و اجتناب در ما ایجاد می شود. 2- منطبق ساختن رفتار با این شناخت و باورهای قلبی.
جهت موفقیت در این کار، انجام این امور مفید فایده می باشد:
الف) کم کر دن رابطه با کسانی که به این باورها بی اعتقاد یا کم اعتقا د ند.
ب) ایجاد ارتباط با کسانی که به این باورها سخت پایبندند.
ج) تفکر درباره آثار مثبت حجاب و آفات بی حجابی.
د) توجه ویژه به عبادات و انجام به موقع آن ها.
5) عدم توجّه به تمسخر و سرزنش دیگران.
و) توسل و استمداد از ائمه اطهار (علیه السلام)
ز) یادآوری خشنودی خداوند از عمل به دستور حجاب.
3- از همه عوامل مهم ثر تربیت های خانوادگی است.

نقش خانواده در درونی کردن حجاب

به تحقیق، نخستین و مؤثرترین محیط آموزشی و تربیتی انسان محیط خانوادگی واولین مربیان و معلمان او پدر و مادر می باشند. کودک از بدو تولد تا سالیانی چند با خانواده در ارتباط مستقیم و انحصاری می باشد. او طریقه خوردن، سخن گفتن، لباس پوشیدن و راه رفتن را در خانواده می آموزد. سلسله اعصاب و مغز و ذهن حساس و ظریف کودک از همان آغاز تولد دقیقاً از صحنه ها، حوادث، رفتار و اعمال و-حالات پدر و مادر فیلم برداری می کند و شکل می گیرد. در همین جاست که جام وجود او باید لبریز از معارف ناب گردد تا در اجتماع اگر در این جام هر چیزی ریخته شود بیرون بریزد و با آن ممزوج نگردد. عدم رعایت پوشش و عفاف و ارتباط پدر و مادر با نامحرم بدون عنایت به موازین اخلاقی و اسلامی به شدت پایه و اساس بینش و روش او را متزلزل می کند. در بیان نقش خانواده همین بس که در ژریم گذشته علی رغم محیط آلوده بیرون تعداد کثیری از خانواده ها با مراقبت عالمانه و دقیق در سایه عفاف و حجاب و اخلاق دینی، فرزندانی پاک و متدین و پایبند به ارزش های اسلامی تربیت و تحویل جامعه دادند و هم آن ها از اول انقلاب نقش اثرگذار خود را ایفا نمودند. در این میان مادر به جهت برخورداری از موقعیت ویژه و استثنایی در مقایسه با سایر اعضاء خانواده تأثیر فوق العاده ای در ساختار اخلاقی فرزندان خود دارد. رسول گرامی اسلام فرمودند:
شفاوت و سعادت هر کس از رحم مادرش آغاز می گردد.
و امام حسین(علیه السلام)در جریان کربلا دائم شقاوت یزید را به دامن ناپاک مادرش و دور بودن از ذلت خود و اهل بیت را به دامن های پاکی که در آن ها تربیت شده بودند، نسبت می دادند و امام صادق (علیه السلام) نیز می فرمودند:
خوشبخت کسی است که مادرش دارای گوهر گرانبهای عفت باشد.
امام خمینی قدس سره می فرمودند:
تربیت از دامن مادر شروع می شود؛ آن قدر که اخلاق مادر در بچه نورس تاثیر دا رد و به او منتقل می شود از دیگران عملی نیست . مادرها مبدأ خیرات هستند. اگر بد تربیت کنند مبدا شرورند. یک مادر ممکن است بچه ای را خوب تربیت کند و آن بچه یک امت را نجات دهد، ممکن است بد تربیت کند و موجب هلاک امت بشود.1
اگر مادران بدانند که اندیشه های آن ها چه تأثیر ژرفی روی فرزندانشان می گذارد، اندیشه های خود را تعالی بیشتری می بخشند.
در این راستا خانواده ها باید به سه نکته مهم تربیتی حتماً توجّه نمایند:

1- قبل از ورود فرزند به زندگی و حتی قبل از ازدواج خلق و خوهای ناشایست را با تمرین و امر به معروف و نهی از منکر از یکدیگر بزدایند و عادت های ناخوشایند و ناهماهنگی های اخلاقی بین خود را تا حد امکان اصلاح نمایند تا در تربیت فرزندشان اختلال به وجود نیاید.
2- از گفتن و پرداختن به هر سخنی یا هر درد دلی از دوست و آشنا و اجتماع و خصوصاً گفت وگوهای دوستانه و غیردوستانه در باب رفتار با کودکان و انتقاد از رفتار یکدیگر در حضور فرزندانشان جداً احتراز نمایند.
3- همیشه به یاد داشته باشند که هر چه در کودکی در ذهن فرزندانشان بکارند و دائم به تغذیه مفید آن بپردازند در هنگام بلوغ و جوانی آن را درو خوا هند کرد.
به این ترتیب نقش کلیدی خانواده در پرورش انسان های استوار و پایبند به فرهنگ اصیل مشخص گردید و روشن است
1. امام خمینی قدس سره، صحیفه نور، ج 9، ص 136. که اگر خانواده ها از وظایف خطیر خود غافل گردند دیگر نهادهای تربیتی با زحمت طاقت فرسا و با دشواری و ضریب احتمال پایین می توانند این نقص تربیتی را جبران نمایند.

چادر به صورتی که در میان ایرانیان معمول است (چادر بلند که تا پایین پا می رسد) در میان جامعه عرب ها معمول نبوده، ولی چیزی شبیه نیمه چادر رایج بود که ظاهراً منظور از جلباب هم که در آیات قرآن آمده، همین است. چیزی که نه مثل مقنعه و روسری کوتاه و نه مثل چادر خیلی بلند است، این چادر شاید تا کمر و کمی پایین تر می رسیده است و آن بزرگواران از آن استفاده می کردند. عرب ها لباسی داشتند به نام درع که پیراهنی وسیع است و ملحفه ای که همان چادر بوده است و مقنعه. از روایات استفاده می شود این بزرگواران هر سه پوشش فوق را داشتند. مقنعه را سر می کردند و درع هم پیراهن گشادی بوده که تا پشت پا می رسیده و آستین هایش بلند و گشاد بوده و ملحفه آن چادری بوده که به خودشان می پیچیدند. در آداب نمازگزار هم آمده که زن در موقع نماز اگر بخواهد حجاب کاملی داشته باشد، از مقنعه و درع و ملحفه استفاده کند. 1
بنابر نقل تاریخ کیفیت حجاب حضرت فاطمه علیهاالسلام، هنگام
1. فرهنگ حجاب؛ بیم ها و امیدها، دفتر مطالعات دینی زنان، ص 138 (زیرنظر آیت الله مکارم شیر ازی). خروج از منزل و ایراد خطبه معروف خود در مسجد، چنین بوده: مقنعه را به سر پیچید و سر و صورت و تمام بدن را با جلباب (عبا یا چادر) پوشانید و در میان جمعی از زنان قوم خود به طرف مسجد حرکت نمود.1
امام صادق(علیه السلام)فرمودند:
إنَّ فاِطمةَ بِنتَ رَسولِ(صلی الله علیه و آله)، اِستأذَنَ عَلَیها اَعمی، فَحَجَبَته؛
مرد نابینایی اجازه خواست تا بر حضرت فاطمه وارد شود.
آن حضرت خود را پوشاند. پیامبر (صلی الله علیه و آله)فرمودند: لِم حَجَبتَهُ وَ هُوَ لا یراک؟ چرا خود را می پوشانی حال آن که او تو را نمی بیند؟
حضرت عرض کردند: یا رَسولَ اللّه إن لَم یرانی فَانَا أراه و هُوَ یشم الرّیحَ؛
اگر او مرا نمی بیند من او را می بینم و او بو را استشمام می کند.2
این جمله دقیق صدیقه اطهر علیهاالسلام بیانگر آن است که حالت زن بی حجاب در روان مرد نامحرم حتی اگر آن مرد او را نبیند، تاثیر منفی خود را خواهد گذاشت و عفت فاطمی حتی این اندک تأثیر را برنمی تابد.
بارها این ماجرا را شنیده ایم که: روزهای آخر عمر فاطمه علیهاالسلام به اسماء فرمودند: من از این که (پس از مرگ) زن ها
1. طبر سی، الاحتجاج، ج 1، ص 132؛ ابن طاووس، الظرائف، ص 264.
لِالَت خِمارَها عَلی رَاسِها وَاشتَمَلَت بِجِلبابِها وَ اَقبَلَت فِی لَمه مِن حَفَدَتِها وَ نِساءِ قَومِها.

2.مکارم الاخلاق، ص 24. را در تابوت سربازی که بر روی آن پارچه ای می افکنند به طوری که حجم بدن آن ها برای بینندگان مشخص می باشد، ناراحت هستم. اسماء می گوید: من آن چه را در حبشه دیده بودم که چوبی کمانی را روی تابوت قرار می دادند و پارچه را روی آن می انداختند، برای ایشان درست کردم. سپس حضرت فرمودند: چقدر خوب و زیبا، در این صورت دیگر حجم بدن مشخص نیست و زن از مرد شناخته نمی شود.1 یعنی پاره تن پیامبر(صلی الله علیه و آله)حتی پس از مرگ هم، راضی نیست حجم بدنش را نامحرم ببیند.
فاطمه صغری (دختر امام حسین(علیه السلام)) پس از این که کتک خورد وگوشواره و مقنعه اش را کشیدند، خطاب به عمه اش حضرت زینب علیهاالسلام گفت: آیا پارچه ای هست که با آن سرم را بپوشانم؟ (احتمالاً منظور نداشتن چادر یعنی همان جلباب است)20
وقتی عمربن سعد در کوفه نزد اهل بیت آمد، زنان بر او فریاد زده و گریه کردند. او به یارانش گفت: هیچ کدام از شما داخل خیمه های ایشان نشوید و به این جوان مریض (امام سجاد(علیه السلام))، تعرّض نکنید. پس زنان از او خواستند که آن چه از آن ها گرفته اند، به آن ها برگردانند تا با آن خود را بپوشانند.3
1. بحار الانوار، ج 81، ص 250؛ وسائلالشیعه، ج 3، ص 221.
2. بحا را لا نوار، ج 45، ص 61.
3. همان.

در حین سفر مردی به نام سعد وقتی فهمید که آن ها فرزندان امام حسین (علیه السلام) هستند؛ از سکینه پرسید: آیا حاجتی داری؟ سکینه گفت: ای سعد به حاملان این سرها بگو: این سرها را در جلوی ما حرکت دهند تا مردم مشغول نگاه کردن آن ها شده، به حرم رسول خدا نگاه نکنند.1
حضرت سکینه می گوید: در خواب، حضرت فاطمه علیهاالسلام را دیدم، روبه روی او ایستاده، گریه می کردم و می گفتم: ای مادر! به خدا حق ما را انکار کردند، چادر ما را پاره کردند و حریم ما را شکستند.2
حضرت زینب علیهاالسلام در دربار یزید به او فرمود: ای یزید! آیا این عدالت است که زنان و کنیزان خود را از نامحرم بپوشانی و دختران رسول خدا(صلی الله علیه و آله)را به اسارت گیری و پوشش از آن ها برگیری، چهره هایشان را در مقابل نامحرم آشکار سازی ودر کوچه و بازار بگردانی؟3
سکینه دختر امام حسین (علیه السلام)در مجلس یزید می گریست. یزید از او علت گریه اش را پرسید. سکینه گفت: چرا گریه نکند کسی که پوششی ندارد تا با آن صورت خود را از تو و همنشینان تو، بپوشاند؟!

تصور کنید، زنان و بچه هایی که ماه ها در سفر بوده اند،
1. همان، ص 127 و 128؛ اللهوف، ص 174.
2. بحا را لا نو ا ر، ج 45، ص 141؛ ا للهوف، ص 188.
3. همان، ج 45، ص 134؛ اللهوف، ص 182.

رویارویی و جسارت سپاه دشمن را از هنگام ورود به کربلا دیده اند، از روز هفتم محرم در محاصره آب بوده اند، از شب دهم دیگر آب در خیمه ها یافت نشده، روز عاشورا آن همه شقاوت دشمن را در به شهادت رساندن عزیزانشان و حمله وحشیانه به خیمه ها مشاهده کرده اند، خسته، گرسنه، تشنه، اما هر جا که لب به شکایت گشوده اند، تنها غصه آن ها هتک حرمت و حریمشان و کم شدن پوششان بوده است و از شاگردان مکتب فاطمه علیهاالسلام مگر جز این انتظار می رفت!
أسراء علی رغم گرسنگی شدید در طول راه، از پذیرفتن خوراک از مردم خودداری می کردند و حتی کودکان را نیز از گرفتن غذا از مردم باز می داشتند و با عزت نفس بیان می داشتند: صدقه بر ما حرام است. اما با این حال از فرمانده دشمن، تقاضای پوششی برای رعایت حجاب خود می نمودند.

سخن آخر: حجاب حق الهی

"بعضی افراد خیال می کنند که حجاب برای زن، محدودیت
و حصاری است که خانواده و وابستگی به شوهر برای او ایجاد نموده است و بنابراین، پندار، حجاب نشانه ضعف و محدودیت زن است، لیکن راه حل رفع این شبهه و تبیین حجاب در بینش قرآن کریم و روایات به این است که زن باید کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بتواند از حق خود صرف نظر کند و نیز حجاب زن مربوط به مرد هم نیست تا با رضایت مرد از حجاب صرف نظر شود. حجاب زن مربوط به خانواده هم نیست تا اعضای خانواده هم رضایت بدهند؛ بلکه حجاب زن، حقی الهی است.
در جهان غرب و کشورهایی که به قانون غربی مبتلایند، اگر زن همسرداری آلوده شد و همسرش رضایت داد، قوانین آن ها پرونده را مختومه اعلام می کنند؛ اما در اسلام چنین نیست. حرمت زن، به خود زن، به شوهر و به برادر و فرزندانش اختصاص ندارد و همه این ها اگر رضایت بدهند، خدا راضی نخواهد بود، چون حرمت زن و حیثیت زن، حق الله است و خدای سبحان زن را سرمایه عاطفه آفرید که معلم رقّت باشد و پیام عاطفه بیاورد.
اگر جامعه ای این درس رقّت و عاطفه را ترک نماید و به دنبال غریزه و شهوت برود، به همان فسادی مبتلا می شود که غرب گرفتار آمده است.
از این رو کسی حق ندارد بگوید که من به نداشتن حجاب رضایت داده ام و از این که قرآن کریم می فرماید: هر گروهی، اگر هم راضی باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می شود که عصمت زن، حق الله است و به هیچ کسی ارتباط ندارد. قهراً همه اعضای خانواده و اعضای جامعه و خصوصاً خود زن امین امانت الهی هستند.
زن از نظر قرآن امانت دار حق خداست؛ یعنی این مقام، حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست به زن داده و خواسته است او این حق را به امانت حفظ کند؛ آن گاه جامعه مسلمانان به صورتی درمی آید که جهان در برابر آن خضوع می نماید.
جامعه ای که قرآن در آن حاکم است، جامعه عاطفه است و سرّش این است که نیمی از جامعه یعنی زنان، معلمان عاطفه، هستند؛ بخواهیم یا نخواهیم و بدانیم یا ندانیم، اصول خانواده درس رأفت و رقّت می دهد و رأفت و رقت در همه مسائل کارساز است؛ بنابراین، در هر بخشی و بعدی از ابعاد، برای سیر به مدارج کمال، زن و مرد تفاوتی ندارند، منتها باید اندیشه ها قرآن گونه باشد؛ یعنی همان گونه که قرآن کمال و حجاب و

اندیشه و عفاف را با هم سازگار می داند، ما نیز در نظام ا سلامی، کمال و حجاب را هماهنگ بدانیم؟ یعنی عظمت و کمال زنان در این است که مردانِ نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز آنان را نبینند.
حجاب، احترام به زن است؛ اگر کسی از تشخیص اصول ارزشی عاجز باشد، ممکن است حجاب را بند بداند و حال آن که قرآن کریم در بیان فلسفه حجاب می فرماید: "این دستور برای این است که زنان (محترم) شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند. "1
وآخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین
1. زن در آیینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، ص 350.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹